



مطالعات طراحی شهری و پژوهش‌های شهری

ISSN: 2645-4424

فصلنامه مطالعات طراحی شهری و پژوهش‌های شهری
سال چهارم، شماره ۲ (پیاپی: ۱۵)، تابستان ۱۴۰۰، جلد دو

تحلیلی بر رویکرد شهر خلاق با تأکید بر توسعه پایدار
شهری؛ مورد پژوهی: شهر اهواز
سعید امان‌پور، سعید ملکی، ماجده عبیات

تبیین اصول ماندگار زیبایی‌شناسی در سکونتگاه‌های
شهری؛ نمونه مطالعاتی: مسکن مهر شهرک پردیسان قم
آمنه بختیار نصرآبادی، شیرین اسلامی

شهرسازی مشارکتی با تأکید بر نقش کودکان در فرآیند
برنامه‌ریزی و طراحی شهری در دوران کرونا
غلامرضا مختاری اصل، مریم حافظی‌فر، زهرا نصرتی

تحلیل شاخص‌های مسکن سالم در شهر مشهد
حجت حاتمی‌نژاد، اقبال آذری، فاطمه عطاران ثانی

تلاش برای حفظ جایگاه هویت معماری همراه با توسعه
شهرنشینی در معماری معاصر با تأکید بر آسمان‌خراش
هامونگ چین
مجید خیرخواه



نشریه

نشانی: کرج، آزادگان، ابتدای بلوار مطهری، کوچه شهید سبجانی، پلاک ۲۸، واحد ۴
کدپستی: ۳۱۴۳۹۵۳۵۹۵
www.UDSJ.ir
@Shij.journals@gmail.com
۰۲۶ ۳۴۴۵۳۱۳۱ / ۰۲۱ ۴۳۸۵۷۱۲۴

جای

انتشارات هنر و علوم دانشگاهی، تلفن: ۰۲۱ ۳۳۸۴۰۷۹۲
نشانی: تهران، افسریه، ۱۵ متری اول، کوچه ۲۸، پلاک ۲۹۳

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: میلاد فتحی

زیر نظر شورای سردبیری
مدیر اجرایی: منیژه ملائی

اعضای شورای علمی و داوری تحریریه: (به ترتیب حروف الفبا)

- دکتر میترا عظیمی، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی
- دکتر وحیده ابراهیم‌نیا، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی
- دکتر حسن اسماعیل‌زاده، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی
- دکتر رحیم حیدری چپانه، عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز
- دکتر ابوالفضل قنبری، عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز
- دکتر وحید بیگدلی‌راد، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی قزوین
- دکتر محمد فرخ‌زاد، عضو هیئت علمی دانشگاه گلستان
- دکتر بهمن صحنه، عضو هیئت علمی دانشگاه گلستان
- دکتر بهرام ایمانی، عضو هیئت علمی دانشگاه محقق اردبیلی
- دکتر حبیب‌اله فصیحی، عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی
- دکتر علیرضا محمدی، عضو هیئت علمی دانشگاه محقق اردبیلی

فراخوان پذیرش مقاله:

نشریه «مطالعات طراحی شهری و پژوهش‌های شهری» توسط موسسه مطبوعاتی مطالعات کاربردی شباک و با همکاری علمی اساتید برجسته دانشگاه‌های کشور به انتشار مقالات علمی در زمینه برنامه‌ریزی شهری، طراحی شهری و به طور عام شهرسازی، می‌پردازد. از این‌رو از تمام اساتید، صاحب‌نظران، کارشناسان، دانشجویان و پژوهشگران دعوت می‌شود با ارسال مقالات علمی خود از طریق وبسایت نشریه به نشانی www.UDSJ.ir در پربارتر کردن این نشریه، ما را یاری نمایند. برای ارسال مقاله کافی است تا در وبسایت ثبت‌نام نموده و با ورود به پنل کاربری، مقاله خود را ثبت کنید.

محورها و موضوعات پذیرش مقاله:

- برنامه‌ریزی شهری
- شهرسازی ایرانی و اسلامی
- شهرسازی و توسعه پایدار
- مدیریت شهری و اقتصاد شهری
- مبنای نظری و تاریخ شهرسازی
- ارتباط دوسویه معماری و شهرسازی
- مرمت و احیا بافت‌های تاریخی شهری
- شهرسازی و مطالعات طراحی شهری
- اخلاق حرفه‌ای، آموزش و پژوهش در شهرسازی
- آسیب‌های شهری و سکونتگاه‌های غیررسمی
- شهرسازی و پایداری اجتماعی و فرهنگی
- نقش محیط زیست و اقلیم در توسعه شهری
- مدیریت بحران و پدافند غیرعامل در شهرسازی
- جامعه‌شناسی شهری و گردشگری شهری
- مدیریت دانش و مطالعات میان رشته‌ای در شهرسازی

فهرست مقالات

صفحه	عنوان مقاله
۱	تحلیلی بر رویکرد شهر خلاق با تأکید بر توسعه پایدار شهری؛ موردپژوهی: شهر اهواز سعید امانپور، سعید ملکی، ماجده عیبات
۱۵	تبیین اصول ماندگار زیبایی‌شناسی در سکونتگاه‌های شهری؛ نمونه مطالعاتی: مسکن مهر شهرک پردیسان قم آمنه بختیار نصرآبادی، شیرین اسلامی
۳۱	شهرسازی مشارکتی با تأکید بر نقش کودکان در فرآیند برنامه‌ریزی و طراحی شهری در دوران کرونا غلامرضا مختاری اصل، مریم حافظی فر، زهرا نصرتی
۴۵	تحلیل شاخص‌های مسکن سالم در شهر مشهد حجت حاتمی‌نژاد، اقبال آذری، فاطمه عطاران ثانی
۶۳	تلاش برای حفظ جایگاه هویت معماری همراه با توسعه شهرنشینی در معماری معاصر با تأکید بر آسمان‌خراش هامونگ چین مجید خیرخواه

تحلیلی بر رویکرد شهر خلاق با تأکید بر توسعه پایدار شهری (مورد پژوهی: شهر اهواز)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۰۵

کد مقاله: ۹۴۲۰۷

سعید امانپور^۱، سعید ملکی^۲، ماجده عبیاتی^{۳*}

چکیده

خلاقیت و توسعه پایدار، در موج چهارم عصر مجازی در شهرهای آینده جهان نه یک انتخاب بلکه یک اجبار خواهد بود. لذا کشورهای پیشرفته چندی است که علاوه بر پرداختن به مفاهیم این دو موضوع، زمینه های استقرار شهرهای خلاق مبتنی بر توسعه پایدار را فراهم نموده اند، اما در ایران مسئله این است که به ارتباط شهرهای خلاق و توسعه پایدار به اندازه کافی پرداخته نشده است. با عنایت به این مهم، تحلیلی بر رویکرد شهر خلاق با تأکید بر توسعه پایدار شهری در شهر اهواز به عنوان هدف اصلی تحقیق در نظر گرفته می شود. پژوهش حاضر از لحاظ هدف، نظری- کاربردی و از نظر روش، دارای ماهیت توصیفی- تحلیلی می باشد. در این مطالعه سعی گردیده ۳۵ متغیر در قالب ۵ شاخص سرزندگی فضای شهری، تکنولوژی ارتباطی، تنوع شهری، کارایی و اثربخشی و مشارکت بر مبنای مطالعات کتابخانه ای و میدانی بررسی شود. به منظور وزن دهی شاخص ها و متغیرها، از تکنیک دلفی استفاده گردیده است. برای تحلیل داده های پژوهش، جهت سنجش اولویت و اهمیت شاخص ها و متغیرها از روش AHP و با بهره گیری از نظرات کارشناسان خبره دانشگاهی و نیز برای رتبه بندی مناطق هشت گانه شهر اهواز از مدل TOPSIS براساس نظرات مسئولان و مدیران مناطق استفاده شده است. همچنین تحلیل کمی داده ها از طریق نرم افزارهای EXCEL و Expert Choice صورت گرفت. نتایج حاصل از پژوهش حاکی از آن است که، شاخص سرزندگی فضای شهری و شاخص مشارکت به ترتیب، بیش ترین و کم ترین ارزش و اولویت را در میان شاخص های پژوهش دارا هستند. همچنین در میان مناطق شهری اهواز، مناطق ۲ و ۳ به ترتیب، رتبه های اول و دوم را به خود اختصاص داده اند و منطقه ۶ از نظر میزان برخورداری از شاخص های شهر خلاق در وضعیت نامطلوبی قرار گرفته و به عنوان محروم ترین منطقه شناخته شده است. به طور کلی، شهر اهواز پتانسیل حرکت به سمت شهرهای خلاق را داراست.

واژگان کلیدی: شهر خلاق، توسعه پایدار شهری، شهر اهواز

۱- دانشیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

۲- استاد گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

۳- دانش آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)

majdeh.abiyat@yahoo.com

۱- مقدمه

۱-۱- بیان مسأله

تغییرات سریع فناوری و رقابت بین‌المللی، گسترش چالش‌های جدید شهری در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و مدیریتی شهرها، زمینه‌های توجه به مسئلهٔ خلاقیت در برنامه‌ریزی شهری را افزایش داده است. خلاقیت در شهر باعث رهایی از بن‌بست‌های مدیریتی و کالبدی و پیاده‌سازی دو اصل مشارکت و کارایی که از شاخص‌های اصلی در حوزهٔ حکمرانی خوب شهری می‌باشد، می‌گردد. همچنین ایدهٔ شهر خلاق برای مدیران و برنامه‌ریزان شهری باعث گسترش افق دید و تحلیل راهکار در مواجهه با مسائل مدیریتی شهر می‌شود و به تنوع علایق و عقاید در پهنهٔ شهر احترام می‌گذارد و زمینهٔ مشارکت شهروندان را در تصمیم‌گیری‌های شهری فراهم می‌کند. به‌نوعی ترکیب دانش مدیریت شهری با تفکر خلاق شهروندان، توسعهٔ پایدار شهری را در پی خواهد داشت (حسینی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۰۹). نظریهٔ شهر خلاق یکی از نوپاترین نظریه‌ها در مباحث برنامه‌ریزی شهری است که به‌دنبال موج سوم شهرنشینی در دنیا بروز و نمود پیدا کرد. با وجود نوپا بودن، در مدت زمان کوتاه این نظریه به یکی از کاربردی‌ترین نظریه‌های حوزهٔ مطالعات شهری بدل شده است، به‌طوری‌که امروزه در سطح جهانی سازمان فرهنگی و تربیتی ملل متحد (یونسکو) با استفاده از شاخص‌های شهر خلاق سالیانه شهرهای جهان را مورد سنجش و ارزیابی قرار داده و فهرست شهرهای خلاق را در حوزه‌های مختلف ادبی، هنری، فرهنگی، تاریخی و... منتشر می‌کند (آفتاب و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۹۰؛ مختاری ملک‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۴). شهرهای ایران خصوصاً کلان‌شهرها از جنبه‌های گوناگون فاصلهٔ زیادی با میحث توسعهٔ پایدار شهری دارند و برای ایجاد تحول در این فرآیند ناقص فعلی نیاز به خلق ایده‌های برنامه‌ریزی جدید و محلی می‌باشد. زیرا تجربه نشان داده است که کپی‌برداری محض از طرح‌های اروپایی و آمریکایی جواب کاملی به مسائل و مشکلات امروز جامعهٔ ما نیست اما عدم وجود طبقهٔ خلاق که بتواند مسئولیت این نیاز را به‌عهده بگیرد به‌شدت در کشور احساس می‌شود. این کمبود شدید خلاقیت اصیل و کاربردی عملاً به‌دلیل عدم پرورش افراد خلاق در جامعه است و بستر زیست این افراد که همانا شهرها می‌باشند یکی از ابزارهای مهم هدایت و پرورش چنین طبقه‌ای در جوامع شهری می‌باشد. با توجه به موارد مذکور باید مبانی نظری شهر خلاق به‌طور جدی و عملی - کاربردی در شهرها مورد توجه قرار گیرد تا شروعی بر پاسخ‌گویی به این نیاز باشد (رنجبران، ۱۳۹۵: ۵-۶).

۱-۲- اهمیت و ضرورت تحقیق

توسعهٔ پایدار به مفهوم حرکت بر محور انسان - محیط است و توسعهٔ امکانات اقتصادی با توجه به ملاحظات محیطی و عدالت اجتماعی را مورد توجه قرار می‌دهد. توسعهٔ پایدار پس از مشکلات ایجاد شده از توسعهٔ صرفاً اقتصادی پیش از دههٔ ۱۹۳۰ مطرح گردید. جایی که توسعهٔ بی‌رویه باعث اختلالات طبقاتی و مشکلات زیست‌محیطی عدیده‌ای شده و مسیر توسعه به ابعاد محیطی و اجتماعی کم‌تر از اقتصادی بها داده بود (افشار، ۱۳۹۵: ۴). اهواز به‌عنوان یکی از کلان‌شهرهای کشور با مشکلات و معضلات فراوانی از قبیل آلودگی صوتی، آلودگی آب، آلودگی هوا، بحران ریزگردها، مشکلات ترافیکی، کمبود مسکن، نابودی محیط‌زیست، کمبود خدمات، سرانه‌ها، تأسیسات و تجهیزات شهری، فقر و ناهنجاری و... مواجه است. راه‌حل این مسائل توجه جدی به موضوع توسعهٔ پایدار شهری است. طبقاً توسعهٔ پایدار شهری که از طریق توازن میان توسعه و محیط‌زیست محقق می‌شود، ضمن این‌که نیازهای متعدد نسل کنونی را برآورده می‌سازد به حقوق نسل آینده نیز چشم دارد و آن را محترم می‌شمارد. خلاقیت نیز ابزاری برای پیشینه کردن امکانات در هر شرایط و افزودن ارزش و معنا به نتیجهٔ اقدام‌های انسانی در هر زمینه‌ای است. بنابراین مسأله این‌جاست که چگونه می‌توان شهری داشت که هم با خلاقیت از امکانات، بیش‌ترین استفاده را برای نسل کنونی داشته باشد و هم حقوق نسل آینده را محترم بدارد. در حقیقت، مسأله این است که چگونه می‌توان با شاخص‌ها و مؤلفه‌های شهر خلاق به توسعهٔ پایدار شهر اهواز کمک کرد. در همین راستا، اهمیت و ضرورت موضوع شهر خلاق از این‌جا ناشی می‌شود که نتیجهٔ توجه مدیران و برنامه‌ریزان شهری به رفاه شهروندان، تزریق شهرهای خلاق به نظام سلسله‌مراتب شهری کشور است.

۱-۳- سوالات تحقیق

الف) مهم‌ترین شاخص شهر خلاق کدام است؟

ب) مناطق هشت‌گانهٔ شهر اهواز از نظر شاخص‌های شهر خلاق از چه وضعیتی برخوردار هستند؟

۱-۴- فرضیه‌های تحقیق

الف) به نظر می‌رسد شاخص سرزندگی فضای شهری مهم‌ترین شاخص شهر خلاق است.

ب) به نظر می‌رسد مناطق هشت‌گانهٔ شهر اهواز از نظر شاخص‌های شهر خلاق از وضعیت نامطلوبی برخوردار هستند.

۵-۱- اهداف تحقیق

۵-۱-۱- هدف اصلی

هدف اصلی پژوهش حاضر، تحلیلی بر رویکرد شهر خلاق با تأکید بر توسعه پایدار شهری در شهر اهواز می‌باشد.

۵-۲- اهداف فرعی

- تعیین اولویت شاخص‌های شهر خلاق براساس نظرات کارشناسان خبره دانشگاهی؛
- بررسی وضعیت مناطق هشت‌گانه شهر اهواز به لحاظ میزان برخورداری از شاخص‌های خلاق با بهره‌گیری از نظرات مسئولان و مدیران شهری مناطق.

۶-۱- روش تحقیق

پژوهش حاضر از لحاظ هدف، نظری- کاربردی و از نظر روش مطالعه، دارای ماهیت توصیفی- تحلیلی می‌باشد. جهت گردآوری داده‌های بخش توصیفی از اسناد و مراجع معتبر کتابخانه‌ای و برای دستیابی به داده‌های بخش تحلیلی از روش میدانی و نیز ابزار پرسش‌نامه استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش مدیران، مسئولان و کارشناسان شهرداری اهواز می‌باشند. حجم نمونه از طریق تکنیک دلفی برآورد گردید. روایی پرسش‌نامه، با بهره‌گیری از منابع و مآخذ معتبر و همچنین نظرات اساتید راهنما و مشاور جهت تدوین و تصحیح پرسش‌نامه انجام شده است. جهت انجام پایایی پرسش‌نامه، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردیده است. براساس روش مذکور، پایایی پرسش‌نامه ۰/۹۸ درصد به‌دست آمد که این مقدار نشان‌دهنده بالا بودن پایایی پرسش‌نامه است. برای تحلیل داده‌های پژوهش، جهت سنجش اولویت و اهمیت شاخص‌ها و متغیرها از روش AHP و با بهره‌گیری از نظرات کارشناسان خبره دانشگاهی و نیز برای رتبه‌بندی مناطق شهر اهواز از مدل TOPSIS براساس نظرات مسئولان و مدیران مناطق هشت‌گانه شهر اهواز استفاده شده است. تجزیه و تحلیل‌های کمی نیز از طریق نرم‌افزارهای EXCEL و Expert Choice صورت گرفت.

۷-۱- پیشینه تحقیق

۷-۱-۱- مطالعات خارجی

- دنر و ولاچنوپائلو (۲۰۱۱)، مقاله‌ای تحت عنوان «شهر خلاق، یک چالش جدید از برنامه‌ریزی استراتژیک شهری» به انجام رسانده‌اند. نتایج حاصل از پژوهش حاکی از آن است که، شهر خلاق به‌عنوان یک چارچوب جدیدی از برنامه‌ریزی، پاسخی برای سایر برنامه‌ریزی‌های پیشنهادی و کاربردی مانند برنامه‌ریزی برای پایداری شهری است که بر روی شاخص‌هایی همچون نیروی انسانی، مهارت، استعداد و آرمان‌گرایی تأکید می‌کند.

- فور (۲۰۱۳)، مقاله‌ای تحت عنوان «رونق شهر جدید؟ از شهر خلاق به شهر تکنولوژی در شرق لندن» به انجام رسانده است. نتایج حاصل از پژوهش حاکی از آن است که، افزایش سطح تکنولوژی در شهر موجب پیشرفت تکنولوژیکی شهر می‌گردد. - دانیلا و همکاران (۲۰۱۴)، مقاله‌ای تحت عنوان «توزیع منطقه‌ای قطب‌های خلاق در رومانی» به انجام رسانده‌اند. نتایج حاصل از پژوهش حاکی از آن است که، صنایع خلاق برای اقتصاد ملی، منطقه‌ای و محلی با توجه به سهم هریک از آن‌ها در تولید ناخالص داخلی، ایجاد زمینه‌های اشتغال و نگهداری از مشاغل حائز اهمیت هستند. این پژوهش همچنین بر ارتباط میان اهمیت محلی‌سازی و نوع واکنش به بحران‌های اقتصادی تأکید می‌کند. شناسایی قطب‌های خلاق در رومانی هدف عمده اسناد حمایتی متعدد برای استراتژی ملی توسعه منطقه‌ای در افق زمانی ۲۰۲۰-۲۰۱۴ می‌باشد.

- کریموگلاو و کاراهاسان (۲۰۱۴)، مقاله‌ای تحت عنوان «نقش پراکندگی فضایی سرمایه خلاق برای درک تفاوت‌های منطقه‌ای در اسپانیا» به انجام رسانده‌اند. نتایج حاصل از پژوهش حاکی از آن است که، در کشور اسپانیا پراکنش فضایی سرمایه خلاق رابطه مستقیمی با درآمد سرانه دارد.

- کاکپوچی (۲۰۱۶)، مقاله‌ای تحت عنوان «شهرهای فرهنگی خلاق در ژاپن: واقعیت، چشم‌انداز» به انجام رسانده است. نتایج حاصل از پژوهش حاکی از آن است که، ارتقاء صنایع دستی سنتی و دیگر اقدامات ظرفیت‌ساز که به افزایش جذابیت شهر کمک می‌کند، به‌طور غیرمستقیم از لوازم خدمت‌رسان گردشگری فرهنگی است؛ بنابراین سیاست شهر خلاق می‌تواند دارایی‌های فرهنگی را افزایش و به تغییر مدل‌های رشد قبلی به یک مدل خدمت‌رسان و پایدار کمک کند.

۷-۲- مطالعات داخلی

- ضرابی و همکاران (۱۳۹۳)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی میزان تحقق‌پذیری شهر خلاق (مقایسه تطبیقی بین شاخص‌های توسعه پایدار شهری و معیارهای ایجاد شهر خلاق) در شهرهای استان یزد» و با استفاده از مدل‌های رتبه- اندازه شهری، ضریب

آنتروپی و TOPSIS و آزمون‌های آمار استنباطی نظیر ضریب همبستگی، رگرسیون چندمتغیره و تحلیل مسیر و نیز نرم‌افزار GIS به بررسی ۳۵ شاخص توسعه پایدار و ۲۲ شاخص شهر خلاق پرداخته‌اند. نتایج حاصل از پژوهش حاکی از آن است که، شهرهای یزد و مینو به‌عنوان شهرهای پایدار محسوب می‌شوند و همچنین متغیرهای نوآوری با میزان $0/672$ و آموزشی با میزان $0/537$ دارای بیش‌ترین تأثیرات به‌ترتیب در توسعه پایدار و شهرهای خلاق شهرهای استان یزد داشته‌اند. در نهایت شهر یزد با توجه به میزان بالای سرمایه‌های انسانی موجود، تعداد بالای متخصص، میزان بالای مراکز رشد و فناوری، قابلیت بالقوه‌ای در استفاده از انرژی‌های نو و حرکت به‌سوی تحقق شهر خلاق را دارد.

- مختاری ملک‌آبادی و همکاران (۱۳۹۳)، در مقاله‌ای با عنوان «سطح‌بندی مناطق پانزده‌گانه شهر اصفهان از لحاظ شاخص‌های شهر خلاق» و با استفاده از مدل‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ضریب آنتروپی و TOPSIS و نرم‌افزار SPSS به بررسی ۱۲ متغیر در قالب ۴ شاخص مشارکت، کارایی و اثربخشی، سرزندگی فضای شهری و تکنولوژی ارتباطی پرداخته‌اند. نتایج حاصل از پژوهش حاکی از آن است که، میزان برخورداری مناطق پانزده‌گانه شهر اصفهان از نظر شاخص‌های شهر خلاق به یک صورت نبوده و اختلاف زیادی بین مناطق شهر اصفهان وجود دارد که بهترین وضعیت را مناطق ۱، ۳، ۵، ۶ و نامطلوب‌ترین وضعیت را مناطق ۱۳ و ۱۴ داشته‌اند. به‌طور کلی، شهر اصفهان پتانسیل حرکت به‌سمت شهرهای خلاق را داراست.

- حسینی و همکاران (۱۳۹۶)، در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل شاخص‌های شهر خلاق و ارتباط آن با توسعه پایدار شهری در شهر رشت» و با استفاده از آزمون‌های آمار استنباطی نظیر آزمون t تک نمونه‌ای و ضریب همبستگی اسپیرمن و نیز نرم‌افزارهای SPSS و EXCEL به بررسی ۴ شاخص شهر خلاق نظیر انعطاف‌پذیری، ابتکار، خطرپذیری و رهبری و نیز ۴ شاخص توسعه پایدار شهری همچون اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و زیست‌محیطی پرداخته‌اند. نتایج حاصل از پژوهش حاکی از آن است که، وضعیت شهر رشت از نظر شاخص‌های شهر خلاق کم‌تر از میانگین مورد انتظار است. همچنین بین شاخص‌های شهر خلاق و ابعاد توسعه پایدار شهری رابطه آماری مثبت و معناداری وجود دارد.

- ابراهیم‌زاده و نیری (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای با عنوان «سنجش و ارزیابی وضعیت شاخص‌های شهر خلاق در مناطق پنج‌گانه شهر زاهدان» و با استفاده از آزمون‌های آمار استنباطی نظیر آزمون t تک نمونه‌ای، تحلیل واریانس و تحلیل رگرسیون چندمتغیره و نیز نرم‌افزار SPSS به بررسی ۳۵ متغیر در قالب ۵ شاخص سرزندگی فضای شهری، تکنولوژی ارتباطی، کارایی و اثربخشی، مشارکت و تنوع شهری پرداخته‌اند. نتایج حاصل از پژوهش حاکی از آن است که، در میان مناطق پنج‌گانه شهر زاهدان به لحاظ شاخص‌های شهر خلاق تفاوت معناداری وجود دارد. در جمع‌بندی نهایی، براساس میانگین کلی شاخص‌های شهر خلاق، شهر زاهدان پایین‌تر از میانگین حد متوسط و دارای وضعیت نامطلوبی می‌باشد.

- شمسی و همکاران (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای با عنوان «مروری بر مفهوم شهر خلاق با تأکید بر سنجش وضعیت خلاقیت شهری در مناطق سه‌گانه قزوین» و با استفاده از مدل‌های TOPSIS و AHP و نیز نرم‌افزار SPSS به بررسی ۳۲ متغیر در قالب ۱۲ شاخص فرهنگ و هنر، فضای جمعی، هویت شهری، مناظر شهری، دانش شهروندان، مشارکت و غیره پرداخته‌اند. نتایج حاصل از پژوهش حاکی از آن است که، شهر قزوین پتانسیل لازم جهت حرکت به‌سوی شهر خلاق را داراست هرچند که این روند از سال ۱۳۹۲ دچار رکود گشته است لیکن با توجه به ظرفیت‌های خلاقیت شهر قزوین، پیشنهاد می‌گردد که نسبت به تقویت زمینه‌ای که اقبال جهانی بیش‌تری در آن وجود دارد، اقدام گردد.

۲- مبانی نظری تحقیق

۲-۱- شهر خلاق

طبق معیار سازمان جهانی یونسکو، شهری خلاق است که از نوآوری‌ها و توانمندی‌های شهروندان در توسعه پایدار شهری استفاده کند و تفکر خلاق ساکنین همگام و هماهنگ با مدیریت شهری حرکت کند (موسوی‌پور، ۱۳۹۴: ۱۴).

مفهوم «شهر خلاق» را می‌توان از چهار منظر تعریف کرد:

- ۱- شهر خلاق، از منظر زیرساخت‌های هنری و فرهنگی؛ کانون اغلب استراتژی‌ها و برنامه‌های شهرهای یاد شده برای تبدیل به شهرهای خلاق، تحکیم و تقویت کالبد هنری و فرهنگی، مانند پشتیبانی از هنر و هنرمندان و زیرساخت‌های نهادی است.
- ۲- شهر خلاق، از منظر اقتصاد خلاق؛ تقویت صنایع خلاق یا اقتصاد خلاق روز به روز بیش‌تر مورد تأکید مسئولان شهرها قرار می‌گیرد؛ چرا که سکویی برای توسعه اقتصاد و یا حتی کلیت شهر به‌شمار می‌رود. در کانون این نگرش، سه عنصر کلیدی وجود دارد: میراث فرهنگی و هنری، صنایع تفریحی و رسانه و ارائه خدمات خلاق به کسب و کارها. این خدمات، مهم‌ترین عنصر اقتصاد خلاق است، چرا که می‌تواند هر خدمت یا محصولی را صاحب ارزش کند. به‌ویژه طراحی، تبلیغات و تفریح، پیشران‌های نوآوری در پیکره اقتصاد به‌شمار می‌روند و اقتصاد تجربه را شکل می‌دهند.

۳- شهر خلاق، از منظر حضور طبقه خلاق؛ ریچارد فلوریدا که مدع مفهوم طبقه خلاق است، نگاه خود را به نقش خلاق افراد در عصر خلاقیت سوق می‌دهد. وی معتقد است دیگر مانند گذشته بنیان‌های اقتصاد جوامع بر شرکت‌ها و مؤسسات بزرگ استوار نیست و در مقابل، نقش افراد در اقتصاد پررنگ‌تر می‌شود. به اعتقاد فلوریدا، امروزه شهرها علاوه بر فضای مناسب برای کسب و کارها، به فضای مناسب برای افراد نیز نیاز دارند.

۴- شهر خلاق، از منظر ترویج فرهنگ خلاقیت؛ سه تعریفی که آن‌ها را مرور کردیم به نوبه خود ارزشمند هستند، اما نمی‌توانند آن‌طور که باید و شاید بار معنایی مفهوم شهر خلاق را منتقل کنند. شهر خلاق، چیزی فراتر از اقتصاد خلاق یا مردمان خلاق است. مفهوم شهر خلاق، شهر را نظام یکپارچه‌ای از سازمان‌ها و نهادهای مختلف و ملغمه‌ای از فرهنگ‌ها در بخش دولتی و خصوصی می‌داند. از این منظر، در عصر تغییرات سریع و بنیادین، همه نهادهای حاضر در یک شهر باید مخترعانه‌تر رفتار کنند و برای غلبه بر چالش‌ها متحد شوند. در غیراین صورت، شهر محکوم به فنا خواهد بود (رباطی‌انارکی، ۱۳۹۵: ۴۵-۴۴).

جهت سنجش یک شهر همواره باید معیارهایی را در نظر گرفت و با استفاده از ابزاری به نام شاخص میزان نزدیکی به ایده‌آل‌ها و معیارها را سنجید. بنابراین، معیارها و شاخص‌های شهر خلاق با توجه به جمع‌بندی نظریات نظریه‌پردازان در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱- معیارها و شاخص‌های شهر خلاق (مأخذ: فدائی، ۱۳۹۱: ۴۷)

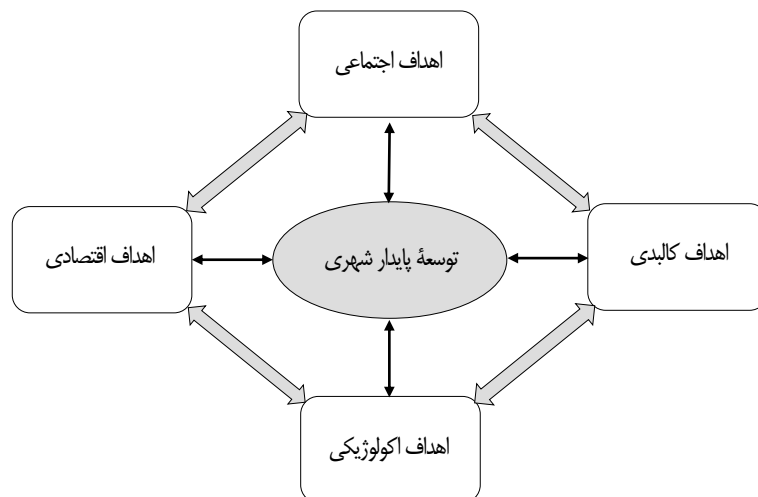
معیار	شاخص	
معیارهای غیر مکانی	خلاقیت محلی	شاخص خلاقیت رتبه تلنت + رتبه فناوری + رتبه تکنولوژی / حداکثر رتبه ممکن
	توانایی (استعداد)	شاخص استعداد شاخص طبقه خلاق + شاخص سرمایه انسانی + شاخص استعداد علمی
	تکنولوژی (فناوری)	شاخص فناوری شاخص نوآوری + شاخص فناوری بالا + شاخص R&D
	تحمل (تسامح)	شاخص نگرش + شاخص ارزش + عزت نفس
معیارهای مکانی	کیفیت محیطی	کیفیت محیط طبیعی
		کیفیت محیط ساخته شده
		محیط زیست سالم
		موسیقی زنده و فرصت‌های وسیع نمایش
	وضعیت اشتغال	حفاظت از محیط زیست
		دسترسی آسان به فعالیت‌های فضایی باز
		دسترسی به فضاهای سبز
		تجربه وسیع زندگی شبانه
	سبک زندگی	امکانات محیطی که به آسانی آمیخته با محیط کار است
		میزان درآمد
		امتیازات شغلی
		ثبات شغلی
	تعاملات اجتماعی	زندگی شبانه فعال و پرشور و متنوع
		سالن‌های موسیقی، گالری‌های هنری در سطح محله، تئاتر و فضاهای اجرا
		کلپ‌های موسیقی و کافی‌شاپ‌ها، گزینه‌های بدون الکل
		اهمیت مکان‌های سوم و تقویت اقتصاد بعد از ظهر شامل فرهنگ کافه‌ای
	اصالت	تنوع نژادها و گروه‌های ملیتی و قومیتی، سنین مختلف، تنوع جنسی
		تنوع گونه‌های موسیقی و انواع متنوع غذا، گزینه‌های متنوع محیطی
		ساختمان‌های تاریخی
		محلات تاریخی و قدیمی
	هویت	فعالیت‌های منحصر به فرد (نظیر موسیقی خاص با هویت شنیداری)
		تأکید بر هویت فرهنگی و مشارکت عمومی
		دسترسی آسان محل کار و تفریح
		حمل و نقل شبانه قابل اعتماد و امن
	دسترسی	گزینه‌های متنوع حمل و نقل عمومی و پاک (مترو و یا قطار برقی)
		دسترسی آسان به امکانات آموزشی
		تراکم ارتباطات، خطوط تلفن‌های همراه و دسترسی به اینترنت
		مقدار و تنوع فعالیت فرهنگی
	سرزندگی فعالیتی	تنوع کاربری زمین
		وجود نجاری‌های خلاق و ریزدانه
		بناها و فضاهای فاقد فعالیت

۲-۲- توسعه پایدار شهری

مناسب‌ترین بستر برای تحقق ایده توسعه پایدار، محیط شهر است. مفهوم توسعه پایدار و توسعه پایدار شهری تا آن حد درهم تنیده‌اند که نمی‌توان آن‌ها را جدا از هم در نظر گرفت، چراکه این اصول در محیط شهر است که اگر محقق شوند، دستیابی به توسعه پایدار، کامل و همه‌جانبه را امکان‌پذیر خواهد ساخت: «شهرها مکانی مهم جهت آزمودن نظریات گوناگون هستند و گاهی از شهرها به‌عنوان عالی‌ترین خلاقیت انسان یاد می‌شود، تجمع نیازهای عصر حاضر بیش از هر مکان دیگری در شهرها تجلی یافته است. شهرها مهم‌ترین کانون‌های تحقق توسعه پایدار به‌شمار می‌روند». تحقق توسعه پایدار گامی است در جهت بازیافت کیفیت از دست رفته زندگی شهری که در اثر توسعه‌های ناپایدار حادث شده‌اند (نقی‌زاده و محتشم‌امیری، ۱۳۹۲: ۶-۵).

توسعه شهری پایدار اهمیت بسزایی در دل مفهوم توسعه پایدار دارد (فرهودی و همکاران، ۱۳۹۰: ۹۱). مهم‌ترین دغدغه‌ای که موجبات تعمق جدی صاحب‌نظران و برنامه‌ریزان شهری را به‌سوی مفهوم «توسعه پایدار شهری» جلب نموده، واقعیت رشد شتابان شهرنشینی در جهان امروز و تداوم آن در آینده از یک‌سو و رشد حیرت‌آور و چشم‌گیر کلان‌شهرها به‌ویژه در کشورهای جنوب و پیامدهای زیان‌بار آن برای ساکنان این مناطق می‌باشد، در ترسیم الگوی توسعه پایدار شهری محورهایی چون پایداری اقتصادی، پایداری اجتماعی- فرهنگی و پایداری زیست‌محیطی نقش راهبردی دارند (کلانتری خلیل‌آباد و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۰۹؛ رهنمایی و پورموسی، ۱۳۸۵: ۱۷۸).

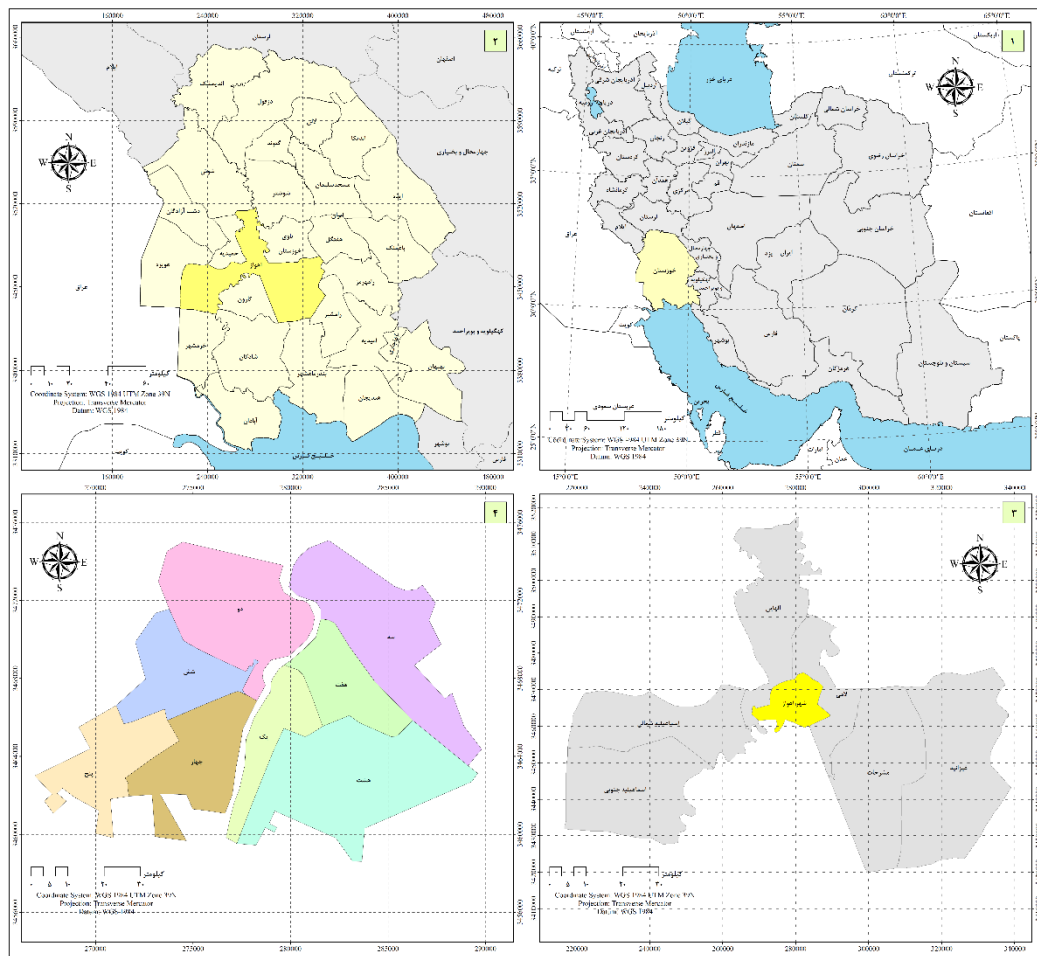
در توسعه پایدار شهری همانند توسعه پایدار باید روابط منطقی بین عوامل محیطی، اقتصادی، اجتماعی و کالبدی باشد. به نظر مونسینگ موهان به‌وسیله ارتباطات متقابل و نزدیک این عوامل است که یک شهر پایدار ایجاد می‌شود (سپهوند و عارف‌نژاد، ۱۳۹۲: ۴۹-۴۸). بدین ترتیب، روابط بین عوامل محیطی، اقتصادی، اجتماعی و کالبدی در توسعه پایدار شهری، در قالب شکل ۱ نمایش داده شده است.



شکل ۱- روابط میان عوامل توسعه پایدار شهری (مأخذ: صفایی پور و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۴۶)

۳- منطقه مورد مطالعه

شهر اهواز به‌عنوان یکی از شهرهای بزرگ ایران و مرکز شهرستان اهواز و استان خوزستان به لحاظ موقعیت جغرافیایی در ۳۱ درجه و ۲۰ دقیقه عرض شمالی و ۴۸ درجه و ۴۰ دقیقه طول شرقی قرار گرفته است و ارتفاع متوسط آن از سطح دریا، ۱۸ متر می‌باشد (آمارنامه کلان‌شهر اهواز، ۱۳۹۵: ۱۰). شهر اهواز با مساحت ۲۲۰ کیلومتر مربع دومین شهر وسیع ایران پس از تهران است. وسعت شهر اهواز در محدوده قانونی شهری ۲۲۲ کیلومتر مربع، در محدوده خدماتی ۳۰۰ کیلومتر مربع و در محدوده استحفاظی ۸۹۵ کیلومتر مربع می‌باشد. این شهر دارای هشت منطقه شهرداری بوده که هریک سه یا چهار ناحیه را شامل می‌گردد. جمعیت شهر اهواز در اولین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۳۵ بالغ بر ۱۲۰۰۹۸ نفر و در آخرین سرشماری مربوط به سال ۱۳۹۵ برابر با ۱۱۸۴۷۸۸ نفر بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵).



نقشه ۱- موقعیت منطقه مورد مطالعه (ترسیم: نگارندگان، ۱۴۰۰)

۴- تحلیل یافته‌ها

در این بخش به تحلیل یافته‌های حاصل از پرسش‌نامه که به دو بخش توصیفی و استنباطی تقسیم می‌شوند، پرداخته می‌شود. در بخش یافته‌های توصیفی، به بررسی ویژگی‌های فردی پاسخ‌گویان از قبیل جنسیت، سن و میزان تحصیلات پرداخته شده است. براساس نتایج حاصل از پرسش‌نامه، ۱۸/۳ درصد افراد پاسخ‌گو را زنان و ۸۱/۷ درصد را مردان تشکیل می‌دهند. همچنین، ۲۲/۵ درصد پاسخ‌گویان در گروه سنی ۳۵-۲۵، ۴۴/۲ درصد در گروه سنی ۴۵-۳۵، ۲۷/۵ درصد در گروه سنی ۵۵-۴۵ و ۵/۸ درصد در گروه سنی ۵۵ سال و بالاتر می‌باشند. ۶۵ درصد افراد پاسخ‌گو نیز دارای مدرک کارشناسی و ۳۵ درصد دارای مدرک کارشناسی‌ارشد و بالاتر هستند.

در بخش یافته‌های استنباطی، به تجزیه و تحلیل شاخص‌ها و متغیرهای پژوهش پرداخته شده است. به‌طوری‌که، سعی گردیده ۳۵ متغیر در قالب ۵ شاخص «سرزندگی فضای شهری»، «تکنولوژی ارتباطی»، «تنوع شهری»، «کارایی و اثربخشی» و «مشارکت» در مناطق هشت‌گانه شهر اهواز بررسی شود. به‌منظور تحلیل داده‌های پژوهش، جهت سنجش اولویت و اهمیت شاخص‌ها و متغیرها از روش فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی و با بهره‌گیری از نظرات کارشناسان و صاحب‌نظران خبره دانشگاهی و همچنین برای رتبه‌بندی مناطق شهر اهواز از تکنیک رتبه‌بندی براساس تشابه به راه‌حل ایده‌آل براساس نظرات مسئولان، مدیران و کارشناسان مناطق هشت‌گانه شهر اهواز استفاده شده است. تجزیه و تحلیل کمی داده‌ها نیز از طریق نرم‌افزارهای EXCEL و Expert Choice صورت گرفت.

۴-۱- روش AHP

فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی، از اسلوب‌های رایج به‌کار رفته در مسائل مربوط به رتبه‌بندی با تحلیل‌های چندمعیاره است؛ که به‌وسیله توماس ساعتی در سال ۱۹۸۰ در دانشگاه پنسیلوانیا مطرح شده و در دهه‌های اخیر به‌عنوان ابزاری مفید برای حل مباحث چندوجهی و پیچیده تصمیم‌گیری توسعه‌یافته است (Chabuk et al, 2016: 428; Liao et al, 2014: 675). این مدل با

تعیین یک نظام سلسله‌مراتبی متشکل از اهداف، شاخص‌ها و گزینه‌ها، کار مقایسه‌ی طرفینی سنجه‌ها را بر پایه‌ی ترجیحات تخصصی کارشناسان در مقیاس‌های مختلف پیش می‌برد. در ادامه با برقراری ارتباط برتری از طریق مقایسات زوجی، مقادیر وزنی معیارها استخراج یافته و عناصر مؤثر بر اهداف مشخص می‌شوند (Hillerman et al, 2017: 100). بنابراین، تصمیم‌گیری در مورد هدف نهایی می‌تواند با استفاده از اوزان معیارها و گزینه‌ها انجام پذیرد (Shakiba et al, 2018: 9). در همین راستا، جدول ۲، وزن و رتبه‌ی هریک از شاخص‌های شهر خلاق براساس روش تحلیل سلسله‌مراتبی را نشان می‌دهد.

$$R_{ij} = \frac{a_{ij}}{\sum_{i=1}^m a_{ij}} \quad (۱) \quad \text{محاسبه‌ی بردار وزنی}$$

$$W_i = \frac{\sum_{i=1}^n r_{ij}}{n} \quad (۲) \quad \text{تهیه‌ی ماتریس بی‌مقیاس موزون}$$

$$V_H = \sum_{k=1}^n \sum_{i=1}^m W_k \times W_j (g_{ij}) \quad (۳) \quad \text{محاسبه‌ی اوزان نهایی و تعیین اولویت‌ها}$$

$$\lambda_{\max} W = D \times W \quad (۴) \quad \text{محاسبه‌ی بردار مجموع وزنی}$$

جدول ۲- وزن‌دهی و رتبه‌بندی شاخص‌های شهر خلاق

رتبه	وزن	شاخص	کد شاخص
۱	۰/۳۸۴	سرزندگی فضای شهری	C ₁
۴	۰/۰۹۸	تکنولوژی ارتباطی	C ₂
۲	۰/۲۳۶	تنوع شهری	C ₃
۳	۰/۲۱۲	کارایی و اثربخشی	C ₄
۵	۰/۰۷۰	مشارکت	C ₅

از جدول ۲ چنین استنباط می‌شود که بیش‌ترین ارزش با مقدار کارشناسی ۰/۳۸۴، مربوط به شاخص سرزندگی فضای شهری است. پس از شاخص سرزندگی فضای شهری، به‌ترتیب شاخص تنوع شهری با ضریب ۰/۲۳۶، شاخص کارایی و اثربخشی با ضریب ۰/۲۱۲ و شاخص تکنولوژی ارتباطی با ضریب ۰/۰۹۸، در رتبه‌های بعدی ارزش اهمیت قرار گرفته‌اند. همچنین، پایین‌ترین ضریب پارامتریک در این زمینه به شاخص مشارکت با ضریب ۰/۰۷۰ اختصاص یافت.

در گام بعدی، ارزش هریک از متغیرها معین می‌شود. با عنایت به این مهم، جدول ۳، وزن و رتبه‌ی هریک از متغیرهای شهر خلاق براساس الگوریتم تحلیل سلسله‌مراتبی را نشان می‌دهد. براساس جدول، در ارتباط با متغیرهای شاخص سرزندگی فضای شهری، فرهنگ شهروندی مردم با ضریب ۰/۲۶۸، بالاترین ارزش اهمیت و ایجاد فضای نشستن در مراکز پر رفت‌وآمد با ضریب ۰/۰۴۰، پایین‌ترین ارزش اهمیت را به‌خود اختصاص داده‌اند. در رابطه با متغیرهای شاخص تکنولوژی ارتباطی، استفاده‌ی آسان از اینترنت توسط همه‌ی شهروندان با ضریب ۰/۴۶۵، بالاترین ارزش اهمیت و کیوسک‌های اطلاع‌رسانی در محل سکونت با ضریب ۰/۰۶۱، پایین‌ترین ارزش اهمیت را به‌دست آورده‌اند. در ارتباط با متغیرهای شاخص تنوع شهری، وجود فرصت‌های شغلی با ضریب ۰/۳۵۵، بالاترین ارزش اهمیت و وجود مراکز اوقات فراغت و تفریحی با ضریب ۰/۰۵۷، پایین‌ترین ارزش اهمیت را به‌خود اختصاص داده‌اند. در رابطه با متغیرهای شاخص کارایی و اثربخشی، عملکرد سازمان‌های خدمات‌رسانی با ضریب ۰/۲۳۷، بالاترین ارزش اهمیت و ارائه‌ی برنامه‌های فرهنگی با ضریب ۰/۰۲۸، پایین‌ترین ارزش اهمیت را به‌دست آورده‌اند. در ارتباط با متغیرهای شاخص مشارکت، بسترسازی برای مشارکت (امنیت روانی) با ضریب ۰/۳۵۹، بالاترین ارزش اهمیت و مشارکت در تهیه و اجرای طرح‌ها با ضریب ۰/۰۶۰، پایین‌ترین ارزش اهمیت را به‌خود اختصاص داده‌اند. براساس نتیجه‌ی نهایی، بالاترین و پایین‌ترین ضریب پارامتریک در این زمینه به‌ترتیب به متغیر استفاده‌ی آسان از اینترنت توسط همه‌ی شهروندان با ضریب ۰/۴۶۵ و متغیر ارائه‌ی برنامه‌های فرهنگی با ضریب ۰/۰۲۸ تعلق گرفت.

جدول ۳- وزن دهی و رتبه بندی متغیرهای شهر خلاق

رتبه	وزن	متغیرها		شاخص‌ها	
		متغیر	کد	شاخص	کد
۵	۰/۲۶۸	فرهنگ شهرگرایی مردم	SC ₁	سرزندگی فضای شهری	C ₁
۱۳	۰/۱۵۳	بهسازی فضای خیابان	SC ₂		
۳۲	۰/۰۴۱	برگزاری مراسم و جشن‌های خیابانی (مذهبی و ...)	SC ₃		
۳۳	۰/۰۴۰	ایجاد فضای نشستن در مراکز پر رفت‌وآمد	SC ₄		
۳۰	۰/۰۴۷	ایجاد فضای کافی جهت عبور عابرین	SC ₅		
۱۵	۰/۱۴۲	ایمنی عابران پیاده	SC ₆		
۲۱	۰/۰۹۷	دسترسی به مراکز فرهنگی، هنری	SC ₇		
۲۹	۰/۰۵۱	اصلاح تابلوها و نماهای ساختمان	SC ₈		
۱۹	۰/۱۰۹	تغییرات در نورپردازی خیابان	SC ₉		
۲۸	۰/۰۵۲	ایجاد جای پارک دوچرخه و موتور در مراکز پر رفت‌وآمد	SC ₁₀		
۱	۰/۴۶۵	استفاده آسان از اینترنت توسط همه شهروندان	SC ₁₁	تکنولوژی ارتباطی	C ₂
۹	۰/۲۰۴	دسترسی مناسب مردم به دفاتر پیشخوان دولت	SC ₁₂		
۲۵	۰/۰۶۱	کیوسک‌های اطلاع‌رسانی در محل سکونت	SC ₁₃		
۱۴	۰/۱۵۲	دسترسی به عابر بانک‌ها در محل سکونت	SC ₁₄		
۱۶	۰/۱۱۸	دسترسی به کافی‌نت‌ها در محل سکونت	SC ₁₅		
۷	۰/۲۱۷	وجود مؤسسات و سازمان‌ها	SC ₁₆	تنوع شهری	C ₃
۱۸	۰/۱۱۰	وجود فضای سبز، آب‌نماها	SC ₁₇		
۲۳	۰/۰۶۸	وجود بناهای خاص (مذهبی و فرهنگی)	SC ₁₈		
۲۷	۰/۰۵۷	وجود مراکز اوقات فراغت و تفریحی	SC ₁₉		
۳	۰/۳۵۵	وجود فرصت‌های شغلی	SC ₂₀		
۱۰	۰/۱۹۳	وجود مراکز خرید	SC ₂₁	کارایی و اثربخشی	C ₄
۶	۰/۲۳۷	عملکرد سازمان‌های خدمات‌رسانی	SC ₂₂		
۳۱	۰/۰۴۴	جمع‌آوری زباله و پاکسازی شهر	SC ₂₃		
۲۰	۰/۱۰۶	ارائه خدمات حمل‌ونقل مناسب	SC ₂₄		
۲۴	۰/۰۶۷	گسترش فضای سبز شهری	SC ₂₅		
۳۴	۰/۰۳۴	آماده‌سازی فضاهای ورزشی	SC ₂₆		
۸	۰/۲۱۰	عملکرد شورای شهر	SC ₂₇		
۱۲	۰/۱۸۲	جلوگیری از فساد	SC ₂₈		
۲۲	۰/۰۹۲	کنترل و کاهش ترافیک	SC ₂₉		
۳۵	۰/۰۲۸	ارائه برنامه‌های فرهنگی	SC ₃₀		
۲	۰/۳۵۹	بسترسازی برای مشارکت (امنیت روانی)	SC ₃₁	مشارکت	C ₅
۲۶	۰/۰۶۰	مشارکت در تهیه و اجرای طرح‌ها	SC ₃₂		
۴	۰/۲۷۲	مشارکت در مدیریت شهری	SC ₃₃		
۱۷	۰/۱۱۸	استفاده از پیشنهادات مردم در اداره امور	SC ₃₄		
۱۱	۰/۱۹۱	مشارکت در تدوین چشم‌انداز	SC ₃₅		

یکی از مزیت‌های فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی، امکان بررسی سازگاری قضاوت‌های انجام شده برای تعیین ضریب اهمیت شاخص‌ها و متغیرها است. به عبارت دیگر، در تشکیل ماتریس مقایسه دودویی معیارها، میزان رعایت سازگاری در قضاوت‌ها، مهم است. وقتی اهمیت شاخص‌ها نسبت به یک‌دیگر برآورد می‌گردد، احتمال ناهماهنگی در قضاوت‌ها وجود دارد. یعنی اگر A_i از A_j و A_k از A_i مهم‌تر باشد، قاعدتاً باید A_i از A_k بااهمیت‌تر باشد. اما علی‌رغم همه کوشش‌ها، ارجحیت‌ها و احساس‌های مردم غالباً ناهماهنگ و نامتعددند. پس باید سنجه‌ای یافت که میزان ناهماهنگی داوری‌ها را نمایان کند (Chang et al, 2018: 147;

613: Wu et al, 2017). مکانیزمی که برای آنالیز میزان ناسازگاری در قضاوت‌های ارزشی در نظر است، محاسبه ضریبی به نام ضریب ناسازگاری می‌باشد که از تقسیم شاخص ناسازگاری به شاخص تصادفی بودن، به دست می‌آید. چنانچه این ضریب کوچکتر یا مساوی ۰/۱ باشد، سازگاری در قضاوتها مورد قبول است وگرنه می‌بایست در قضاوتها تجدید نظر حاصل شود. به بیانی، ماتریس مقایسات زوجی معیارها باید مجدداً تنظیم شود (Wu et al, 2017: 277; Kou et al, 2014: 17). پیرو مطالب پیش گفته، جهت برآورد میزان ناسازگاری موجود در معیارها و زیرمعیارها بر مبنای مقایسات زوجی، چهار گام دستیابی به این هدف باید طی شود که روابط هریک به شکل زیر تشریح داده شده است و عبارتند از:

$$CV_i = \frac{C_i}{W_i} \quad (5) \text{ گام اول، محاسبه بردار سازگاری}$$

$$\lambda_{\max} = \frac{\sum a_{ij}}{N} \quad (6) \text{ گام دوم، محاسبه بزرگترین مقدار ویژه}$$

$$I.I. = \frac{\lambda_{\max} - N}{N - 1} \quad (7) \text{ گام سوم، محاسبه شاخص ناسازگاری}$$

$$I.R. = \frac{I.I.}{I.R.I} \quad (8) \text{ گام چهارم، محاسبه نرخ ناسازگاری}$$

جدول ۴- شاخص تصادفی بودن (مأخذ: پورطاهری، ۱۳۹۶: ۸۳؛ مؤمنی، ۱۳۹۶: ۳۹)

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	N
۱/۵۹	۱/۵۷	۱/۵۶	۱/۴۸	۱/۵۱	۱/۴۹	۱/۴۵	۱/۴۱	۱/۳۲	۱/۲۴	۱/۱۲	۰/۹۰	۰/۵۸	۰/۰۰	۰/۰۰	R

ساعتی برای به دست آوردن میزان ناسازگاری نماگرها، از شاخص تصادفی بهره گرفته که در جدول ۴ به آن اشاره شده است. به منظور تعیین بردار سازگاری یا پایداری معیارها، ابتدا مجموع حاصل از میانگین هریک از نماگرها با امتیازات طرفین مقایسات زوجی ضرب می‌شود. سپس عدد به دست آمده بر میانگین حسابی معیارها تقسیم می‌گردد. در گام بعد، جهت محاسبه بزرگترین مقدار ویژه ماتریس مقایسات زوجی، باید عدد حاصل از مرحله دوم بردار سازگاری بر تعداد معیارها، تقسیم شود که در این صورت مقدار سازگاری به دست می‌آید. به علاوه، از کم کردن لاندای مقدار ویژه از تعداد شاخص‌ها و تقسیم کم شده تعداد شاخص‌ها بر واحد یک، شاخص ناسازگاری استخراج می‌شود. در نهایت به منظور تعیین ضریب ناسازگاری، مقدار شاخص ناسازگاری بر شاخص تصادفی بودن تقسیم می‌گردد. مطابق محاسبات موجود در رابطه زیر، عدد حاصل از ارزش گذاری نماگرها، ۰/۰۷ می‌باشد و این ضریب کمتر از عدد ۰/۱ است. لذا، امر وزن دهی به معیارهای پژوهش در سطح کاملاً مطلوبی انجام گرفته است.

$$\lambda = \frac{0/436 + 0/089 + 0/662 + 0/285 + 0/229}{5} = 0/300$$

$$I.I. = \frac{0/300 - 5}{5 - 1} = 0/075 \quad I.R. = \frac{0/075}{1/12} = 0/07$$

۴-۲- مدل TOPSIS

تکنیک رتبه بندی براساس تشابه به راه حل ایده آل به عنوان یک تکنیک تصمیم گیری چندشاخصه و تجمع جبرانی، اولین بار توسط هوآنگ و یون پیشنهاد شد (فلاحی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰۶). نگرش اصلی تاپسیس، بر این پایه استوار است که آلترناتیو انتخابی، کمترین فاصله را باید با راه حل ایده آل مثبت و نیز بیشترین فاصله را با راه حل ایده آل منفی داشته باشد (Kapur et al, 2018: 408; Wang & Rangaiah, 2017: 561). در میان انواع الگوهای ایده آل و ضدایده آل، میزان فاصله برای محاسبه و تعیین اندازه معیارها که ملاک رتبه بندی نهایی گزینه‌ها است، از اهمیت بسیاری برخوردار می‌باشد (Mateusza et al, 2018: 1685). تکنیک تاپسیس به گونه ای طراحی شده که محقق می‌تواند نوع عوامل را از نظر تأثیر منفی یا مثبت داشتن بر هدف تصمیم گیری در مدل دخالت داده و اوزان یا درجه اهمیت هر معیار را در مدل وارد نماید (حاجی نژاد و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۷۰). الگوریتم TOPSIS مشتمل بر شش گام می‌باشد:

(۹) تشکیل ماتریس تصمیم گیری برای معیارها

(۱۰) نرمال سازی داده های ماتریس تصمیم گیری

$$r_{ij} = \frac{\alpha_{ij}}{\sqrt{\sum_{i=1}^m \alpha_{ij}^2}}$$

$$V = N \times W_j$$

(۱۱) به دست آوردن ماتریس بی‌مقیاس‌سازی موزون

(۱۲) تعیین راه‌حل ایده‌آل مثبت و راه‌حل ایده‌آل منفی

$$V^+ = \{v_1^+, \dots, v_n^+\} = \{(\text{Max} v_{ij} | j \in J), (\text{Min} v_{ij} | j \in J^-)\}$$

$$V^- = \{v_1^-, \dots, v_n^-\} = \{(\text{Min} v_{ij} | j \in J), (\text{Max} v_{ij} | j \in J^-)\}$$

(۱۳) تعیین میزان فاصله هر گزینه تا ایده‌آل مثبت و ایده‌آل منفی

$$d_i^+ = \sqrt{\sum_{j=1}^n (v_{ij} - v_j^+)^2}$$

$$d_i^- = \sqrt{\sum_{j=1}^n (v_{ij} - v_j^-)^2}$$

$$cl_i = \frac{d_i^-}{d_i^+ + d_i^-}$$

(۱۴) تعیین نزدیکی نسبی هر گزینه به راه‌حل ایده‌آل

جدول ۵- رتبه‌بندی مناطق شهر اهواز از نظر میزان برخورداری از شاخص‌های شهر خلاق

رتبه	وزن	شاخص					منطقه
		C ₅	C ₄	C ₃	C ₂	C ₁	
۴	۰/۶۷۹	۰/۶۳۶	۰/۷۳۳	۰/۵۴۲	۰/۷۷۶	۰/۷۱۰	یک
۱	۰/۹۹۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۹۵۲	دو
۲	۰/۸۱۱	۱/۰۰۰	۰/۷۵۲	۰/۷۵۱	۰/۸۲۷	۰/۷۲۲	سه
۳	۰/۷۲۶	۰/۷۱۵	۰/۷۲۳	۰/۷۴۷	۰/۷۴۵	۰/۷۰۲	چهار
۶	۰/۵۷۹	۰/۵۴۵	۰/۴۸۵	۰/۵۹۸	۰/۶۷۷	۰/۵۸۷	پنج
۸	۰/۳۹۴	۰/۳۲۱	۰/۳۹۷	۰/۳۴۹	۰/۴۶۲	۰/۴۳۹	شش
۷	۰/۵۳۰	۰/۵۰۰	۰/۶۰۳	۰/۵۰۵	۰/۵۴۰	۰/۵۰۳	هفت
۵	۰/۶۲۹	۰/۶۷۹	۰/۷۱۴	۰/۵۳۱	۰/۶۴۷	۰/۵۷۶	هشت

۵- نتیجه‌گیری

با توجه به این که شهرها پس از عبور از دوران صنعتی گرایشی به سمت ایجاد محیط‌های انسانی‌تر پیدا کردند، نظریات بسیاری برای پاسخ‌گویی به این نیاز به وجود آمدند که نظریه شهرهای خلاق به عنوان یکی از کاراترین و انسانی‌ترین آن‌ها مورد استقبال عموم متخصصان شهری واقع شد. به دنبال گرایش به سوی شهرهای خلاق در همه ابعاد وجودی شهرها، بسیاری از نهادها در کوششی یکپارچه حول محور حرکت به سمت رشد و شکوفایی شهر بر پایه استفاده از نیروی خلاق، بیانی‌ها و نظراتی را ارائه نمودند. برای مثال در اساس‌نامه شورای عالی شهرسازی نوین اروپا سال ۲۰۰۰ میلادی به برنامه‌ریزی متناسب برای رسیدن به وضعیت شهری پایدار توجه شده و بر لزوم حرکت به سمت شهر خلاق تأکیدی مضاعف صورت گرفته است. به طوری که، در بخش راهکارهای عملیاتی آن در هر سه مقیاس کلان، ملی و خرد موضوع شهرهای خلاق نیز بسیار پررنگ دیده شده است. لذا، تأکید بر خلاقیت و شهرهای خلاق کلید رسیدن جامعه شهری به سوی توسعه پایدار شهری می‌باشد. با عنایت به این مهم، تحلیلی بر رویکرد شهر خلاق با تأکید بر توسعه پایدار شهری در شهر اهواز به عنوان هدف اصلی تحقیق در نظر گرفته شده است. پژوهش حاضر از لحاظ هدف، نظری- کاربردی و از نظر روش، دارای ماهیت توصیفی- تحلیلی می‌باشد. در این مطالعه سعی گردید ۳۵ متغیر در قالب ۵ شاخص سرزندگی فضای شهری، تکنولوژی ارتباطی، تنوع شهری، کارایی و اثربخشی و مشارکت در مناطق هشت‌گانه شهر اهواز بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی در راستای هدف اصلی تحقیق بررسی شود. به منظور وزن‌دهی شاخص‌ها و متغیرها، از تکنیک دلفی استفاده گردیده است. برای تحلیل داده‌های پژوهش، جهت سنجش اولویت و اهمیت شاخص‌ها و متغیرها از روش AHP و با بهره‌گیری از نظرات کارشناسان خبره دانشگاهی و نیز برای رتبه‌بندی مناطق شهر اهواز از مدل TOPSIS براساس نظرات مسئولان و مدیران مناطق هشت‌گانه شهر اهواز استفاده شده است. همچنین تجزیه و تحلیل کمی داده‌ها از طریق نرم‌افزارهای EXCEL و Expert Choice صورت گرفت. تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد که، شاخص سرزندگی فضای شهری با وزن ۰/۳۸۴ و شاخص مشارکت با وزن ۰/۰۷۰ به ترتیب، بیش‌ترین و کم‌ترین ارزش و اولویت را در

میان شاخص‌های پژوهش دارا هستند. همچنین در بین مناطق هشت‌گانه شهر اهواز، منطقه دو و سه به‌ترتیب، رتبه‌های اول و دوم را به‌خود اختصاص داده‌اند و منطقه شش با امتیاز ۰/۳۹۴ از نظر میزان برخورداری از شاخص‌های شهر خلاق در وضعیت نامطلوبی قرار گرفته است و به‌عنوان محروم‌ترین منطقه در میان مناطق شناخته شده است.

با نگاهی به مطالعات صورت گرفته درباره شهرهای خلاق به این نکته پی خواهیم برد که مطالعات قبلی از یک بعد به مبحث خلاقیت شهری پرداخته‌اند و در نظر گرفتن همه ابعاد و مسائل مؤثر در میزان خلاقیت یک شهر در مطالعات آن‌ها مورد بررسی واقع نشده است. با عنایت به این مهم، ابراهیم‌زاده و نیری (۱۳۹۷)، در پژوهشی مشابه تحت عنوان «سنجش و ارزیابی وضعیت شاخص‌های شهر خلاق در مناطق پنج‌گانه شهر زاهدان» به بررسی ۳۵ متغیر در قالب ۵ شاخص سرزندگی فضای شهری، تکنولوژی ارتباطی، کارایی و اثربخشی، مشارکت و تنوع شهری پرداخته‌اند. به‌طوری‌که، نتایج پژوهش ابراهیم‌زاده و نیری از یک جهت موافق و از جهت دیگر مخالف یافته‌های این مطالعه است. به‌بیان دیگر، این نتیجه که شاخص سرزندگی فضای شهری، مهم‌ترین شاخص شهر خلاق می‌باشد، با نتیجه پژوهش ابراهیم‌زاده و نیری مخالف است، به‌دلیل این که شاخص سرزندگی فضای شهری در مطالعه آن‌ها بدترین وضعیت را در میان شاخص‌های شهر خلاق داشته است. لیکن این نتیجه که شاخص مشارکت، کم‌ترین ارزش و اولویت را در بین شاخص‌های شهر خلاق دارا بوده است، با نتیجه پژوهش ابراهیم‌زاده و نیری هم‌سو و موافق است. به‌طورکلی، مشاهده می‌شود که نتیجه نهایی این تحقیق که «شهر اهواز پتانسیل حرکت به‌سمت شهرهای خلاق را داراست» در راستای مطالعات مربوطه است و با یافته‌های ضرابی و همکاران (۱۳۹۳) و مختاری ملک‌آبادی و همکاران (۱۳۹۳) مطابقت دارد. آخرین گام در هر پژوهش علمی، ارائه راهکارها و پیشنهادها جهت بهبود وضع موجود منطقه مورد مطالعه است. اینک به‌منظور تحقق شهر خلاق در شهر اهواز، متناسب با یافته‌های پژوهش، راهبردهای رهگشا در متن این مقاله ارائه گردیده است. به امید آن که مورد توجه محققان و مسئولان شهری قرار بگیرد.

- سرمایه‌گذاری کلان در بخش زیرساخت‌ها و امکانات شهری براساس قابلیت‌های موجود در مناطق شهری اهواز؛
- توسعه مراکز رشد، پارک‌های علم و فناوری، دفتر نخبگان در شهر اهواز و جذب نخبگان و استعدادهای خلاق که زمینه‌های قدرت‌مند شدن شهرها و بالندگی اقتصادی را فراهم می‌سازند؛
- سرمایه‌گذاری و توسعه زیرساخت‌های فناوری اطلاعات در شهر اهواز جهت تحقق ایده‌های شهروند الکترونیک و همچنین دسترسی همه شهروندان شهر اهواز به فضاهای مجازی (اینترنت) که زمینه خلاقیت و نوآوری را در بین شهروندان فراهم می‌سازد؛
- ایجاد نظام حکمروایی خوب شهری؛ مدیریت شهر اهواز با آموزش کارکنان خود می‌بایست مؤلفه‌های حکمرانی خوب شهری مانند مشارکت، پاسخ‌گویی، عدالت، کارایی، شفافیت عملکردی را سرلوحه کار خود قرار دهد تا اعتماد بین شهروندان و سیستم مدیریتی شهر تقویت گردد.

منابع

۱. ابراهیم‌زاده، عیسی؛ نیری، ناصر (۱۳۹۷)، «سنجش و ارزیابی وضعیت شاخص‌های شهر خلاق؛ مطالعه موردی: مناطق پنج-گانه شهر زاهدان»، فصلنامه جغرافیا و توسعه، دوره ۱۶، شماره ۵۲، پاییز ۱۳۹۷، صص. ۲۲-۱.
۲. افشار، سمیه (۱۳۹۵)، «تحلیل راهبردی تأثیر شهر خلاق بر توسعه پایدار شهر تهران»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد مدیریت شهری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی.
۳. آفتاب، احمد و همکاران (۱۳۹۶)، «برنامه‌ریزی و تدوین راهکارهای تحقق شهرهای خلاق در ایران؛ مطالعه موردی: شهر ارومیه»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، دوره ۳۲، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۶، صص. ۲۰۹-۱۸۸.
۴. پورطاهری، مهدی (۱۳۹۶)، «کاربرد روش‌های تصمیم‌گیری چندشاخصه در جغرافیا»، چاپ ۶، انتشارات سمت، تهران.
۵. حاجی‌نژاد، علی؛ فتاحی، احداالله؛ پایدار، ابوذر (۱۳۹۴)، «کاربرد مدل‌ها و فنون تصمیم‌گیری در جغرافیا با تأکید بر برنامه‌ریزی روستایی»، شهری و گردشگری، چاپ ۱، انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران.
۶. حسینی، علی؛ قلی‌پور، یاسر؛ مظفری، اعظم (۱۳۹۶)، «تحلیل شاخص‌های شهر خلاق و ارتباط آن با توسعه پایدار شهری؛ مطالعه موردی: شهر رشت»، دوفصلنامه معماری و شهرسازی ایران، دوره ۸، شماره ۱۳، بهار و تابستان ۱۳۹۶، صص. ۲۲۷-۲۰۹.
۷. رباطی‌انارکی، عاطفه (۱۳۹۵)، «برنامه‌ریزی راهبردی گردشگری خلاق؛ مطالعه موردی: شهر نایین»، پایان‌نامه کارشناسی-ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان.
۸. رنجبران، فائزه (۱۳۹۵)، «نقش رویکرد شهر خلاق بر تحقق توسعه پایدار شهری؛ مطالعه موردی: منطقه دو شهر تهران»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
۹. رهنمایی، محمدتقی؛ پورموسی، موسی (۱۳۸۵)، «بررسی ناپایداری‌های امنیتی کلانشهر تهران براساس شاخص‌های توسعه پایدار شهری»، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، دوره ۳۸، شماره ۵۷، پاییز ۱۳۸۵، صص. ۱۹۳-۱۷۷.

۱۰. سپهوند، رضا؛ عارف‌نژاد، محسن (۱۳۹۲)، «اولویت‌بندی شاخص‌های توسعه پایدار شهری با رویکرد تجزیه و تحلیل سلسله-مراتبی گروهی؛ مطالعه موردی: در شهر اصفهان»، فصلنامه مطالعات ساختار و کارکرد شهری، دوره ۱، شماره ۱، بهار ۱۳۹۲، صص. ۴۳-۵۹.
۱۱. شمسی، خضر؛ کرکه‌آبادی، زینب؛ کامیابی، سعید (۱۳۹۷)، «مروری بر مفهوم شهر خلاق با تأکید بر سنجش وضعیت خلاقیت شهری؛ مطالعه موردی: مناطق سه‌گانه قزوین»، فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، دوره ۱۳، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۷، صص. ۴۲۷-۴۴۳.
۱۲. صفایی‌پور، مسعود؛ مرادی‌مفرد، سمیرا؛ امیری‌فهلپانی، محمدرضا (۱۳۹۵)، «ارزیابی و اولویت‌بندی شاخص‌های توسعه پایدار شهری با استفاده از مدل تحلیل شبکه ANP؛ مطالعه موردی: مناطق شهر زنجان»، فصلنامه جغرافیا و آمایش شهری-منطقه‌ای، دوره ۶، شماره ۱۹، تابستان ۱۳۹۵، صص. ۱۶۰-۱۴۳.
۱۳. ضرابی، اصغر؛ موسوی، میرنجف؛ باقری‌کشکولی، علی (۱۳۹۳)، «بررسی میزان تحقق‌پذیری شهر خلاق (مقایسه تطبیقی بین شاخص‌های توسعه پایدار شهری و معیارهای ایجاد شهر خلاق)؛ مطالعه موردی: شهرهای استان یزد»، دوفصلنامه جغرافیا و توسعه فضای شهری، دوره ۱، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، صص. ۱۷-۱.
۱۴. فدائی، دلناز (۱۳۹۱)، «برنامه‌ریزی محله کوهسنگی مشهد براساس معیارهای محله خلاق»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد طراحی و برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
۱۵. فرهودی، رحمت‌الله؛ رهنمایی، محمدتقی؛ تیموری، ایرج (۱۳۹۰)، «سنجش توسعه پایدار محله‌های شهری با استفاده از منطق فازی و سیستم اطلاعات جغرافیایی؛ مطالعه موردی: منطقه ۱۷ شهرداری تهران»، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، دوره ۴۳، شماره ۷۷، پاییز ۱۳۹۰، صص. ۸۹-۱۱۰.
۱۶. فالاحی، فیروز؛ بهشتی، محمدباقر؛ مرعشی، اسراء (۱۳۹۶)، «رتبه‌بندی پایداری محیط‌زیست در استان‌های منتخب ایران: مقایسه روش AHP و TOPSIS»، فصلنامه اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی سابق)، دوره ۱۴، شماره ۱، بهار ۱۳۹۶، صص. ۹۷-۱۱۸.
۱۷. کلانتری خلیل‌آباد، حسین و همکاران (۱۳۹۱)، «ارزیابی میزان تحقق‌پذیری شاخص‌های توسعه پایدار شهری در مناطق مرزی؛ مطالعه موردی: شهر پیرانشهر»، دوفصلنامه مدیریت شهری، دوره ۱۰، شماره ۳۰، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، صص. ۲۰۷-۲۲۲.
۱۸. مختاری ملک‌آبادی، رضا و همکاران (۱۳۹۴)، «تبیین معیارهای بومی‌سازی شاخص‌های مکانی فضای شهر خلاق با رویکرد ایرانی-اسلامی»، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی-اسلامی، دوره ۶، شماره ۲۲، زمستان ۱۳۹۴، صص. ۲۳-۳۹.
۱۹. مختاری ملک‌آبادی، رضا؛ سقایی، محسن؛ ایمان، فاطمه (۱۳۹۳)، «سطح‌بندی مناطق پانزده‌گانه شهر اصفهان از لحاظ شاخص‌های شهر خلاق با استفاده از مدل‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای»، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، دوره ۵، شماره ۱۶، بهار ۱۳۹۳، صص. ۱۰۵-۱۲۰.
۲۰. مرکز آمار ایران (۱۳۹۵)، «سرشماری عمومی نفوس و مسکن کل کشور»، ریاست جمهوری، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی.
۲۱. معاونت برنامه‌ریزی و توسعه سرمایه انسانی (۱۳۹۵)، «آمارنامه کلان‌شهر اهواز»، انتشارات روابط عمومی و امور بین‌الملل شهرداری اهواز، اهواز.
۲۲. موسوی‌پور، الهام (۱۳۹۴)، «تحلیل نقش فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات در تحقق شهر خلاق؛ مطالعه موردی: شهر اصفهان»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان.
۲۳. مؤمنی، منصور (۱۳۹۶)، «مباحث نوین تحقیق در عملیات»، چاپ ۸، انتشارات گنج‌شایگان، تهران.
۲۴. نقی‌زاده، محمد؛ محتشم‌امیری، سعیده (۱۳۹۲)، «توسعه پایدار شهری از منظر (عبدالرحمن ابن‌خلدون)»، دوفصلنامه نظریه-های اجتماعی متفکران مسلمان، دوره ۲، شماره ۲، بهار و تابستان ۱۳۹۲، صص. ۲۹-۱.
25. Chabuk, A., Al Ansari, N., Hussain, H.M., Knutsson, S., Pusch, R. (2016). Landfill Site Selection Using Geographic Information System and Analytical Hierarchy Process: A Case Study Al Hillah Qadhaa of Babylon in Iraq, Journal of Waste Management and Research, Vol. 34, No. 5, May 2016, PP. 427-437.
26. Chang, Y., Yang, Y., Dong, S. (2018). Comprehensive Sustainability Evaluation of High Speed Railway Construction Projects Based on Unascertained Measure and Analytic Hierarchy Process, Journal of Sustainability, Vol. 10, No. 2, February 2018, PP. 408-427.

27. Daniela, S., Daniel, P., Radu, P., Andrei, S.(2014). Territorial Distribution of Creative Poles in Romania. *Journal of Procedia-Social and Behavioral Sciences*, Vol. 122, March 2014, PP. 184-188.
28. Deffner, A., Vlachopoulou, C.(2011). Creative City: A New Challenge of Strategic Urban Planning?. *Journal of Department of Planning and Regional Development*, Vol. 383, No. 34, P. 48.
29. Foord, J.(2013). The New Boomtown? Creative City to Tech City in East London. *Journal of Cities*, Vol. 33, August 2013, PP. 51-60.
30. Hillerman, T., Souza, J.C., Reis, A.C., Carvalho, R.N.(2017). Applying Clustering and AHP Methods for Evaluating Suspect Healthcare Claims, *Journal of Computational Science*, Vol. 19, March 2017, PP. 97-111.
31. Kakiuchi, E.(2016). Culturally Creative Cities in Japan: Reality and Prospects. *Journal of Culture and Society*, Vol. 7, No. 2, January 2016, PP. 101-108.
32. Kapur, P.K., Klochkov, Y., Verma, A.K., Singh, G.(2018). *System Performance and Management Analytics*, Frist Edition, June 2018, Springer Press: New York.
33. Kerimoglu, E., Karahasan, B.(2014). Location Patterns of Creative Capital and Regional Disparities in Spain. *Journal of Regional and Sectoral Economic Studies*, Vol. 14, No. 1, PP. 115-132.
34. Kou, G., Ergu, D., Peng, Y., Shi, Y.(2014). *Data Processing for the AHP/ANP*, Second Edition, August 2014, Springer Press: New York.
35. Liao, Y., Loures, E.R., Canciglieri, O.J., Panetto, H.(2014). A Novel Approach for Ontological Representation of Analytic Hierarchy Process, *Journal of Advanced Materials Research*, Vol. 945, June 2014, PP. 675-682.
36. Mateusza, P., Danutaa, M., Małgorzataa, L., Mariusz B., Kesraa, N.(2018). TOPSIS and VIKOR Methods in Study of Sustainable Development in the EU Countries, *Journal of Procedia Computer Science*, Vol. 126, January 2018, PP. 1683-1692.
37. Shakiba, S., Asghari, O., Khah, N.K.F.(2018). A Combined Approach Based on MAF Analysis and AHP Method to Fault Detection Mapping: A Case Study from a Gas Field, Southwest of Iran, *Journal of Applied Geophysics*, Vol. 148, January 2018, PP. 8-15.
38. Wang, Z., Rangaiah, G.P.(2017). Application and Analysis of Methods for Selecting an Optimal Solution from the Pareto Optimal front Obtained by Multi Objective Optimization, *Journal of Industrial and Engineering Chemistry Research*, Vol. 56, No. 2, January 2017, PP. 560-574.
39. Wei, Y., Jialin, H.E., Liang, H.E.(2016). The Evaluation and Selection of Third Party Logistics Service Vendor, *International, Journal of Hybrid Information Technology*, Vol. 9, No. 5, May 2016, PP. 273-284.
40. Wu, G., Duan, K., Zuo, J., Zhao, X., Tang, D.(2017). Integrated Sustainability Assessment of Public Rental Housing Community Based on a Hybrid Method of AHP Entropy Weight and Cloud Model, *Journal of Sustainability*, Vol. 9, No. 4, April 2017, PP. 603-628.

تبیین اصول ماندگار زیبایی شناسی در سکونتگاه های شهری نمونه مطالعاتی: مسکن مهر شهرک پردیسان قم

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۰۱

کد مقاله: ۲۵۹۱۹

آمنه بختیار نصرآبادی^۱، شیرین اسلامی^۲

چکیده

محیط مسکونی حاصل برآیندهای تأثیرگذاری نظیر عوامل زیست محیطی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، ادراکی، کالبدی و فضایی است که برهم کنش آنها، رضایت انسان از مقوله مسکن و تجربه زیسته را در پی دارد. مفهومی که امروزه در بین عوامل مذکور نادیده گرفته شده است، بکارگیری هنر "زیبایی شناسی" در موقعیت های مسکونی است. غفلت از پرداخت به این مهم در کنار عدم توجه به عوامل دیگر، می تواند رضایتمندی و حس تعلق ساکنان در تداوم سکونت را کاهش دهد. هدف مقاله حاضر تبیین اصول ماندگار زیبایی شناسی کالبدی در طراحی سکونتگاه ها می باشد؛ به منظور نیل به این هدف، روش تحقیق توصیفی-تحلیلی به کار گرفته شده است که پس از مروری بر ادبیات پژوهش، کند و کاوی درباره چستی مفهوم زیبایی در سه دوره مختلف زمانی صورت پذیرفته و عمده اصول مشترک مانند تناسب، توازن، وحدت، هندسه، ترکیب، مقیاس انسانی و تنوع در تطبیق با سه دوره زمانی معماری و شهرسازی ایران؛ مکتب سنت، مکتب اصفهان و مکتب تهران به شیوه تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته است. در ادامه، اصول تبیینی مستخرج در مسکن مهر پردیسان شهر قم به عنوان نمونه مطالعاتی، مورد ارزیابی قرار گرفته است. یافته های پژوهش حاکی از آن است که بسیاری از اصول زیبایی شناسی در مجموعه های مذکور نادیده گرفته شده و در جهت کیفیت افزایی سکونتگاه های شهری، لازم است اصول پیشگفته به منظور افزایش غنای محیط مسکونی به کار گرفته شود.

واژگان کلیدی: زیبایی شناسی، اصول ماندگار زیبایی شناسی، نظریات زیبایی شناسی، مسکن مهر.

۱- دکتری شهرسازی دانشگاه تربیت مدرس com.bakhtiar@gmail.amene

۲- کارشناس ارشد طراحی شهری دانشگاه هنر اصفهان

مسکن شهری بخشی از زندگی است که تابع مؤلفه‌ای بسیار مهم در مناسبات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی- فضایی جامعه است. دولت‌ها به منظور تأمین این نیاز مهم، آن را در رأس برنامه‌های خود قرار می‌دهند. در کشور ما تأمین مسکن برای گروه‌های کم‌درآمد یکی از اولین برنامه‌های عمرانی بود که از سال ۱۳۲۷ آغاز گردید و طی شش دهه گذشته در طرح‌های عمرانی، توسعه تأمین مسکن، یک سیاست محوری مهم به شمار می‌رفته‌است. بعد از انقلاب اسلامی با غلبه فضای سیاسی و اجتماعی محرومیت‌زدایی و تأمین نیازهای اساسی گروه‌های کم‌درآمد جامعه، سیاست تأمین مسکن برای گروه‌های آسیب‌پذیر شهری، ابعاد نوینی یافت که می‌توان از نهاد "مسکن مهر" با مشارکت دولت نام برد که به عنوان یک مسکن اجتماعی شناخته می‌شود. در نقد سیاست این نهاد به خصوص از بعد فضایی-کالبدی و چشم‌پوشی از اصول مطرح در بعد زیبایی‌شناسی، مباحث جدی مطرح شده‌است؛ متأسفانه، گاهی به بهانه کمبود بودجه و با هدف تقلیل هزینه‌ها، بسیاری از اهداف کیفی سکونتگاه‌های مذکور، قربانی اهداف کمی گردیده‌است و در عمل به نیازهای اساسی افراد در ساخت و سازها؛ از جمله بعد زیبایی‌شناسی توجه جدی نگردیده‌است که ادامه روند مذکور می‌تواند سلامت ذهنی و روانی ساکنان را تحت الشعاع قرار دهد.

نیاز به زیبایی و رضای این حس، یکی از اساسی‌ترین نیازهای بشری و از مباحث مهم در روانشناسی مسکن است. انسان از زمانی که به معماری مبادرت ورزیده، به نیازهای روحی، باطنی و حس زیبایی‌شناسی توجه داشته‌است؛ نخستین نمونه‌های سکونت، برقراری چنین نسبتی را نشان می‌دهد که بشر از اولین روزهای خلقت، برای زیباسازی محیط زندگی‌اش در تلاش بوده و نیاز به زیبایی به عنوان جزئی از فرهنگ مشخص و قطعی انسانی را اثبات می‌کند. به زعم مازلو^۱ زیبایی‌شناسی و درک آن به عنوان یکی از مسائل مهم خودشکوفایی انسان است؛ اساس نظریه مازلو در مورد چگونگی پاسخگویی به نیازهای فردی مختلف در زمینه زندگی بود و باور داشت که یک الگوی کلی تشخیص نیاز و رضایت وجود دارد که انسان در طول حیات آن را دنبال می‌کند (Gawel, 1997: 1). در واقع، مازلو سلسله‌مراتبی از نیازها را از قوی‌ترین تا ضعیف‌ترین پیشنهاد کرد که نیازهای خودشکوفایی، معرفتی و زیباشناختی در بالاترین مرتبه ارزش قرار می‌گیرند (پاکزاد و بزرگ، ۱۳۹۱: ۱۷). در طول تاریخ، مباحث زیبایی‌شناسی با تعاریف افلاطون^۲ (۴۰۰ ق.م) آغاز شد و در ادامه‌ی آن در جریان هندسه فیثاغورثی^۳ (۵۰۰ ق.م)، زیبایی به عنوان شاخه مستقلی از فلسفه درآمد و در سیر تاریخ پس از افت و خیزها سرانجام در قرن هجدهم توسط بومگارتن^۴ توسعه یافت. پس از بومگارتن (۱۷۵۳)، از شاخص‌ترین افرادی که بر بعد زیبایی نظر جدی داشتند می‌توان به برک^۵ (۱۷۵۷)، شافسبری^۶ (۱۷۱۴)، هاجسون^۷ (۱۷۵۳)، هیوم^۸ (۱۷۳۸-۱۷۴۰)، کانت^۹ (۱۷۹۰)، هگل^{۱۰} (۱۸۳۳)، شوپنهاور^{۱۱} (۱۸۱۹ و ۱۸۴۷)، فخنر^{۱۲} (۱۸۳۰)، سانتایانا^{۱۳} (۱۸۹۶)، لالاند^{۱۴} (۱۹۲۶)، الکساندر^{۱۵} (۱۹۳۳)، دوی^{۱۶} (۱۹۳۴)، ارنه‌ایم^{۱۷} (۱۹۷۷، ۱۹۶۵، ۱۹۴۹)، دریدا^{۱۸} (۱۹۸۷)، کپلان^{۱۹} (۱۹۹۱ و غیره)، آدورنو^{۲۰} (۱۹۷۰)، هایدگر^{۲۱} (۱۹۷۹) و غیره اشاره کرد. افراد دیگری نیز مانند گروتز^{۲۲} (۱۹۸۷)، نسر^{۲۳} (۱۹۸۸)، مارکوزه^{۲۴} (۱۹۷۷)،

- 1- Maslow
- 2- Plato
- 3- Pythagoras
- 4- Baumgarten
- 5- Burke
- 6- Shaftsbury
- 7- Hutcheson
- 8- Hume
- 9- Kant
- 11- Hegel
- 11- Schopenhauer
- 12- Fechner
- 13- Santayana
- 14- Lalande
- 15- Alexander Mudd
- 16- Dewey
- 17- Arnheim
- 18- Derrida
- 19- Kaplan
- 20- Adorno
- 21- Heidegger
- 22- Grutter
- 23- Nasar
- 24- Marcuse

نیوتون^۱ (۱۸۹۳)، بیرکھوف^۲ (۱۹۳۳)، اکو^۳ (۲۰۰۴)، کالن^۴ (۱۹۶۲)، بل^۵ (۲۰۰۵) و غیره نیز سهم مهمی در توسعه این رشته داشته‌اند. در ابتدای قرن بیستم میلادی، مقوله زیبایی با افول اندکی مواجه شد و دوباره در دهه آخر قرن بیستم، توجه به موضوع زیبایی جهش گرفت. قابل ذکر است در فلسفه اسلامی، شاخه مستقلی به عنوان زیبایی‌شناسی مطرح نبوده و فلاسفه اسلامی به مباحث زیبایی‌شناسی به طور پراکنده در بحث ارزش شفاهی اشاره کرده‌اند. شاید بتوان ادعا کرد که صدرالمتألهین (۹۷۹-۵۱۰۵۰ ق) بیشتر از دیگر فلاسفه اسلامی به زیبایی‌شناسی پرداخته‌است؛ البته در آثار ابن‌هیثم، ابن‌سینا، فارابی و سهروردی نیز نظریات مهمی در باب زیبایی آمده و در دوره معاصر کسانی؛ نظیر نصر (۱۳۸۰ و غیره)، مطهری (۱۳۸۴)، جعفری (۱۳۷۵ و ۱۳۷۴)، احمدی (۱۳۷۴)، نقی‌زاده (۱۳۸۶) و ۱۳۹۳)، بولخاری (۱۳۸۷، ۱۳۸۸ و غیره) و نقره‌کار (۱۳۸۷ و غیره) به این موضوع پرداخته‌اند.

در حال حاضر مطالعات روانشناسی نشان می‌دهد که توجه به مقوله زیبایی شهری در جهت پاسخگویی به نیازهای روحی و روانی شهروندان امری ضروری است و در کنار مسائل کارکردی و اجتماعی مجموعه‌های مسکونی، نادیده گرفتن اصول زیبایی‌شناختی مشکلاتی را مضاف بر مسائل رفاهی به ساکنان تحمیل می‌کند؛ مواردی از قبیل یکنواختی در فرم و نما، نبود یکپارچگی و هماهنگی در سیمای جداره‌ها، عدم توجه به جزئیات نماها، عدم تعادل توده و فضا، نبود تنوع، عدم وحدت و انسجام در کلیت مجموعه‌ها، نبود نقاط عطف و تأکید در جداره‌ها، عدم استفاده از مصالح مرغوب و غیره؛ مصداق‌های بی‌توجهی به مبحث زیبایی‌شناختی است. با توجه به ضرورت تبیین شده و مسئله موجود، هدف تحقیق حاضر تحلیل و استنباط مقوله پایدار زیبایی‌شناختی و بررسی کاربرد آن در کالبد سکونتگاه‌های شهری در نمونه شهرک پردیسان قم به عنوان نمونه مورد مطالعه می‌باشد. به این منظور پس از مروری بر پیشینه تحقیق، مفاهیم زیبایی‌شناسی در سه دوره مختلف زمانی مورد بحث قرار گرفت و پس از استخراج اصول مشترک زیبایی‌شناسی، ابتدا این مفاهیم در تطبیق با سه دوره زمانی معماری و شهرسازی ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد و در نهایت، اصول تبیینی مستخرج در مسکن مهر پردیسان شهر قم به عنوان نمونه مطالعاتی، مورد ارزیابی قرار گرفته و یافته‌های تحقیق به دست داده شده‌است. نگارندگان در ادامه با طرح پیشنهاداتی در صدد بهبود وضعیت این مجموعه‌های مسکونی هستند تا در عمل بتوان نیازهای زیبایی‌شناسی ساکنان را تا حدی ارضا کرد، تعلقات ذهنی و ادراکی ساکنان را ارتقا بخشید و از بروز مهاجرت از این مجموعه‌ها جلوگیری به عمل آورد.

۲- روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات کاربردی است که از طریق پارادایم تحقیق کیفی و با روش تحقیق توصیفی-تحلیلی صورت پذیرفته‌است. گردآوری اطلاعات در پژوهش حاضر از طریق مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای انجام گردیده‌است که ابتدا به بررسی متون و دیدگاه‌های اندیشمندان پرداخته، اصول و ارزش‌های مقوله پایدار زیبایی‌شناختی را تحلیل و استنباط کرده و در گام بعدی، عمده اشتراکات اصول زیبایی‌شناختی را در کالبد سکونتگاه‌های شهری مورد ارزیابی قرار داده‌است. نمونه مورد مطالعه در این تحقیق، مسکن مهر کوی بهشت، مهر آراین و خاتم الانبیا در شهرک پردیسان شهر قم است.

۳- پیشینه بحث

واژه زیبایی‌شناسی آن گونه که در زبان فارسی متداول است، معادل واژه Aesthetics به کار رفته که از نظام فلسفی خاصی سخن می‌گوید که به معنای کاوش در معنای جمال، شناخت زیر و بم‌های این پدیده است (مارکوزه، ۱۳۶۸، ۹). ریشه لغت زیبایی‌شناسی از واژه یونانی کلاسیک atshanesthai به "معنای فهمیدن" و aisthteta، به معنای "موضوعات درک شده توسط چشم" مشتق شده‌است که نشانه فهم بصری یا زیبایی است. این واژه در مهم‌ترین وجه خود، ارتباط ما با محیط اطرافمان را توصیف می‌کند (Bell, 2005: 3). از بیان معنایی این واژه که بگذریم در دنیای امروز، موانع دشواری در بیان زیبایی وجود دارد؛ بطوری که زیبایی به عنوان یک مفهوم خاص در جهان زیسته فرد شناخته می‌شود که انتظارات کاملاً ذهنی در ذهن به عنوان یک تابع ایجاد می‌کند که دارای جنبه‌های روانشناختی است (Danaci, 2012: 878-879). به طور عملیاتی مفهوم زیبایی‌شناسی از دو جنبه عین و ذهن قابل بررسی است که بررسی آن در فرهنگ شهری نیز از این قاعده مستثنی نیست چرا که از یک طرف کالبد شهر مطرح است که به عینیت بر می‌گردد و از طرف دیگر ذهنیت شهروندان که باید درکی زیباشناسانه از فضا داشته باشند (کریمی مشاور، ۱۳۹۲: ۷۱)؛ بنابراین موضوع علم زیبایی‌شناسی در طراحی فضا، تشخیص و درک عواملی است که در ادراک یک شیء یا یک فرآیند تجربی زیبا یا حداقل احساس خوشایندی، نقش دارند که می‌تواند درک توانایی انسان برای ابداع جلوه‌هایی که از نظر زیبایی‌شناسی، خوشایند هستند بالا ببرد. در این نگاه برای مطالعه زیبایی‌شناسی دو رویکرد کلی وجود دارد؛ موضوع رویکرد اول، مطالعه فرآیندهای ادراک،

- 1 - Newton
- 2 - Birkhoff
- 3 - Eco
- 4 - Cullen
- 5 - Bell

شناخت و شکل‌گیری نگرش و موضوع رویکرد دوم، مطالعه هندسه زیبایی‌شناسی و فرآیندهای مربوط به خلاقیت است. رویکرد اول بستگی به شخصیت و ویژگی روان‌شناختی دارد و رویکرد دوم متافیزیکی و روانکاوانه است. رویکرد اول در حوزه نظریه‌های اثباتی و رویکرد دوم در محدوده نظریه‌های هنجاری و ارزشی طراحان و هنرمندان است (لنگ، ۱۳۹۲: ۲۰۷).

محققان با توجه به اینکه فهم، امری تاریخی است (گادامر)؛ جهت تحلیل متافیزیکی متون زیبایی‌شناسی به سه دوره تاریخی اشاره می‌نمایند که چکیده آن در جدول شماره ۱ آمده است. با توجه به جدول مذکور و نتایج مستخرج از آن، می‌توان نتیجه گرفت که تجربه زیسته از زیبایی، بستگی به فضاهای زندگی تاریخی و فرهنگی افرادی دارد که در یک فرهنگ طولانی، تجربه گسیخته‌اند و تحت تأثیر اندیشه‌های مختلف قرار گرفته‌اند.

جدول ۱- مقایسه تطبیقی مفاهیم زیبایی در منظر اندیشمندان غرب و شرق در ادوار گوناگون

دوره	اندیشمند	تعریف زیبایی	تحلیل دوره
دوران سنت (غرب)	هومر ^۱	شگفتی در باب تقلید (بیردزلی و هاسپرس، ۱۳۸۷: ۱۷).	زیبایی در این دوره را می‌توان در قالب هماهنگی، تناسب، نظم، ریاضی و رابطه بین اجزا دانست؛ در واقع چیزی زیباست که متناسب باشد و تناسب در اعداد نهفته است.
	افلاطون	نظم، اندازه، تقارن، هماهنگی و هارمونی (ووادیسوف، ۱۳۹۰: ۴۵).	
	ارسطو ^۲	زیبایی با سه شرط است: کلیت، احتمال، انسجام (بولخاری، ۱۳۸۷: ۷۴).	
	فلوطين ^۳	مترادف با افلاطون، زیبایی لذت است (بیردزلی و هاسپرس، ۱۳۸۷: ۱۷) که در نهایت کشش به سوی روح است (بولخاری، ۱۳۸۷: ۷۴).	
	فیثاغورث	زیبایی بر پایه نظم و ریاضی است (امبرتو، ۱۳۹۰: ۳۵).	
	جریان فیثاغورثی	زیبایی صفتی است که از رابطه میان اجزا حاصل می‌شود (لیزروف و همکاران، ۱۳۵۲: ۹).	
	آگوستین ^۴	وحدت، عدد، تساوی، تناسب و نظم (بیردزلی و هاسپرس، ۱۳۸۷: ۱۷).	
	آکویناس ^۵	زیبایی با سه شرط است: درستی یا کمال، تناسب یا هماهنگی صحیح، درخشندگی یا روشنی (بولخاری، ۱۳۸۷: ۷۴).	
	وینتریوس ^۶	زیبایی را در نمای خوشایند، مطبوع و محاسبه تقارن اجزای آن است (بهزادفر، ایلکا و ایلکا، ۱۳۹۱: ۷۳).	
دوران سنت (شرق)	فارابی	زیبایی، زینت، بها یا نیکویی این است که وجود برتر و کامل او محقق شود و کمال ثانی تحقق پذیرد (بهرامی، ۱۳۹۴: ۱).	می‌توان گفت زیبایی در این دوره انسان را به دنیای ماورائی هدایت می‌کند، زیبایی صوری به زیبایی معنوی در هم آمیخته است که سیر الی‌الله دارد و انسان را به تکامل معنوی و خالق زیبایی‌ها رهنمون می‌سازد. در مجموع می‌توان گفت در فرهنگ اندیشه بزرگان اسلامی و ایرانی در سنت شرق، "زیبایی" کیفیتی معناگرا دانسته می‌شود که همراه حسن و نیکویی خلقی و ذهنی است.
	ابن سینا	آفاقی بودن و عینی بودن زیبایی از منظر حسن نظم، حسن تألیف، اعتدال (هاشم نژاد و نعمتی، ۱۳۹۰: ۱۴۰).	
	نظامی	محور اساسی زیبایی را در تأثیر شگفت بر مخاطب می‌داند (واردی، ۱۳۸۶: ۱۸).	
	غزالی	زیبایی عینی (ابزکتیو) است. زیبایی هر اثر هنری به روح خالق آن منتسب است (قائم‌فر، ۱۳۹۵).	
	ابن هیثم	ادراک ۲۲ عامل (تقارن، اتصال، وحدت و غیره) است که از عین با مبصرات اشیا به درک معنای ذهنی آنها منجر می‌شود (قائم‌فر، ۱۳۹۵: ۳۹).	
	خواجه نصیرالدین طوسی	زیبایی محاکات است. زیبایی یکی از صفات عینی موجودات است و ذهن انسان به کمک قواعد و اصول معینی آن را درک می‌کند. در واقع هنرمند می‌کوشد تا در اثر هنری خویش به ترسیم و تصویر این واقعیت عینی بپردازد و از واقعیت نسخه‌برداری کند و به نمایش بگذارد (هاشم‌نژاد، ۱۳۹۲: ۳۴).	
	مولوی	وسیله تکامل معنوی است (یوسفیان، ۱۳۷۹: ۱۶۷).	کمال بیرونی است؛ بیرونی‌ای که متضاد با درون است و ما آن را خوب می‌نامیم (ووادیسوف، ۱۳۹۱).
	ابن عربی	ابن عربی عالم وجود را «صنعه‌الله» می‌نامد و بیان می‌دارد که به هر موجود این عالم که نظر کنی، از یک سو حکمت خدا را در آن می‌بینی و از آن سوی دیگر، خلاقیت هنری و اوج آفرینش زیبایی یک صنعتگر هنرمند را (بهزادفر، ایلکا و ایلکا، ۱۳۹۱: ۷۸).	
	فیچینو ^۷	کمال بیرونی است؛ بیرونی‌ای که متضاد با درون است و ما آن را خوب می‌نامیم (ووادیسوف، ۱۳۹۱).	

1 - Homer
2 - Aristotle
3 - Plotinus
4 - Pythagoras
5 - Augustinus
6 - Vitruvian
7 - Ficino

دوران جدید (غرب)	آلبرتی ^۱	زیبایی در همخوانی قانونمند بین اجزاست (گروتز، ۱۳۹۰: ۱۰۰)؛ درواقع تناسب (هماهنگی) اجزای مجموعه است که اگر چیزی به آن اضافه یا کم شود و یا تغییری در آن صورت گیرد، نابود خواهد شد (Isaac, 2008: 3).	می‌توان شروع دوران مدرن در غرب را با آغاز دوره رنسانس دانست. در این دوره زیبایی بر مبنای ریاضی به اوج دقت خود رسید. از تناسبات مقدس، طلایی و جادویی برای پیاده کردن زیبایی افلاطونی به عنوان بهترین سرمشق استفاده می شده‌است.
	پالادیو ^۲	سرچشمه زیبایی وجود فرم‌های قشنگی است که در هماهنگی با فرم کلی قرار دارند (گروتز، ۱۳۹۰: ۱۰۰).	به تدریج این رویکرد در قرن هجدهم با عقلانیت درهم آمیخت به گونه‌ای جایگزین اصل ذهن با عین شد که با دیدگاه فردگرایی دکارت که مبتنی بر رویکردی عقلی است و سپس با دیدگاه تجربه‌گرایان مانند هیوم که بیشتر مبتنی بر ویژگی ذهنی ادراکات حسی بود ادغام گردید.
	شافتسبری	آنچه زیباست؛ موزون، متناسب، دلپذیر و خوب است (هاشم‌نژاد، ۱۳۹۲: ۷).	
	هگل	انبساط خاطری که از ادراک یک چیز، فرایند و یا رویداد به انسان دست می‌دهد (پاکزاد، ۱۳۹۱: ۱۰۹).	
	داروین ^۳	احساس زیبایی‌شناسی با آگاهی در پیوند است (لیزروف و همکاران، ۱۳۵۲: ۱۶۷).	
	نیچه ^۴	زیبایی‌شناختی دقیقاً بیان حالات روحی است، زیبایی یک امر مطلقاً ذهنی است؛ زیبایی یک شیء نیست بلکه فقط حالتی در درون ما است (بیردزلی و هاسپرس، ۱۳۸۷: ۱۷).	
	هاچسون	جوهر و ذات زیبایی در تجلی و ظهور وحدت در کثرت نهفته است (هاشم‌نژاد، ۱۳۹۲: ۷).	
	کانت	زیبا آن است که لذتی بیافریند، رها از بهره و سود، بی‌مفهوم، عام و همگانی که همانند غایت پایانی بی‌هدف باشد (هاشم‌نژاد، ۱۳۹۲: ۷).	
	دکارت ^۵	از منظر دکارت، سوژه مرجع هستی می‌شود، خود به خود زیبایی هم تابع این امر می‌شود؛ یعنی زیبایی تابع احساس و ادراک انسانی است (ضمیران و پازوکی، ۱۳۸۳: ۱۱۶).	
	بومگارتن	زیبایی را توازن بین نظام اجزا و نسبت متقابل آنها بصورت کمی و کیفی معرفی می‌کند (قائم‌فر، ۱۳۹۵: ۴۱).	
	شیلر ^۶	یک ابژه زمانی در نظر ما زیبا جلوه می‌کند که به واسطه‌ی ماهیت خودش تعیین شده باشد؛ یعنی نشانگر تأثیر آزادی بر حواس یا تأثیر آزادی بر نمود باشد (بیشاپ، ۱۳۸۶: ۲۲۴).	
	نیوتون	زیبایی محصول کردار ریاضی طبیعت است که به نوبه خود محصول خاصیت وجودی هر موجود است (ایزدی واکرمی، ۱۳۹۶: ۷۰).	
	لاند	به طور ماتقدم نمی‌توان تعریف مادی برای زیبایی تعیین کرد (ایزدی واکرمی، ۱۳۹۶: ۷۰).	
	راسکین ^۷	ما چیزی را زیبا می‌دانیم که متناسب با ارزش‌های ذهنی‌مان باشد و ما را خوشحال یا شادمان کند (بندرآباد و شاهچراغی، ۱۳۹۴: ۲۴۴).	
دوران جدید (شرق)	لاکی ^۸	زیبایی کیفیتی در خود اشیا نیست بلکه فقط احساسی است در ذهن کسی که بدان می‌اندیشد (گات و آیور لویس، ۱۳۸۴: ۳۵).	
	هیوم	لذت زیبایی‌شناسی ناشی از مداخله توأم احساس و تعقل است (گات و آیور لویس، ۱۳۸۴: ۳۵)؛ زیبایی کیفیتی در خود اشیا نیست بلکه صرفاً در ذهنی وجود دارد که در مورد عیان تأمل می‌کند و به همین دلیل هر ذهنی، زیبایی متفاوتی را درک می‌کند (بهلولی فوسخودی، ۱۳۸۸: ۱۵۸).	
	بورکهارت ^۹	مطابق بینش روحانی جهان، زیبایی همان شفافیت پوشش‌های وجودی و مادی آن چیز است (ناظر و همکاران، ۱۳۹۴).	
	صدرالمثاله ین	اعتدال، تناسب، تقارن و خوشایندی، شمائل لطیف، تناسب و ترکیب نیک (هاشم‌نژاد و نعمتی، ۱۳۹۰: ۱۴۰).	امتزاج زیبایی عینی و ذهنی در پی رسیدن به کمال انسانی.
	سهروردی	عشق منشأ زیبایی است (هاشم‌نژاد، ۱۳۹۲: ۱۳۴).	
	نجیب الکیلانی	زیبایی را ارزشی می‌داند که نمی‌توان از آن بی‌نیاز شد، حضور آن در زندگی ضروری است اما نمی‌توان آن را از ارزش‌هایی چون خیر و حق سلب کرد و در واقع زیبایی پس از آنها می‌آید (مطهری، ۱۳۸۴: ۷).	

1 - Alberti

2 - Palladio

3 - Darwin

4 - Nietzsche

5 - Descartes

6 - Schiller

7 - Ruskin

8 - Locke

9 - Burckhardt

از فیلسوفان مطرح این دوره می‌توان به شیخ بهایی، میرفندرسکی و میرداماد نیز اشاره کرد ولی نگارندگان به مباحث مرتبط با مقوله زیبایی‌شناختی از منظر آنها برخورد نداشته‌اند.		
می‌توان به طور کلی گفت: زیبایی در این دوره بر مفهوم لذت و حظ بصری استوار است که از همان مفاهیم پیشین نظیر هماهنگی، وحدت و تناسب سرچشمه می‌گیرد، به عبارتی آنچه باعث خوشنودی و خوشی در انسان شود اما رفته‌رفته زیبایی با مفهوم بحران هویت مواجه شده‌است؛ به این صورت که زیبایی دچار نسبیّت و شکاکیت گردیده‌است و نمی‌توان معیارهای ثابتی را برای آن در نظر گرفت.	بولزانو ^۱	چیزی زیباست که باعث حظ بصری شود (گروتز، ۱۳۹۰: ۱۰۱).
	لوکوربوزیه ^۲	زیبایی مهندسی و زیبایی ماشین است (بندرآباد و شاهچراغی، ۱۳۹۴: ۲۵۴).
	رایت ^۳	زیبایی تظاهر تناسبی است اصولی به صورت خط، فرم، رنگ (گروتز، ۱۳۹۰: ۱۰۱).
	واگنر ^۴	چیز غیر عملی زیباست (بندرآباد و شاهچراغی، ۱۳۹۴: ۲۵۴).
	لوس ^۵	زیبایی در فرم است و از تزئینات مبراست (گروتز، ۱۳۹۰: ۱۰۳).
	وتوری ^۶	تنوع زیباست (بندرآباد و شاهچراغی، ۱۳۹۴: ۲۵۴).
	کوزین ^۷	زیبایی نتیجه دو صفت متضاد وحدت و تنوع است (گروتز، ۱۳۹۰: ۱۱۸).
	کوان ^۸	مربوط به ادراک حسی در تأثیرات ظاهر بصری و حس زیبایی است (Cowan, 1394: 5).
	کاتبرت ^۹	ترکیبی از کیفیاتی نظیر شکل، رنگ یا فرم که موجب خشنودی حواری زیبایی-شناسانه، به خصوص بینایی می‌شود (پاکزاد و ساکی، ۱۳۹۳: ۷).
	رید ^{۱۰}	وحدت روابط صوری در مدرکات حسی ما (خرقانی، ۱۳۸۷: ۱۳).
	گاستالا ^{۱۱}	یک هماهنگی و هارمونی است که لذات ما را در یک خط سیر معین متشکل می‌کند و سبب اندیشه زیبایی می‌گردد (خرقانی، ۱۳۸۷: ۱۳).
	شوان ^{۱۲}	زیبایی چون شکوه حقیقت از سویی دارای مبانی متافیزیکی است (چون از حقیقت جدا نیست) و از سوی دیگر واقعیتی ابژکتیو است (چون شکوه حقیقت است) (تیموری، ۱۳۸۴: ۴۳).
	دیویی	تجربه‌ای کامل، عالی، پرر، همراه با شور و حرارت در برابر نیازها و اهداف اساسی در سراسر زندگی است (انصاری و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۳).
می‌توان مفهوم زیبایی را در این دوره این گونه تعریف کرد: زیبایی در ساحت صورت و معنا نهفته‌است. بر برتری زیبایی‌های باطنی و روحانی بر زیبایی ظاهری و جسمانی تأکید دارد. در مجموع در فرهنگ اندیشه بزرگان معاصر، زیبایی به مفهوم کلی، کیفیتی معنوی و روحی است و سیر الی‌الله دارد که در کمال انسانی نهفته است.	اکو	زیبا چیزی است که از آن خوشمان می‌آید و با خوبی است (امبرتو، ۱۳۹۰: ۱۳).
	ویتیک ^{۱۳}	زیبایی، کیفیت یک پدیده عینی و مستقل از ادراک کننده آن نیست بلکه ارزشی است که از سوی فرد به یک وجود عینی افزوده می‌شود (ویتیک، ۱۳۸۶: ۲۸).
	علامه طباطبایی	حقیقت حسن و زیبایی آن است که اجزای یک چیز نسبت به هم سازگار باشد و نیز مجموعه این اجزا با هدف و غرضی که خارج از حدود آنهاست، همساز باشد (خرقانی، ۱۳۹۰: ۶۳).
	علامه جعفری	هر مجموعه‌ای نگارین که مرکب باشد از اجزایی متنوع که هر یک از آن اجزاء، کمال وجودی خود را بدون تراحم با اجزای دیگر نمودار بسازد، زیباست (جعفری، ۱۳۹۲: ۱۷۴).
	استاد مطهری	با آنکه جمال‌های حسی ناشی از تناسب است؛ یعنی تناسب یک عامل اساسی در پیدایش زیبایی حسی است، تناسب در امور معنوی روحی هم عامل جمال روحی است (مختاریان، ۱۳۸۸: ۴۴).
	نصر	زیبایی امر قدسی و معرفت قدسی جدایی‌ناپذیر است که آن را شکوه حقیقت می‌داند (پهزادفر، ایلکا و ایلکیا، ۱۳۹۱: ۷۷).
	نقی‌زاده	با بسیاری تعابیر دلخواه مثل حقیقت، حسن، خوبی، نیکی و خیر همراه است؛ هر آنچه که مطلوب نامیده شد یا مطلوب فرض شده و انسان، طالب تحصیل آن می‌شود را می‌توان واجد مرتبه‌ای از زیبایی دانست (نقی‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۳۲-۲۳۳).
	امام خمینی	صفت یا ویژگی عارض بر چیزی نیست بلکه خاصیت ذاتی شیء است و در مقایسه زیبایی‌ها، مراتب وجودی اشیاء مقایسه می‌شوند (نقره‌کار، ۱۳۹۴: ۹۱).
	آیت الله آملی	زیبایی عبارت است از شیء محسوس یا نامحسوس که با دستگاه ادراکی (مدرک) ملائمت و هماهنگی داشته‌باشد و از آن لذت ببرد (تیموری، ۱۳۸۴: ۴۵).

- 1- Bolzano
- 2- Le Corbusier
- 3- Wright
- 4- Wagener
- 5- Loos
- 6- Venturi
- 7- V.cousin
- 8- Cowan
- 9- Cuthbert
- 10- Read
- 11- Guastalla
- 12- Schuon
- 13- vitech

	اردلان	زیبایی عینی است، مکان هندسی آن درون اثر هنری است و نه در درون بیننده که شاید بتواند آن را دیده، درک کند و شاید نتواند (اردلان و بختیار، ۱۳۹۰: ۴۰).
	پیرنیا	زیبایی یعنی زیندگی و سازواری بخش‌ها با یکدیگر (پیرنیا، ۱۳۹۵: ۱۳).

۴- مبانی نظری

۴-۱- میزان و مراتب زیبایی

میزان زیبایی، احساس لذتی است که ادراک‌کننده بر اثر تمایل به تکرار تجربه فردی در عالم مشاهده درونی، دریافت می‌کند که بر اثر کسب تجربه در هر زمینه در انسان رشد می‌یابد (نیوتن، ۱۳۶۶: ۲۵۷). برای میزان زیبایی می‌توان مراتب کمیت و کیفیت متصور شد که از این طریق کیفیت هنری و معیارهای ارزیابی حاصل می‌شود. کمیت هنری به معیارهایی اشاره می‌کند که بر اندازه زیبایی نظر دارد البته تلاش‌هایی برای تبیین و تعیین کمی زیبایی در هنر معماری صورت گرفته‌است که زیبایی را با استفاده از آن معیارها و با فرمول ریاضی اندازه می‌گیرد (پهزادفر، ایلیکا، الیکا، ۱۳۹۱: ۷۲). از دیگر معیارهای زیبایی‌شناسی می‌توان به ارزیابی مبتنی بر ارزش، اشاره کرد که ارزش‌گذاری زیبایی را از سطح اصیل تا بی‌ارزش طبقه‌بندی می‌کند که معمولاً ارزش‌های پایه زیبایی‌شناختی به سبک و مد تقسیم می‌شوند. ملاک طبقه‌بندی مراتب زیبایی از منظرهای گوناگون و متنوعی قابل انجام و مورد نیاز است؛ این تنوع، از سویی با زمینه، بستر و عوامل ادراکی انسان ارتباط دارد؛ مثل آن که به تناسب ادراکات حسی و عقلی، مراتب زیبایی در گروه زیبایی‌های محسوس و زیبایی‌های معقول طبقه‌بندی می‌شوند و از سوی دیگر، می‌توان زیبایی را به استناد خالق پدیدآورنده‌اش طبقه‌بندی کرد. همچنین ممکن است دسته‌بندی مراتب زیبایی بر حسب حواس دریافت‌کننده آن نیز انجام شود. تمرکز بر ساحت‌های حیات انسان، شیوه دیگری برای طبقه‌بندی مراتب زیبایی است (نقی‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۰۸) که در مجموع، بستگی به تعریف و رویکردهای نگرش به زیبایی‌شناختی دارد.

۴-۲- ادراک زیبایی‌شناختی در محیط

زیبایی‌شناسی یک مفهوم مبهم، متکثر، پیچیده و مناقشه‌برانگیز است که نه تنها به این دلیل، مقوله زیبایی پیچیده است بلکه به دلیل آن است که آثار هنری منبعث از زیبایی‌شناسی؛ نسبی، ناهمگن، متناقض و ناهمگون است (Waistell, 2015: 4). نفوذ زیبایی در محیط انسان‌ساخت، یکی از موضوعات مهم است که در بیست سال گذشته مورد بحث جدی قرار گرفته‌است و گروه‌های زیادی در این مورد مطالعه نموده‌اند (Danaci, 2014: 190). این مطالعات تأثیر حس زیبایی محیط ساخته شده بر احساسات و رفتار را بررسی می‌کند که مورد توجه معماران، جغرافیدان‌ها و روانشناسان محیط قرار گرفته‌است و اهمیت زیبایی‌شناختی را به عنوان جزئی از مطالعه محیط زندگی، بسیار برجسته نموده‌است (Gilboa & Rafaeli, 2003: 4). یکی از مباحث جدی، ادراک انسان از محیط است و از محوری‌ترین مقولات در روانشناسی محیطی است. ادراک محیطی فرآیندی است که از طریق آن، انسان داده‌های لازم را بر اساس نیازش از محیط پیرامون خود برمی‌گزیند (مطلبی، ۱۳۸۰: ۵۵)، آن را ارزیابی می‌کند و در واقع ادراک محیطی، ارزیابی یا تعیین خوب و بد بودن عناصر محیطی را شامل می‌شود (شمس اسفندآباد، ۱۳۹۳: ۱۹). ادراک محیط، بستگی به دو اصل مکمل ادراک دارد: الف) ایجاد انگیزش در مخاطب از طریق تجربه‌ای نو، تازه و همچنین ایجاد شوق آشنایی با طرح که در پاسخ به تغییرات می‌باشد. ب) پاسخ به احساس طرب که نیازمند وجود تغییر پویایی و تحول است. ادراک نیازمند تنوع و اطلاعات جدید می‌باشد و در عین حال جوای امنیتی در نظم و تکرار است. الگوی که باید حاوی تغییر غیر منتظره و پویا باشد. درک زیبایی‌شناختی در واقع به طراحان کمک می‌کند تا این روش‌ها را به عنوان عاملی مهم بکار برند و به استاندارد قابل قبول زندگی برای مردم نزدیک کنند تا بتوانند با ایجاد محیط‌های بصری خوشایند، زمینه احساس خوب و رضایت را در ساکنین زنده کند و مخاطب را به جای تماشاگری به بازیگری دعوت نماید (Uzunoglu, 2012: 91).

۴-۳- زیبایی‌شناسی محیطی

زیبایی‌شناسی محیطی به عنوان یک رشته هنری شامل دو زمینه زیبایی‌شناسی و روان‌شناسی است که در مورد چگونگی مسائل محیطی و شکل‌دادن به آنها با روش‌های علمی در رابطه بین محرک‌های فیزیکی و واکنش‌های انسانی در زمینه زیبایی و احساس خوب محیطی استفاده می‌شود (Nasar, 1988). مسائل زیبایی‌شناسی محیطی با زیبایی‌شناسی‌های هنرها متفاوت است، هر چند ممکن است پیوندی هم بین آنها یافت شود. زیبایی‌شناسی محیطی، در وسیع‌ترین معنای خود انسان را با کل مجموعه‌ی محیط خود آمیخته می‌نماید بطوریکه انسان با درک و لذت از محیط، جزئی از آن می‌شود که در این حالت، تجارب ذاتی مبتنی بر کیفیات حسی با درک مستقیم رضایتمندی غلبه می‌یابد. درک محیط شامل مجموعه‌ای از ادراکات انسانی است که شامل عواملی از قبیل تجربه زیستن فضا، حجم، زمان، جابجایی رنگ، نور، بو، صدا، لمس، حرکت، الگو، نظم و معنا می‌شود که دخالت فعالانه تمامی وجوه حسی

را توأم با حس خوب ادراکی در بر دارد و مخاطب را با تمامی آگاهی و هشیاری‌اش در این تجربه درگیر می‌کند. به علاوه یک جنبه‌ی ارزش‌گذاری نیز در این حالت هست که دامنه‌ی درک مخاطب را پوشش می‌دهد و همین نکته است که زیربنای داوری‌های ارزشی مثبت یا منفی ما را نسبت به محیط تشکیل می‌دهد (برلینت، ۱۳۸۶: ۲۸۹). معمولاً زیبایی شهرها، محله‌ها یا بخش‌های دیگر محیط‌های ساخته شده، فعالیت‌های روزمره ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد و موجب احساساتی مانند لذت، آرامش، هیجان و ترس می‌شود. این واکنش‌های احساسی با ویژگی‌های زیبایی‌شناختی محیط‌های متفاوت بر رفتارهای ما تأثیر می‌گذارد و انتظار ما را از محیط شکل می‌دهد؛ همچنین زیبایی‌شناسی محیطی، بررسی نحوه واکنش مردم به کیفیت بصری محیط را نیز بررسی می‌کند (Ataov, 1998: 239). بنابراین در کل می‌توان استنباط کرد که زیبایی‌شناسی محیطی عبارت است از بررسی تجربه‌ی درک محیط براساس ارزش‌های ذاتی، ادراک مستقیم، جنبه‌ی شناختی و ادراکی حاصل از برآیندهای بیرونی و درونی که از محیط به ما دست می‌دهد. هدف اصلی در زیبایی‌شناسی محیطی، درک میزان تأثیر محیط و ترجمان این درک به اصول طراحی محیط است (رزاقی اصل و آذین، ۱۳۹۲: ۲)؛ منتها تلاش اصلی اینجاست که بتوان اصول پایدار و زیبایی‌شناسی در طراحی محیط را تبیین و به این منظور، بحث ارزش‌ها در زیبایی‌شناسی آورده می‌شود.

۴-۴- ارزش‌های مطرح در زیبایی‌شناسی با تأکید بر رویکردهای بومی

برای دستیابی به اصول کلی و بومی مشترک زیبایی‌شناختی در ادوار مختلف با بهره از نگاهی که در سه دوره مختلف شرق و غرب به مقوله زیبایی‌شناسی شده‌است؛ می‌توان اهم اصول پایدار زیبایی‌شناختی که در تمام ادوار دارای اشتراک است به شرح تناسب، توازن، وحدت، هندسه، ترکیب، مقیاس انسانی و تنوع را نام برد. لازم به ذکر است که نظریات غالب در دیدگاه مستشرقین به ویژه ایران بر بعد معنوی و ارزشی زیبایی‌شناسی متمرکز بوده که در این پژوهش، این ارزش‌ها در بعد کالبدی مورد توجه واقع شده‌است. در ادامه به منظور شناخت درست هر چه بیشتر اصول زیبایی‌شناسی پیشگفته به بررسی آنها در سه مکتب و سه دوره مطرح معماری و شهرسازی ایران؛ مکتب سنت، مکتب اصفهان و مکتب تهران پرداخته شده‌است. لازم است ابتدا شرح مجملی از اصول کلی زیبایی‌شناسی این سه دوره بیان شود. در معماری عصر سنت به زعم پیرنیا، می‌توان پنج اصل نیارش (پیمون)، پرهیز از بیهودگی، مردم‌واری، خودبسندگی و درون‌گرایی را به عنوان اصول زیبایی‌شناسی سنتی معماری ایران نام برد. در مکتب شهرسازی و معماری اصفهان که در واقع به عنوان تنها سبک مهم و قاطع شهرسازی کشور در همه ادوار محسوب می‌گردد؛ حیثی به عنوان شارح مکتب مذکور، اصول مهم زیبایی‌شناسی این مکتب را بیان می‌دارد که عبارتند از: سلسله‌مراتب، وحدت و کثرت، تمرکز، عدم تمرکز، تباین، تجمع، اتصال، تناسب، توازن، تداوم، قلمرو، سادگی، پیچیدگی، ترکیب، استقرار و ایجاز. شماری از اصول مطرح زیبایی‌شناسی در مکتب شهرسازی تهران به دلیل همزمانی پیدایش این مکتب با ورود مدرنیته به کشور، به کلی دگرگون می‌شود و رنگ و بویی غربی می‌گیرند و بسیاری از اصول بومی در ترکیب با مفاهیم تازه‌ای که از غرب می‌آمد به شکل و شمایل جدیدی رخ می‌نمایند که می‌توان به اصولی همچون تنوع شکلی و فرمی، پیدایش مقیاس‌های فرا انسانی، استفاده از تناسبات و تزیینات به شیوه نئوکلاسیک غرب، التقاط، برون‌گرایی در ساخت و سازها، بنیاد ساختمان با استفاده از نقشه (رواج هندسه‌مندی)، استفاده از تزیینات گچی، استفاده از اشکال جدید در معماری، ترکیب‌های متنوع و غیره اشاره کرد که جدول شماره ۲، در شرح مختصری به آن پرداخته‌است.

جدول شماره ۲: ارزش‌های ثابت زیبایی‌شناسی در مکاتب مختلف شهری ایرانی

مکتب سنت	مکتب اصفهان	مکتب تهران
در جهان سنتی، هندسه از سایر علوم فیثاغورسی؛ یعنی حساب، موسیقی و نجوم، تفکیک‌ناپذیر بوده، در طراحی شکل‌ها و فرم-ها، معمار ایرانی با ارتباط بین نسبت‌ها براساس اصولی انتزاعی و فراطبیعی با زبانی نمادین، شکل‌هایی را بیان کرده که هندسه مقدس نام گرفته و در طول تاریخ باقی مانده است (نصرآبادی، پورجعفر و تقوایی، ۱۳۹۴: ۴۲). در معماری سنتی، اشکال هندسی، کارکردی بیشتر از ابزارهای فنی دارند که علاوه بر جنبه عملکردیشان، جنبه نمادیشان برای یادآوری اصول روحانی به انسان است (اردلان، بختیار، ۱۳۹۰: ۱۱۷).	در دوران صفویه، معماران و شهرسازان دارای ذهنی هندسی و دید بسیار صحیح علمی از اصول شهرسازی بوده‌اند. استفاده از اشکال و تناسبات هندسی در مفهوم‌های نمادین و فلسفی آن به منظور تأثیرگذاری روانی بر مخاطب مؤثر بوده‌است؛ به طوری که شکل‌های با تکرار تناسبات وابسته به یک نقش، نوعی احساس زیبایی، نظم و هماهنگی می‌آفریند که به عنوان شاخصه اصلی معماری در بسیاری از فضاها و بناهای اصفهان عصر صفوی و در ترکیب با یکدیگر به صورت مکمل دیده شده‌است (نصرآبادی، پورجعفر و تقوایی، ۱۳۹۴: ۴۲).	در این دوره، هندسه‌مندی در ساخت و سازهای جدید، خیابان‌کشی‌ها، مرکزیت هندسی کاخ‌ها و ارگ شهر، تهیه نقشه برای ساخت و سازها (تهیه نقشه دارالخلافه ناصری به عنوان پایه‌گذاری سبک تهران) سرمشق قرار گرفت.
ایرانیان از ابتدا سعی می‌کردند در ابعاد ساختمان‌ها، تناسب‌هایی را به کار گیرند که بازتاب رابطه‌ای کیهانی و دربردارنده نسبت-های زرین باشد (بختیار، پورجعفر و تقوایی، ۱۳۹۴: ۴۲). در نسبت و تناسب، اندازه و عدد دخالت دارد و پیشینه این دریافت که زیبایی با نسبت و تناسب اندازه‌ها ارتباط دارد به عهد باستان بازمی‌گردد (توسلی، ۱۳۶۵: ۱۱۵).	نسبت ابعاد و اندازه‌ها، نسبت احجام و ساختمان‌ها، نسبت فضاهای انباشته و تهی، نسبت محدودیت و بی‌کراکی، نسبت انسان، فضا و غیره، همه در امری می‌گنجد که زیبایی جهان در تناسب آن معنا می‌شود (حبیبی، ۱۳۹۱: ۱۰۵).	وقتی معماری را از زوایای دیگر مانند اندازه‌ها، تناسبات، شکل‌ها و تزئینات نگاه کنیم؛ معماری دوره قاجار وضعیت نازل‌تری را نسبت به دوره‌های گذشته خود و به خصوص دوره صفوی نشان می‌دهد. اندازه‌ها دقت لازم را ندارند، تناسبات در مرتبه نازل‌تری نسبت به تناسبات موزون و اندیشیده شده‌ی دوره‌های قبلی قرار می‌گیرند (بانی مسعود، ۱۳۹۴: ۷۵).
توازن را می‌توان ترکیبی از تعادل و تقارن دانست که دارای خصوصیتی از هر دو می‌باشد. تقارن یکی از اصول طراحی به شمار می‌رود که در دوران باستان در بسیاری از بناهای عمومی و مذهبی به کار رفته‌است؛ در واقع یکی از اصول و گرایش‌های افراطی در معماری ایران تقارن است. بسیاری از الگوها مانند چهار ایوانی، چهارصفه، هشتی و غیره بر مبنای تقارن ساخته شده‌اند (صارمی و رادمرد، ۱۳۷۶).	مکتب اصفهان در شهرسازی در پی تحقق بخشیدن به اصل تعاون و توازن است. موزونی روابط فضایی، اشکال و فعالیت‌ها (اهری، ۱۳۹۳: ۴۶)، هماهنگی و هماوایی عناصر متباین در معرفی یک مفهوم و یا یک عنصر واحد، سبب می‌گردند تا اصل تقارن و فضای متقارن در این مکتب معنای چندانی نیابد و جز در اجزا و ذره-فضاها به کار گرفته نشود (حبیبی، ۱۳۹۱: ۱۰۰).	عدم تقید به ایجاد تقارن در نقوش تزئینی و همچنین نقوش متقارن نئوکلاسیک در این مکتب دیده می‌شود (سعادت و خمسه، ۱۳۹۶: ۱۸۷).
ترکیب بر پیوند و ترتیب اجزا و عناصر استوار است. در بدنه ساختمان اگر پیوند و ترتیب اجزا و عناصر از قبیل در، پنجره، ستون، نیم‌ستون و جان‌پناه بام، درست باشد ترکیب قوی است و گرنه ترکیب ضعیف است (توسلی، ۱۳۶۵: ۱۰۲). ترکیبات قوی از قرارگیری اجزا در کنار یکدیگر، معماری سنت ما را ساخته‌است. در طول قرن‌ها در معماری ما، برخی ترکیبات و اشکال (همانند برخی فضاها از چهار تاقی نیاسر تا مسجد شیخ لطف‌الله) در تاریخ معماری ایران تداوم یافته‌اند.	ترکیب اضدادی سبب ایجاد فضای متفاوت می‌شود. دوام ترکیب اضداد چه در معماری و چه در شهرسازی از طریق تناسب در ترکیب‌ها پایدار بود تا بتواند روابط متقابل و اجزای متناظر را به نمایش گذارد (حبیبی، ۱۳۹۱: ۱۰۶).	در این دوره، استفاده از ترکیب‌های متنوع پیش‌آمدگی و پس‌رفتگی، بالکن‌های جلوزده، برون‌گرایی و ظهور پنجره‌های تزئینی رو به خیابان، ورودی پیش‌آمده، ارتباطات عمودی نمایان و مهم، خط آسمان شکسته با سنتوری یا شیروانی، پنجره‌ها و درهای هلالی (سعادت و خمسه، ۱۳۹۶: ۱۸۷)، همچنین مفصل‌های فضایی، عامل ارتباط دهنده دو فضا در ترکیب-بندی بوده و انقطاع به جداره‌ها راه نداشته‌است (احمدی، تونزنده جانی، ۱۳۹۵: ۴).

مکتب سنت	مکتب اصفهان	مکتب تهران
مقیاس انسانی	مقیاس انسانی در معماری ما بر تناسبات هندسی و مناسب بودن ابعاد و اجزای ساختمان بر بهره‌برداری انسان تأکید دارد (شهابی‌نژاد، قلعه نویی و مظفر، ۱۳۹۳). پیرنیا در رابطه با مقیاس انسانی از واژه مردم‌واری استفاده می‌کند و آن را یکی از اصول پنج‌گانه معماری ایرانی می‌داند؛ به معنای رعایت تناسب میان اندام‌های ساختمانی با اندام‌های انسان (پیرنیا، ۱۳۹۶: ۲۶).	مقیاس‌های فرا انسانی از این دوره کم‌کم بروز می‌یابند (زیاری، زیاری و عبدلی، ۱۳۹۳) شروع این ساخت و سازها با عمارت پنج طبقه شمس العماره در ارگ سلطنتی آغاز می‌شود.
تنوع	در معماری سنتی، پیچیدگی و تنوع موجود در مراکز زیستی، ناشی از تفاوت متعادل و موزون عوامل و خصوصیات به جای تغییر شدید و ناگهانی در آنهاست؛ فضاهای انسان‌ساخت در مقابل فضاهای طبیعی، قرارگیری موزون و سازگار فعالیتها در کنار هم و تغییر موزون فرم‌ها مطرح است (بحرینی، ۱۳۹۱: ۴۶۸)؛ وجود پیچیدگی در عین هماهنگی با کل.	در این دوره، خلاقیت‌های فضایی افزایش می‌یابد، تنوع فضاها بیشتر می‌شود و فضاهای نوینی خلق می‌شوند. فضاها به گشایش و سبکی بیشتری می‌رسند و الگوهای قدیمی معماری ایران در جهت گسترش فضا تکامل می‌یابند (بانی مسعود، ۱۳۹۴: ۷۵) و عامل اختلاط و دورگه بودن، اصلی در خلق تنوع و شگفتی می‌شود.
وحدت	معماری ایرانی در جستجوی کمال خویش؛ یعنی نایل شدن به اندیشه وحدت را در سنتز میان نظم و راز می‌جوید. زبان رمزپرداز معماری ایرانی با تعامل میان ابزار بیانی خویش یعنی رمزگان و اصل شفافیت، ساختار فضایی معماری را جهت می‌بخشد و با بکارگیری عالم نظم یعنی هندسه، اندیشه وحدت را متبلور می‌سازد (ناظر و همکاران، ۱۳۹۴). در مجموع، عوامل سازنده وحدت در معماری سنتی ایران را می‌توان هندسه، نظم و تناسبات نامید؛ سایر عوامل که در کنار این موارد می‌توانند در القای حس وحدت تأثیر بسزایی داشته باشند عبارتند از: نور، رنگ، نمادها، رموزها، اعداد، افزایش فضا و کاهش ماده، سبکی و شفافیت، انعکاس (آب و آینه) و بهره‌گیری از عناصر طبیعت در فضای معماری (وحیدی، فاروقی و تباراری، ۱۳۹۳: ۸).	در این دوره وجود وحدت در حین کثرت به خصوص در جداره‌های میادین و خیابان‌های شهری مشاهده می‌شود. همه اجزاء جداره‌ها بیان واحدی دارند و در هماهنگی کامل ندای یکسانی را سر می‌دهند. بهره‌گیری از تمرکز بصری در مکان‌های مناسب به ایجاد وحدت و یکپارچگی نما یاری رسانده و مانع از تفرقه و جدایی اجزا شده‌است (احمدی، توزنده جانی، ۱۳۹۵: ۴).

۵- تحلیل و بررسی نمونه مطالعاتی

باتوجه به موارد مورد بحث و استخراج ارزش‌ها و اصول زیبایی‌شناختی در ادوار مختلف، نتایج حاصله در شهرک پردیسان قم مورد ارزیابی قرار گرفته‌است. به این منظور، مسکن مهر کوی بهشت، آرین و خاتم‌الانبیا به عنوان نمونه‌های مطالعاتی انتخاب شدند که جدول شماره ۳، تحلیل اصول زیبایی‌شناسی در نمونه‌های مذکور را ارائه می‌دهد.

جدول شماره ۳: ارزیابی ارزش‌های ثابت زیبایی‌شناسی در نمونه‌های مطالعاتی

مسکن مهر کوی بهشت	مسکن مهر آراین	مسکن مهر خاتم‌الانبیا	
 عدم تعریف تناسب دقیق تعریف شده در جانمایی بازشوها و ابعاد آنها (نبود الگوی استحکام بصری در نما، عدم تناسب بین فضاهای پر و خالی جداره).	 وجود تناسب نسبی در ابعاد و تعداد بازشوها نسبت به جداره، تناسب نسبی بین بر و ارتفاع ساختمان.	 نبود تناسب در ابعاد بازشوها و فضای مابین آنها، نبود تناسب در تعریف شکل بازشوها نسبت به یکدیگر (از لحاظ بزرگی - کوچکی و شکل آنها)	تناسب
 توازن و تعادل شکلی در نما و وزن‌های بصری، ارکان عمودی - افقی و الگوی تقارن مشاهده می‌شود.	 به صورت کلی، توازن و تعادل شکلی و تقارن در نمای ساختمان و ارکان آن مشهود است.	 به صورت کلی توازن و تعادل شکلی در نما و ارکان آن و در بعضی قسمت‌های جداره، تقارن محوری مشاهده می‌شود.	توازن
 وحدت بصری در جداره‌ها به دلیل همگونی مصالح دیده می‌شود. هرچند وحدت در ترکیب اجزا و جزئیات دیده نمی‌شود.	 وحدت بصری در جداره‌ها به دلیل همگونی مصالح دیده می‌شود. هرچند وحدت در ترکیب اجزا و جزئیات دیده نمی‌شود.	 وحدت بصری در جداره‌ها به دلیل همگونی مصالح دیده می‌شود. هرچند وحدت در ترکیب اجزا و جزئیات دیده نمی‌شود.	وحدت
 هندسه‌گرایی در تفکیک قطعات، شکل‌دهی نماها، بازشوها و ترکیب اشکال با یکدیگر.	 هندسه‌گرایی در تفکیک قطعات، شکل‌دهی نماها، بازشوها و ترکیب اشکال با یکدیگر.	 هندسه‌گرایی در تفکیک قطعات، شکل‌دهی نماها، بازشوها و ترکیب اشکال با یکدیگر.	هندسه
 عدم ترکیب مناسب در توده و فضا، جزئیات نما و محوطه‌سازی آنها.	 عدم ترکیب مناسب در توده و فضا، جزئیات نما و محوطه‌سازی آنها.	 عدم ترکیب مناسب در توده و فضا، جزئیات نما و محوطه‌سازی آنها.	ترکیب
 ارتفاع ساختمان در حدود ۲۲ متر و شش طبقه با مقیاس انسانی سازگار نیست.	 ارتفاع ساختمان در حدود ۱۶ متر و چهار طبقه با مقیاس انسانی تا حدی سازگار است.	 ارتفاع ساختمان در حدود ۱۹ متر و با پنج طبقه با مقیاس انسانی سازگار نیست.	مقیاس انسانی
 عدم تنوع در جنس و شکل مصالح، نبود جزئیات در جداره، عدم تنوع در ترکیب توده - فضا و اتصال توده‌ها به یکدیگر و نبود تنوع در شکل بازشوها.	 عدم تنوع در جنس و شکل مصالح، نبود جزئیات در جداره، عدم تنوع در ترکیب توده - فضا و اتصال توده‌ها به هم و نبود تنوع در شکل بازشوها.	 تنوع در جنس، رنگ مصالح و شکل بازشوها، نبود جزئیات در جداره، عدم تنوع در ترکیب توده - فضا و اتصال توده - ها به یکدیگر.	تنوع

۶- نتیجه گیری

این پژوهش با هدف بررسی و تبیین ارزش‌های پایدار زیبایی‌شناختی در ادوار مختلف، پس از مروری بر ادبیات پیشینه، هفت اصل ماندگار زیبایی‌شناختی از اشتراکات تعاریف اندیشمندان با عناوین تناسب، توازن، وحدت، هندسه، ترکیب، مقیاس انسانی و تنوع استخراج نمود؛ اصول مذکور در سه مکتب و سه دوره مطرح معماری و شهرسازی ایران؛ مکتب سنت، مکتب اصفهان و مکتب تهران مورد تحلیل قرار گرفت و در ادامه نمونه‌های مطالعاتی مورد ارزیابی قرار گرفت. تفاوت نتایج پژوهش حاضر با سایر تحقیقات صورت گرفته در حیطه‌ی زیبایی‌شناختی، ارائه اشتراکات مقوله زیبایی‌شناختی در دوره‌های گوناگون است؛ بکارگیری اصول مذکور در سنجش و بهبود کیفیت در فرایند ارزیابی، ساماندهی و طراحی سکونتگاه‌های شهری امری ضروری است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که متأسفانه، بسیاری از اصول زیبایی‌شناسی در سکونتگاه‌های مسکن مهر رعایت نشده و یا به طرز ضعیفی اجرا شده‌است؛ حال آنکه امروزه اهمیت مباحث زیبایی‌شناختی با تغییر و تحولات صورت گرفته در بخش مسکن و تأثیرات این مهم بر جنبه‌های روحی و روانی شهروندان، بیش از گذشته احساس می‌گردد اما متأسفانه برخی معماران و جریان‌های هنری در پی فرهنگ‌سازی نوعی زیبایی‌شناسی شخصی و سلیقه‌ای هستند که غالباً بر مبنای مد و یا بدون مطالعات روانشناختی است؛ از طرفی دیگر گاهی به بهانه تقلیل بودجه و کمبود تسهیلات، به ساخت و سازهای بی‌کیفیت روی آورده می‌شود. توجه به الزامات و قواعد زیبایی‌شناختی با رعایت اصول پایدار آن که منطبق بر معماری بومی و اصیل ایرانی است و در طول ادوار مختلف غنی و بارور شده حائز اهمیت است تا مشکلاتی که در بعد زیبایی‌شناسی بر مسکن و فضاهای شهری حادث گردیده را مرتفع سازد. با اتکاء بر یافته‌های تحقیق، راهکارهای زیر را می‌توان گامی در راستای ارتقای کیفیات زیبایی‌شناختی سکونتگاه‌های مسکن مهر منطبق بر اصول زیبایی‌شناختی ماندگار برشمرد:

بهره‌گیری از تناسب و ریتم‌های تعریف شده در طراحی بازشوهای جداره‌ها، تعریف خط آسمان متنوع و تعریف شده با ایجاد تأکیدات در آن؛ استفاده از هندسه تعریف شده در ترکیب‌بندی شکلی و حجمی بناها؛ استفاده از جزئیات، موتیف‌ها، الگوها و پیچیدگی-های شکلی و حجمی منطبق با زمینه در جداره‌ها؛ استفاده از مقیاس انسانی برای انسانی شدن فضاها (ساخت و سازهای کوتاه‌مرتبه)؛ استفاده از ترکیب‌بندی متنوع و نظام‌مند در توده-فضا؛ دستیابی به وحدت شکلی، عملکردی از طریق ترکیب مصالح، ترکیب‌بندی اشکال، جزئیات ارکان اصلی و فرعی نماها، اشکال، بازشوها، تعریف خط بام، خط زمین در کنار هم؛ ایجاد تعادل در مجموعه‌ها از طریق ترکیب توده-فضا و الگوی استحکام بصری جداره‌ها؛ استفاده از نرم‌فضاها (عنصر آب و گیاه) در ترکیب باسخت فضاها برای چشم‌نوازی بصری بیشتر؛ استفاده از مصالح متنوع و بومی با کیفیت؛ استفاده از ترکیب و هارمونی رنگهای مشخص در نماها؛ همچنین، مشارکت جمعی مردم جهت جلوگیری از آلودگی‌ها و زوائد بصری؛ آموزش شهروندان در زمینه زیباسازی فضاهای شهری موجود و ارتقای نظارت اجتماعی در نگهداری از آن؛ زیباسازی مشارکتی توسط گروه‌های داوطلب مردمی ساماندهی شده؛ بهره‌گیری از آموزه‌های غنی الگوی معماری بومی در زیباسازی شهر؛ تدوین ضوابط و دستور العمل‌های الزام آور و اجرایی در حوزه سیما و منظر شهری.

منابع

۱. آبوزیان، سیمون، (۱۳۸۱). زیبایی‌شناسی و خاستگاه آن در نقد معماری، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۲.
۲. اردلان، نادر و بختیار، لاله. (۱۳۹۰)، حس وحدت، نقش سنت در معماری ایرانی، ترجمه‌ی ونداد جلیلی، ۱۳۹۰، چاپ دوم، تهران: انتشارات علم معمار روپال.
۳. امین‌زاده، بهنام، (۱۳۸۹)، «ارزیابی زیبایی و هویت مکان»، نشریه هویت شهر، شماره ۳.
۴. احمدی، سارا و توزنده‌جانی، امید. (۱۳۹۵)، «نگاهی به اصول و قواعد شهرسازی در جداره‌ها با تأکید بر میدان، سبک تهران»، دومین کنفرانس بین‌المللی شهرسازی، مدیریت و توسعه شهری، شیراز.
۵. اومبرتو، اکو و شهدادی، جهانگیر. (۱۳۹۰)، تاریخ زیبایی (نظریه‌های زیبایی در فرهنگ‌های غربی)، ترجمه‌ی هما بینا، تهران: موسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری متن.
۶. اهری، زهرا، (۱۳۹۳). مکتب اصفهان در شهرسازی، دستور زبان طراحی شالوده شهری، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، فرهنگستان هنر.
۷. ایزدی، ملیحه و اکرمی، مهسا. (۱۳۹۶)، «واکاوی مفهوم زیبایی در فضای شهری»، نشریه علمی ترویجی راهبرد توسعه، شماره ۵۰.
۸. انصاری، مریم، بختیار نصر آبادی، حسنعلی، لیاقت دار، محمد جواد و باقری، خسرو. (۱۳۹۳)، «تحلیلی بر نظریه تجربه زیبایی‌شناسی جان دیویی، فصلنامه پژوهش در برنامه‌ریزی درسی»، شماره ۴۱.
۹. بانی مسعود، امیر. (۱۳۹۴)، معماری معاصر ایران در تکاپوی بین سنت و مدرنیته، چاپ ششم، تهران: نشر هنر معماری قرن.
۱۰. بندرآباد، علیرضا و شاهچراغی، آزاده. (۱۳۹۴)، محاط در محیط، کاربرد روان‌شناسی محیطی در معماری و شهرسازی، چاپ اول، تهران: انتشارات سازمان جهاد دانشگاهی تهران.

۱۱. بحرینی، سیدحسن. (۱۳۹۱)، فرآیند طراحی شهری، چاپ هشتم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. بهزادفر، مصطفی، ایلکا، شهاب و ایلیکا، شاهین. (۱۳۹۱)، «رویکردی تحلیلی بر تبارشناسی زیبایی شناسی شهری در تعامل با ساختار مدیریتی شهر؛ بررسی و پیمایش جهانی با ارائه راهکارهای راهبردی و اجرایی»، دوفصلنامه مدیریت شهری، شماره ۳۰.
۱۳. برلینت، آرنولد و علافجی، جواد. (۱۳۸۶)، «زیبایی شناسی محیطی»، فصلنامه مطالعات نظری زیباشناخت، شماره ۱۶.
۱۴. پیشاب، پل. (۱۳۸۶)، «نقد اجتماعی و زیبایی شناسی در شوپنهاور»، ترجمه‌ی ابوالفضل مسلمی، فصلنامه مطالعات نظری زیباشناخت، شماره ۱۶.
۱۵. بیردزلی، مونروسی و هاسپرس، جان. (۱۳۸۷)، تاریخ و مسائل زیبا شناسی، ترجمه‌ی محمدسعید حنائی کاشانی، تهران: انتشارات هرمس.
۱۶. بختیار نصرآبادی، آمنه، پورجعفر، محمدرضا و تقوایی، علی اکبر. (۱۳۹۴)، «تحلیلی بر نقش زیباشناسانه هندسه در شکل گیری فضای شهری چهارباغ عباسی»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات شهری، شماره ۱۷.
۱۷. بهرامی، مهدی. (۱۳۹۴)، «رابطه زیبایی شناسی و متافیزیک از نظر فارابی»، فصلنامه علمی پژوهشی کیمیای هنر، شماره ۱۴.
۱۸. بولخاری، حسن. (۱۳۸۷)، آشنایی با فلسفه هنر، چاپ دوم، تهران: انتشارات سوره مهر.
۱۹. بهلولی فوسخودی، محسن. (۱۳۸۸)، «منتقدان واقعی معیار قضاوت زیبایی شناسی از دیدگاه هیوم»، فصلنامه فلسفه و کلام، شماره ۴۰.
۲۰. پاکزاد، جهانشاه. (۱۳۹۱)، مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری، چاپ پنجم، تهران: انتشارات شهیدی.
۲۱. پاکزاد، جهانشاه و بزرگ، حمید. (۱۳۹۵)، الفبای روانشناسی محیط برای طراحان، چاپ چهارم، تهران: انتشارات آرمان شهر.
۲۲. پیرنیا، کریم. (۱۳۹۶)، آشنایی با معماری اسلامی ایران، چاپ ششم، تهران: انتشارات غلامحسین معماریان.
۲۳. پورجعفر، محمدرضا، تقوایی، علی اکبر، آزاد فلاح، پرویز و صادقی، علیرضا. (۱۳۹۳)، «بازخوانی ابعاد زیبایی شناسی محیطی فرم شهر؛ مورد پژوهی: استخوان بندی اصلی شهر تاریخی اصفهان»، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۱۵.
۲۴. تیموری، محمود. (۱۳۸۴)، «نقدی بر زیبایی شناسی شوان»، دو فصلنامه باغ نظر، شماره ۳.
۲۵. توسلی، محمود. (۱۳۶۵)، اصول و روش های طراحی شهر و فضاهای مسکونی در ایران، جلد دوم، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.
۲۶. جعفری، محمد تقی. (۱۳۹۲)، زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام، چاپ هفتم، تهران: موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
۲۷. حبیبی، سید محسن. (۱۳۹۱)، از شار تا شهر، تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۸. حبیبی، محسن،، تحصیلدار، مهدی و پور محمد رضا، نوید. (۱۳۹۵)، «شرحی بر اصول و قواعد شهرسازی بومی در ارتباط با نظریه های معاصر شهرسازی، فصلنامه مسکن و محیط روستا»، شماره ۱۳۵.
۲۹. خرقانی، حسن. (۱۳۹۰)، دیدگاه علامه طباطبایی در حوزه زیبایی شناسی و اخلاق، فصلنامه پژوهش های قرآنی، شماره ۶۸.
۳۰. خرقانی، حسن. (۱۳۸۷)، «مفاهیم زیبایی شناختی در قرآن»، فصلنامه مطالعات اسلامی، شماره ۸۰.
۳۱. پورتئوس، داگلاس. (۱۳۹۱)، «زیبایی شناسی محیط زیست و معماری منظر»، ترجمه‌ی لیلا آقاداتاشی و مرتضی صدیق، چاپ اول، تهران: چاپ سبز آرنک.
۳۲. رزاقی اصل، سینا و حسن ولی، آذین. (۱۳۹۲)، «بازشناسی نقش آموزش زیبایی شناسی محیط زیست در ارتقاء پایداری زیست محیطی مکان»، دومین همایش ملی معماری پایدار و توسعه شهری، بوکان.
۳۳. زیاری، رضا، زیاری، کرامت الله، زیاری، سمیه و عبدلی، محمدرضا. (۱۳۹۳)، «بررسی تطبیقی تکوین و گسترش مکتب اصفهان و سبک تهران در فضای شهری». نقش جهان، شماره ۱.
۳۴. سعادت‌نخست، مهدی. (۱۳۹۶)، «ارزیابی انتقادی گرایش به معماری غرب در کاخهای دوره قاجار»، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۴۶.
۳۵. شهابی نژاد، علی، ابویی، رضا، محمود، قلعه نویی و فرهنگ مظفر. (۱۳۹۳)، «مقیاس انسانی در میدان نقش جهان اصفهان»، دوفصلنامه مرمت و معماری ایران، شماره ۱۸.
۳۶. شمس اسفندآباد، حسن. (۱۳۹۳)، روان شناسی محیط، چاپ اول، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
۳۷. صارمی، علی اکبر و رادمرد، تقی. (۱۳۷۶)، ارزش های پایدار در معماری ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.

۳۸. ضمیران، محمد و بازوکی، شهرام. (۱۳۸۳)، «کانت و زیبایی‌شناسی مدرن»، کتاب ادبیات و فلسفه، شماره ۸۵ و ۸۶.
۳۹. غفاری، ابولحسن. (۱۳۹۴)، «زیبایی‌شناسی و هنر افلاطون»، فصلنامه علمی پژوهشی قبسات، شماره ۷۸.
۴۰. قائمی‌فر، شقایق. (۱۳۹۵)، «الگوی زیبایی‌شناسی در معماری بر اساس دیدگاه اندیشمندان اسلامی»، ماهنامه شباک، شماره ۶.
۴۱. کریمی مشاور، مهرداد. (۱۳۹۲)، «رویکردها و روش‌ها در زیبایی‌شناسی شهری»، فصلنامه باغ نظر، شماره ۲۴.
۴۲. گروتز، یورک. (۱۳۹۰)، زیبایی‌شناسی در معماری، ترجمه‌ی جهان‌شاه پاکزاد، چاپ هفتم، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۴۳. گات، بریس، دومینیک مک آیور لوییس. (۱۳۸۴)، دانشنامه زیبایی‌شناسی، ترجمه‌ی منوچهر صانعی، میرعلی نجومیان، شیده احمد زاده، بابک محقق، فرهاد ساسانی، تهران: موسسه تالیف، ترجمه و نشر آثار هنری، متن.
۴۴. لنگ، جان. (۱۳۹۱)، آفرینش نظریه معماری (نقش علوم رفتاری در طراحی محیط)، ترجمه‌ی علیرضا عینی‌فر، چاپ ششم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۴۵. مارکوزه، هربرت. (۱۳۸۶)، بعد زیباشناختی، ترجمه‌ی داریوش مهرجویی، چاپ اول، تهران: انتشارات اسپرک.
۴۶. مختاریان، علی. (۱۳۸۸)، «چشم‌انداز هنر و زیبایی‌شناسی در اندیشه و آراء شهید مطهری»، سوره اندیشه، شماره ۴۴.
۴۷. مطلبی، قاسم. (۱۳۸۸)، «روانشناسی محیطی دانشی نو در خدمت معماری و طراحی شهری»، هنرهای زیبا، شماره ۱۰.
۴۸. متولی، مسعود. (۱۳۸۹)، «بررسی و سنجش کیفیت زیبایی در منظر شهری بر اساس مفهوم دیدهای متوالی، نمونه موردی: مسیر گردشگری دارآباد تهران»، دو فصلنامه آرمان‌شهر، شماره ۵.
۴۹. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۴)، زیبایی‌شناسی دینی (۱). تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات هنری.
۵۰. ناظر، زینب، بلالی اسکویی، آذیتا و کی‌نژادریا، محمدعلی. (۱۳۹۴)، بازشناسی مفهوم شفافیت در معماری سنتی و معاصر ایران. همایش ملی معماری و شهرسازی بومی ایران، یزد.
۵۱. نقره‌کار، عبدالحمید. (۱۳۹۴)، برداشتی از حکمت اسلامی در هنر و معماری، چاپ اول، تهران: انتشارات کتاب فکر نو.
۵۲. نیوتون، اریک. (۱۳۸۶)، معنی زیبایی، ترجمه‌ی پروین مرزبان، چاپ ششم، تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
۵۳. لیزرف، دیمشیتز، مایاسنیکف، روماننکو، سیلایف، استاخف، دریموف، اوزبانیکف، ساچکوف، مؤژیناگان. (۱۳۵۲)، زیبایی‌شناسی نوین (ده مقاله)، ترجمه‌ی مهدی پرتوی، چاپ اول، تهران: چاپخانه سپر تهران با همکاری موسسه انتشارات امیرکبیر.
۵۴. نقی‌زاده، محمد. (۱۳۹۳)، شهر زیبا، مبانی، عوامل، معیارها، چاپ اول، اصفهان: انتشارات سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
۵۵. نقی‌زاده، محمد. (۱۳۸۶)، ادراک زیبایی و هویت شهر (درپرتو تفکر اسلامی)، چاپ اول، اصفهان: انتشارات سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
۵۶. ویتیک، آرنولد. (۱۳۸۶)، «مبانی زیبایی‌شناسی در محیط شهری»، ترجمه‌ی جواد مهدیزاده، دو فصلنامه جستارهای شهرسازی، شماره ۱۷ و ۱۸.
۵۷. ووادیسوف، تاتارکیویچ. (۱۳۹۰)، «زیبایی‌شناسی افلاطون»، ترجمه سید جواد فندرسکی، فصلنامه فلسفه و کلام، اطلاعات حکمت و معرفت، شماره ۶۴.
۵۸. ووادیسوف، تاتارکیویچ. (۱۳۹۱)، «زیباشناسی فیچینو و آکادمی فلورانس»، ترجمه سیدجواد فندرسکی، فصلنامه فلسفه و کلام، اطلاعات حکمت و معرفت، شماره ۱۱.
۵۹. وحیدی، طاهر، فاروقی، سید محمدرضا و مهدی تبار، نگار. (۱۳۹۳)، کوششی برای استخراج عوامل وحدت‌بخش معماری با بهره‌گیری از عناصر تأثیرگذار معماری اسلامی، ششمین کنفرانس ملی برنامه ریزی و مدیریت شهری با تأکید بر مؤلفه‌ی شهر اسلامی، مشهد.
۶۰. هاشم نژاد، حسین و نعمتی، سید جواد. (۱۳۹۰)، زیبایی‌شناسی در فلسفه‌ی صدرالمآلهین، دو فصلنامه علمی پژوهشی فلسفه، شماره ۲.
۶۱. هاشم‌نژاد، حسین. (۱۳۹۲)، زیبایی‌شناسی در آثار ابن‌سینا، شیخ اشراق و صدرالمآلهین، چاپ اول، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۶۲. یوسفیان، جواد. (۱۳۷۹)، «نگاهی به مفهوم زیبایی‌شناسی»، نشریه علمی پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، شماره ۱۷۷.
۶۳. واردی، زرین. (۱۳۸۶)، «زیبایی‌شناسی شیخ الرئیس (نگاهی به زیبایی‌شناسی در آرای ابن‌سینا)»، فصلنامه فلسفه و کلام، اطلاعات حکمت و معرفت، شماره ۱۷.
64. Ataov, A. (1998), Environmental aesthetics. Journal of Planning Literature, 13(2), 239-257.
65. Bell, S. (2005), Elements of Visual Design in the Landscape. USA and Canada, Spon Press.
66. Cowan, R., & Rogers, L. (2005), The dictionary of urbanism, انتشارات آذرخش، چاپ پنجم تهران.

67. Gilboa, S., & Rafaeli, A. (2003), Store environment, emotions and approach behaviour: applying environmental aesthetics to retailing. *The International Review of Retail, Distribution and Consumer Research*, 13(2), 195-211.
68. Danaci, H. M. (2015), Aesthetics in Cultural Landscape and Architectural Education. *Procedia-Soc. Behav. Sci*, 191, 190-195.
69. Danaci, H. M. (2012), Architectural education and environmental aesthetics. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 51, 878-882.
70. Isaacs, A. J. (2008), *Self-Organizing Architecture: Design Through Form Finding Methods* (Doctoral dissertation, Georgia Institute of Technology).
71. Waistell, J. (2016), Can environmental aesthetics promote corporate sustainability. *Organization & Environment*, 29(2), 175-193.
72. Gawel, J. E. (1996), Herzberg's theory of motivation and Maslow's hierarchy of needs. *Practical Assessment, Research, and Evaluation*, 5(1), 11.
73. Nasar, J. L. (Ed.). (1992), *Environmental aesthetics: Theory, research, and application*. Cambridge University Press. M.I.T. Press.
74. Uzunoglu, S. S. (2012), Aesthetics and Architectural Education. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 51, 90-98

شهرسازی مشارکتی با تاکید بر نقش کودکان در فرآیند برنامه ریزی و طراحی شهری در دوران کرونا

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۱

کد مقاله: ۲۳۳۱۰

غلامرضا مختاری اصل^{۱*}، مریم حافظی فر^۲، زهرا نصرتی^۳

چکیده

تلاش برنامه ریزان و محققان حوزه کودک در دخیل کردن هرچه بیشتر کودکان در فرآیند برنامه ریزی شهری است. بی شک مشارکت کودکان ابتدا نیازمند درک کاملی از مفاهیم مربوط به کودک، حقوق، مزایا و چالش های مشارکت با کودکان است. همچنین بررسی روش های مشارکت دادن کودکان در دوران قبل و بعد کرونا و ارزیابی معایب و مزایای آن، جزو لازمه های این پژوهش می باشد. از آنجایی که کودکان ویژگی های جسمی، روحی و شخصیتی منحصر به خود را دارند، فرایند مشارکت آنان نیز متناسب با جایگاهشان در جامعه تعریف می شود. در این راستا هدف پیدا کردن روش های جدید برای مشارکت کودکان در دوران کرونا می باشد و این سؤال پیش می آید که با توجه به معایب و مزایای روش های نوین دوران کرونا، از چه متدهایی برای نتیجه گیری مناسب تر می توان استفاده کرد؟ این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه ای و اسنادی به شناسایی عوامل و فاکتورهای کالبدی - فضایی تأثیرگذار در ایجاد مشارکت کودکان در فضاهای شهری دوستدار کودک در دوران قبل و بعد کرونا پرداخته و نهایتاً راهکارها و الگوهای مشارکت کودکان در فرایند برنامه ریزی و طراحی در شرایط مختلف کرونا را پیشنهاد می دهد.

واژگان کلیدی: مشارکت، برنامه ریزی شهری، مشارکت کودکان، شهر دوستدار کودک، کرونا

۱- دانشجوی ارشد طراحی شهری، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران (نویسنده مسئول)
reza_mokhtariasl@yahoo.com

۲- استادیار گروه معماری، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

۳- دانشجوی ارشد طراحی شهری، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

۱- مقدمه

اگر در فرایند برنامه‌ریزی شهرها کودکان هم مدنظر قرار گیرند، شهرها می‌توانند از نظر اجتماعی و محیط زیست عرصه‌هایی پایدارتر و زیست پذیرتر باشند (رفعیان و همکاران، ۱۳۹۰: ۲). برنامه‌ریزی شهری هنگامی به معنای واقعی به اهداف شهر مطلوب نایل میشود که خواسته‌ها و نیازهای تمام شهروندان با توجه به اقتضای سنی مورد توجه قرار گیرد. شهر مورد علاقه کودکان، شهر مورد علاقه مردم نیز است به طوری که شهروندان خود چه جوان و چه پیر را به شرکت در خدمات و طراحی شهری تشویق کند. (کیانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۳) نظریه‌های برنامه‌ریزی در جهان امروز بیش از گذشته به مشارکت و انسانی شدن طرح‌ها تأکید می‌کند. مشارکت یکی از الزامات زندگی شهری است و هنگامی تحقق می‌یابد که شهروندان هر کدام به نوبه خود احساس مسئولیت کنند و از حالت یک شهروند عادی به یک شهروند مسئولیت‌پذیر و مشارکت‌پذیر تبدیل گردند. بررسی و تحلیل موضوع مشارکت مردم در فرایند شهرسازی ضرورت انکار ناپذیر یافته و شهرسازی مشارکتی به مقوله‌ای مهم و با ارزش تبدیل شده است. شهرسازی مشارکتی پیشنهادی است برای نهادینه کردن حضور شهروندان در تصمیم‌گیری‌های شهری که امروزه دموکراسی مشارکتی - محلی‌گرایی، شهرسازی مشارکتی کمک خواستن از شهروندان برای اجرای طرح‌های شهری و دخالت دادن آنها در تصمیم‌گیری‌ها جایگزین برنامه‌ریزی متمرکز شده است و مردم تا حدود زیادی جایگاه خویش را یافته‌اند (خادم‌الحسینی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲) امروزه با گسترش توجه به حقوق کودکان، جوامع بین‌المللی تلاش می‌کنند جایگاه قانونی برای رعایت حقوق این شهروندان کوچک فراهم شود. به این سبب زمینه برای تجلی حضور آنان در قوانین، مقررات و حقوق شهری ایجاد شده است. در مصوبات بین‌المللی و داخلی علاوه بر توجه به تأمین نیازهای اولیه و نیاز کودکان به بازی، بر اهمیت مشارکت کودکان در سهیم ساختن آنان در فرایند مکان‌سازی تأکید شده است. این بستر فراهم شده از جوامع به ویژه قشر تأثیرگذار در برنامه‌ریزی و تصمیم‌سازی‌های شهری انتظار دارد که نظر کودکان را در فرایند مشارکتی طراحی فضای شهری اجرا کنند (عزتیان، ۱۳۹۶: ۲) تلاش برای چگونگی به اشتراک گذاشتن دانش طراحان و کودکان می‌توان منجر به مشارکت معنی‌دار و تأثیرگذارتری از کودکان در برنامه‌ریزی و فرایند طراحی شهری و در نهایت رفاه آنها می‌شود. چنین برنامه‌هایی به کودکان و نوجوانان کمک می‌کنند تا با دولت محلی و جامعه برای توسعه شایستگی فضایی و اعتماد به نفس ارتباط برقرار کنند. آنچه کمتر کسی پیش بینی کرده بود حضور مهمان ناخوانده‌ای بنام کرونا بود، ویروس ناشناخته‌ای که نه تنها کودکان، که با نفوذترین و قدرتمندترین سیاستمداران و رهبران روزگار را نیز در چهار دیواری خانه‌ها حبس کرده است. حالا دیگر افراد نه تنها برای به اشتراک گذاشتن عقایدشان و سهیم شدن در تصمیم‌گیری‌ها که حتی برای فعالیت‌های روزمره نیز از یکدیگر فاصله گرفته‌اند. عدم حضور فیزیکی و اجتماعی شهروندان بخصوص اقشار آسیب پذیرتر مانند کودکان این پرسش را مطرح می‌کند که در نبود ابزارهای مشارکت چهره به چهره و حضوری، صدای کودکان در تصمیماتی که بر سرنوشتشان موثر است چگونه باید شنیده شود. علاوه بر اینکه نه تنها مشارکت کودک، که سلامت جسمی و روانی او نیز در این دوران در معرض تهدید قرار دارد. (منوچهری، ۱۳۹۹: ۱)

۲- مبانی نظری

۲-۱- برنامه‌ریزی و طراحی شهری مشارکتی

۲-۱-۱- مفهوم مشارکت

مشارکت کردن به معنای سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن و یا در گروهی شرکت جستن و بنابراین با آن همکاری داشتن است. به همین جهت، از دیدگاه جامعه‌شناسی، باید بین مشارکت به عنوان امر شرکت کردن و مشارکت به عنوان عمل و تعهد (عمل مشارکت) تبعیض قائل شد. مشارکت در معنای اول از تعلق به گروهی خاص و داشتن سهمی در هستی آن خبر می‌دهد و در معنای دوم داشتن شرکتی فعالانه در گروه را می‌رساند و به فعالیت اجتماعی انجام شده نظر دارد. ساموئل پل اهداف زیر را برای مشارکت بر می‌شمارد:

- مشارکت در هزینه‌های طرح (پرداخت پول، انجام دادن کار یا ارائه کالا)؛
 - افزایش کارایی و اثربخشی طرح (ارائه مشاوره و دخالت در اجرای آن)؛
 - توانمندسازی بهره‌برداران از طریق آموزش‌های رسمی و غیر رسمی و فعالیت‌های آگاهی بخش (همانند گروه‌هایی که به اتکای خود خانه‌سازی می‌کنند)؛
 - افزایش اختیار (تسلط بخش‌های محروم جامعه بر منابع و تصمیماتی که بر زندگی‌شان تأثیر می‌گذارد).
- با عنایت به نظریات مدرن در توسعه، مشارکت را می‌توان این گونه تعریف نمود: مشارکت، فرایندی است مبتنی بر خرد جمعی و رفتاری است آگاهانه و داوطلبانه که «شرکت همه افراد ذینفع در همه ابعاد برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری، مدیریت، اجرا، ارزیابی و کنترل، تقسیم منافع و سود برای رسیدن به هدف را در بر می‌گیرد». این پنج بعد علاوه بر آن که چارچوب مفهومی مشارکت را روشن می‌سازد، معیاری برای سنجش و تمایز مشارکت واقعی از مشارکت نمادین، مشارکت غیر واقعی، مشارکت ناقص و مشارکت فریب کارانه است (رحمانی، ۱۳۹۲: ۱۴۱).

جیمز میجلی بر مبنای پاسخ دولت‌ها به مشارکت، آن را به چهار نوع تقسیم می‌کند:

- روش ضد مشارکتی: طرفداران این طرز تفکر معتقد به سرکوب مشارکت توده‌ها هستند. حکومت‌ها اجازه مداخله و مشارکت همگانی در تدوین سیاست‌ها را که ممکن است با اهداف کلان اجتماعی و اقتصادی آنها تعارض پیدا کند، نمی‌دهند.
 - روش مشارکت هدایت شده: دولت از مشارکت اجتماعات محلی با انگیزه‌های پنهانی، حمایت می‌کند. مشارکت اجتماعات محلی، به منظور کنترل سیاسی، اجتماعی، با علم به این که مشارکت، اجرای طرح را تسهیل می‌کند، به کار می‌رود.
 - روش مشارکت فزاینده: در این شیوه، دولت در برخورد با مشارکت، به شکلی دو گانه عمل می‌کند؛ به این ترتیب که در موضع‌گیری‌های رسمی از آن حمایت می‌کند، اما عملاً در مسیر تحقق پیشنهادهای مشارکتی اقدام مؤثری انجام نمی‌دهد.
 - روش مشارکت واقعی: در این شیوه دولت کاملاً از مشارکت اجتماعی حمایت می‌کند و از طریق ایجاد ساز و کارهایی برای ورود مؤثر اجتماعات محلی در تمامی زمینه‌ها، تلاش می‌کند. در این شیوه مشارکتی، دولت علاوه بر ایجاد نهادهای اصیل محلی، متعهد به فعالیتهای مشارکتی از طریق آموزش و تقویت اجتماعات محلی، تدارک مواد و دیگر اشکال کمک و نیز ایجاد هماهنگی در تصمیمات مرکزی، منطقه‌ای و محلی می‌باشد. (از کیا و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۶۴)
- اسکات دیویدسون سطوح چهارگانه‌ای برای مشارکت در نظر دارد: (۱) اطلاع‌رسانی (۲) مشاوره (۳) مشارکت (۴) توانمندسازی (شریفیان‌نایی، ۱۳۸۰: ۴۷). در اسکال در اثر خود با عنوان شهرهایی بهتر همراه با کودکان و نوجوانان (راهنمایی برای مشارکت) که توسط یونسکو به چاپ رسیده، مباحثی در رابطه با مشارکت و انواع آن طرح می‌کند. وی معتقد است، مشارکت بر سه اعتقاد ذیل مبتنی است: الف) توسعه، در وهله اول و پیش از همه، باید به نفع ساکنان محلی باشد؛ ب) مردمی که در محدوده‌ی مورد برنامه‌ریزی زندگی می‌کنند، دقیق‌ترین اطلاعات را درباره آن محدوده و موضوعات مرتبط با آن دارند؛ ج) مردمی که بیشترین تأثیرات را از تصمیمات می‌پذیرند، سهم بیشتری برای مشارکت در روند تصمیم‌گیری دارند (Driskel, 2002: 32).

۲-۱-۲- معیارهای اصلی شهرسازی مشارکتی

- شهرسازی مشارکتی را چنین تعریف می‌کنند: مجموعه‌ای از فرآیندهایی که از طریق آن گروه‌ها و تمایلات متنوع با هم تعامل می‌کنند، تا برای تهیه یک برنامه و نحوه انجام آن به توافق برسند. برخی از معیارهای اصلی در شهرسازی مشارکتی عبارتند از:
- نیت اصلی و واقعی برنامه‌ریزان: مشارکت واقعی وقتی میسر است که برنامه‌ریزان و مدیران اعتقاد درونی و جدی به مشارکت شهروندان داشته باشند.
 - دامنه مشارکت: با اختیار تصمیم‌گیری بیشتر به شهروندان، باعث نزدیکتر شدن به مشارکت واقعی خواهیم شد.
 - نگاه به مشارکت: اگر مشارکت خود فی نفسه هدف در نظر گرفته شود، به مشارکت واقعی نزدیک‌تر می‌شویم.
 - نظرخواهی از شهروندان: طرح‌های مشارکتی از نظر مشاوره با شهروندان نیز با هم متفاوت‌اند.
 - حق اعتراض به طرح: داشتن حق اعتراض به طرح به همراه سازو کار اعمال این اعتراضات در طرح به گونه‌ای که منافع عموم تأمین شود از ابزارهای مناسب برای سنجش میزان واقعی مشارکت مردم است.
 - نظارت شهروندان: هرچه مردم نظارت بیشتر و جامع‌تری از جانب مردم وجود داشته باشد به مشارکت واقعی نزدیک‌تر می‌شویم.
 - جریان اطلاعات: جهت جریان اطلاعات (یک سویه یا دو سویه بودن آن) و شدت این جریان عامل مهمی در تشخیص میزان و نوع مشارکت شمرده می‌شود.
 - پشتوانه فکری و فلسفی: مشارکت امری خلق‌الساعه نیست، هر یک از سطوح مشارکت مبتنی بر سنت‌های ریشه‌دار فلسفی و سیاسی است. از این نظر نیز می‌توان دسته‌های گوناگون مشارکت را از هم متمایز کرد (حبیبی و همکاران، ۱۳۸۵: ۵۶).

۲-۲- شهرسازی مشارکتی با تأکید بر نقش کودکان در فرآیند برنامه‌ریزی و طراحی شهری

۲-۲-۱- کودک

طبق تعریف فرهنگ فارسی معین، کودک به معنای کوچک، صغیر و فرزندى که به حد بلوغ نرسیده یا طفل آورده شده است (معین، محمد، ۱۳۶۲: ۳۱۱۷). طبق تعاریف حقوقی جمهوری اسلامی ایران، کودک به فردی اطلاق می‌شود که به سن بلوغ نرسیده باشد. قانون مدنی در تبصره یک ماده ۱۲۱۰ مصوبه ۱۳۶۰ مجلس شورای اسلامی، سن بلوغ را برای پسران ۱۵ سال و دختران ۹ سال قمری ذکر کرده است (منصور، ۱۳۷۷: ۳۱۲). کنوانسیون حقوق کودک که مفاد آن در سال ۱۳۶۸ (۱۹۸۹) به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده و مجلس شورای اسلامی ایران نیز در سال ۱۳۷۲ آن را پذیرفته است، در ماده یک خود اشاره به

آن دارد که کودک کسی است که دارای سنی کمتر از ۱۸ سال باشد، مگر آنکه طبق قانون اجرا در مورد کودک، سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود (یونیسف، ۱۳۷۶:۳). از نظر مرکز آمار ایران کودک به کسی گفته می‌شود که اجازه فعالیت شغلی نداشته باشد که در این تعریف سن کودک حداکثر ۱۵ سال تمام شمسی است (شیعه، ۱۳۸۵:۱۴).

با توجه به جنبه‌های رشد جسمی - حرکتی، شناختی، عاطفی، کودکان دارای ویژگی‌های زیر می‌باشند:

- تمایل به خود محوری و خودمرکزی دارند و اساساً هر چیز از دیدگاه و دریچه چشم خود می‌بینند.
 - تمایل به یادگیری از طریق اشیای واقعی و عینی و تجربه‌های دست اول دارند، زیرا توانایی تفکر انتزاعی و استدلال هنوز در آنان رشد نیافته است. بنابراین از طریق بازی و فعالیت به نحوه بهتری یاد می‌گیرند.
 - تأمل کوتاهی می‌کنند، یعنی توانایی برای تمرکز کردن و توجه به فعالیت‌ها را برای مدت طولانی ندارند. مدت زمان توجه آنان حدوداً ۷ تا ۱۵ دقیقه در هر دوره زمانی است که این زمان برای فعالیت‌های جسمانی و ذهنی مانند قصه‌گویی، ساختمان‌سازی، بازی با شن و مواردی از این قبیل متناسب است.
 - برای یادگیری، کنجکاو، خودجوش و مشتاق هستند و به امور تازه با علاقه پاسخ می‌دهند. هنوز به فعالیت‌های گروهی عادت ندارند بنابراین از فعالیت‌های گروهی کوچک بهره بیشتری می‌برند.
 - بدلیل نیاز درونی برای تحرک و فعالیت جسمی، نمی‌توانند به مدت طولانی ساکت و آرام بنشینند، از تکرار، به ویژه قصه و داستان و اشعار لذت می‌برند.
 - به طور طبیعی و با طیب خاطر به موسیقی و اشعار دارای وزن و قافیه پاسخ می‌دهند.
- البته گرچه ویژگی‌های مشترکی در هر گروه سنی وجود دارد، تفاوت‌های فردی در کودکان هم از نظر میزان رشد و هم قابلیت‌ها و توانایی‌هایشان وجود دارد (رحمانی، ۱۳۹۲:۴۶).

۲-۲-۲- حقوق کودک

حقوق کودک، در پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ میلادی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید. این عهدنامه که به "کنوانسیون حقوق کودک" معروف است تمامی دولت‌ها و مردم جهان را به ساختن دنیای بهتر برای کودکان تشویق می‌کند. در اوایل اسفند ۱۳۷۲ مجلس شورای اسلامی ملحق شدن جمهوری اسلامی ایران به این عهدنامه را تصویب کرد. اصول پایه‌ای حقوق کودک به طور خیلی خلاصه در این پیمان‌نامه به شرح زیر است:

- هیچ کودکی نباید از تبعیض رنج ببرد.
 - زمانی که در رابطه با کودکان تصمیم‌گیری می‌شود باید منافع عالیه آنها در راس قرار گیرد.
 - کودکان حق دارند آزادانه عقاید و نظرات خود را ابراز کنند و در تمام اموری که به آنان مربوط می‌شود نظرات ایشان باید مورد توجه قرار گیرد و لازم است ساز و کاری در زمینه نحوه مشارکت آنان در امور مرتبطشان طراحی نمود.
 - کودکان حق آزادی مذهب، آزادی تشکل و انجمن، حمایت در برابر سوءاستفاده، مراقبت‌های بهداشتی، استفاده از وسایل ارتباطی، آموزش و پرورش، بازی و اوقات فراغت، عدم حضور در جنگ، رسیدن به اعضای خانواده و در مجموع حق حیات و رشد دارند و هیچ کس نمی‌تواند مانع رشد و حیات سالم آنها گردد (سعیدی رضوانی، ۲).
- تامین حقوق کودکان، آنان را از تحریم حق خود و سرخوردگی‌های اجتماعی رها نموده و زمینه‌ساز ایجاد جامعه سالم آینده خواهد بود (Shieh, 2006:5). و نادیده گرفتن نیازهای کودکان در ساختن فضای شهری، منجر به حذف کودکان از مفهوم عموم مردم در لذت بردن از فضاهای باز برای انجام فعالیت‌هایشان شده است (Li L.H, 2005:305).

۲-۲-۳- شهر دوستدار کودک

"شهر دوستدار کودک"، شهری است که در آن بخش‌های مختلف جامعه متعهد می‌شوند تا استانداردهای لازم را برای زندگی شایسته کودکان در منطقه خود فراهم کنند. شهری که نیازها و علایق خاص این گروه‌ها را مدنظر قرار می‌دهد و کودکان به لحاظ ذهنی و روانی از زندگی در آن احساس آرامش می‌کنند. این احساس آرامش به ویژه با امنیت اجتماعی و ایمنی رابطه‌ی مستقیم دارد. از اهداف مهم پروژه‌های شهر دوستدار کودک می‌توان به ایجاد علاقه در کودکان برای پیگیری حقوقشان، تامین امنیت کودکان در مکان‌های مورد نیازشان، غلبه بر فقر و نابرابری، مشارکت دادن کودکان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به شهر، تمرین همکاری میان کودکان و بزرگسالان، تشویق بزرگسالان به حفظ و حمایت از کودکان، توسعه‌ی فضاهای تفریحی و... اشاره نمود (خوارزمی و همکاران، ۱۳۹۹:۴). شهر دوستدار کودک، به این معنی است که دولت‌مردان چگونه این شهرها را بر اساس علایق بچه‌ها اداره می‌کنند و نیز به شهرهایی گفته می‌شود که در آنها حقوق اساسی کودکان مانند سلامت، حمل و نقل، حمایت، آموزش و فرهنگ رعایت می‌شود (Wilks, 2010:27). براین اساس بچه‌ها به عنوان شهروندانی تعریف شده‌اند که حقوقی دارند و حق دارند نظراتشان را ابراز کنند. یک شهر دوستدار کودک تنها یک شهر خوب برای بچه‌ها نیست، بلکه شهری است که به وسیله

کودکان ساخته می‌شود (کیانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۲). از سوی یونیسف، ۹ مولفه اصلی تشکیل‌دهنده یک شهر دوستدار کودک عبارتست از:

۱. اطمینان از مشارکت کودکان
 ۲. برخورداری از نظام قانونی دوستدار کودک
 ۳. توسعه راهبرد جامع حقوق کودکان در شهر
 ۴. ایجاد واحدهای حقوق کودکان با برقراری سازوکار همکاری بین‌بخشی
 ۵. اجرای برنامه‌های ارزیابی و برآورد اثر طرح‌ها بر کودکان
 ۶. تخصیص بودجه مناسب برای کودکان
 ۷. ارایه منظم گزارش در مورد وضعیت کودکان شهر
 ۸. آگاهی بخشی در مورد حقوق کودکان در میان بزرگسالان و کودکان
 ۹. حمایت از فعالیت‌های گروه‌های مستقل در دفاع از حقوق کودکان (Riggio, 2002:46)
- آخرین دستاوردهای جهانی در این زمینه که در سال ۲۰۱۲ شبکه شهر دوستدار کودک اروپا اعلام شده عبارتند از راهبردی که تضمین مشارکت کودکان و جوانان را برای بهبود شرایط زندگی شهری بکند. (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۱: ۶)

جدول ۱- ویژگی‌ها و خصوصیات شهر دوستدار کودک (صفوی مقدم و همکاران، ۱۳۹۲: ۴)

ردیف	ویژگی‌ها و خصوصیات شهر دوستدار کودک
۱	کودک در تصمیمات مربوط به شهر تاثیرگذار است.
۲	تاثیر تصمیم‌گیری در مورد شهر و اظهار نظر خود، درباره آن.
۳	عقایدش را در مورد آنچه از شهر می‌خواهد بیان کند.
۴	شرکت در خانواده، جامعه و زندگی اجتماعی شامل رویدادهای فرهنگی و اجتماعی.
۵	دریافت خدمات اساسی؛ مانند مراقبت‌های بهداشتی و آموزش و پرورش و خدمات اجتماعی.
۶	دسترسی به آب آشامیدنی سالم و فاضلاب مناسب.
۷	در مقابل بهره‌جویی، خشونت و آزار محافظت شده است.
۸	با ایمنی در خیابان‌ها و با استقلال خودش راه می‌رود.
۹	از فضاهای سبز که در آن گیاه و حیوانات وجود دارد، بهره‌مند است.
۱۰	زندگی در محیطی سالم و عاری از آلودگی.
۱۱	ملاقات با دوستان و بازی با آنها.
۱۲	احساس تعلق و اتصال به اجتماع.

۲-۴- مشارکت کودکان

یکی از بهترین روش‌ها برای دستیابی به محیط‌های ساخته شده دوستدار کودک، این است که کودکان و نوجوانان خود در ساخت و برنامه‌ریزی شهر مشارکت داده شوند. بهتر این است که این کار با مشارکت کودکان و نوجوانان در برنامه‌های دولت و جامعه محلی شروع شود تا به تنظیم دستور کاری برای پیشرفت جامعه کمک کند. در کمترین حالت، کودکان و نوجوانان باید در توسعه و طراحی پروژه‌ها و تصمیم‌گیری جامعه شرکت داده شوند (کیانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۷) از آنجایی که کودکان ویژگی‌های جسمی، روحی و شخصیتی منحصر به خود را دارند. فرایند مشارکت آنان نیز متناسب با جایگاهشان در جامعه تعریف می‌شود. مشارکت کودکان عرصه‌ای است برای کودکان که بتوانند نظر خود را درباره محیط پیرامون ارائه کنند (Mansouri, 2011:5). مشارکت حق بنیادی شهروندی است و موجب رشد قابلیت‌های اجتماعی کودکان می‌گردد. مفهوم مشارکت کودکان ساز و کاری تشویقی برای دخالت دادن همه رده‌های سنی جامعه در فرایند توسعه شهری بود که به سبب سرعت گرفتن روند رشد در کشورهای در حال توسعه شکل گرفت. کودکان به عنوان عضوی از عموم جامعه در مسیر مشارکت عمومی در برنامه‌ریزی دارای دیدگاه‌ها و نیازهای متفاوتی از بزرگسالان می‌باشند که تاکنون چندان مورد توجه نبوده است. یکی از بهترین روش‌ها برای دستیابی به محیط‌های ساخته شده دوستدار کودک، برنامه‌ریزی مشارکتی پیشنهاد داده می‌شوند. (عابدی و همکاران، ۱۳۹۹: ۵). همیشه کودکان به چیزهایی که می‌سازند و اشیایی که به آن‌ها هدیه داده می‌شود علاقه می‌ورزند و آن را در ذهن می‌پروراند همانطور که الکساندر می‌گوید: قلعه‌ای که توسط کودکان و از کarten، سنگ و نیمکت‌های قدیمی ساخته شده، به اندازه یک قلعه کامل و مجهز برای آنان ارزش دارد (کریستوفر، ۱۳۸۸: ۱۸۹). تحقیقات انجام شده در خصوص مشارکت کودکان، فرایندی سه مرحله‌ای را پیشنهاد می‌نماید: فرایندی سه مرحله‌ای مشارکت کودکان:

۱. سطح ساختاری: این سطح به حقوق و موقعیت کودکان در جامعه و حمایت‌های قانونی از آنها و نیز به وظیفه مسئولین در قبال کودکان به عنوان شهروندان جامعه می‌پردازد. مشاوره مسئولین با کودکان خصیصه اصلی این سطح است.
 ۲. سطح شخصی: در این سطح هر کودک به عنوان یک شخص حقیقی با علایق و عقاید مشخص و ناظر زیرک محیط اطرافش مطرح است که اگر آزادی عمل داشته باشد، محقق نکته سنج و متفکری ماهر با فطرتی پاک است. بحث اصلی این سطح، زندگی زمان حال کودک است، نه زندگی آینده وی در دوران بزرگسالی است.
 ۳. سطح شخصی - ارتباطی: در این سطح واقعیت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی محیط‌های متفاوت زندگی کودکان مورد بحث است (Skivenes, 2006:13)
 ۴. جهت تسهیل مشارکت کودکان در فرآیند تصمیم‌گیری چهار مرحله ذیل پیشنهاد می‌گردد:
 ۵. کودکان باید فرصت تجسم بخشیدن به عقایدشان را داشته باشند. که لازمه این کار اطلاع از تصمیمات قبلی و داشتن اطلاعات شفاف و کافی برای تصمیم‌گیری و اطلاع از نتایج تصمیم است.
 ۶. کودکان باید فرصت بیان دیدگاه‌هایشان را در موقعیت‌های مختلف تصمیم‌گیری داشته باشند که این کار نیازمند روش‌ها و فنون متناسب با رشد سنی کودکان، نظیر نقشه ذهنی، نقاشی و بازی است.
 ۷. بحث‌های کودکان باید جدی گرفته شود و با ارزیابی صحیح و به کمک خود آنها دلایل رد یا قبول آن به طور مشخص توضیح داده شود.
 ۸. کودکان باید از نتایج تصمیم‌های اتخاذ شده مطلع شوند و همچنین فرصت کافی برای پرسش از نحوه حصول نتایج را نیز در اختیار داشته باشند (Mansouri, 2011:11)
- باید به بچه‌ها فرصت داد تا درباره محیط اطراف تصمیم‌گیری کنند. این موضوع نباید بعد از اینکه تصمیم گرفته شد صورت بگیرد، بلکه باید در حین تصمیم‌گیری بچه‌ها را دخالت داد. عوامل تاثیرگذار بر آن عبارت بودند از:
- بالا بردن آگاهی اجتماعی: برای تقویت احترام به حقوق بچه‌ها باید جامعه را آگاه کرد.
 - توجه به نیازهای بومی: در این طرح‌ها باید به نیازهای خاص بچه‌ها، خانواده‌ها و اجتماع توجه کرد.
 - توسعه استراتژی‌های شهری برای بچه‌ها: دولت و بخش‌های قانون‌گذار باید به نیازهای شهری بچه‌ها مانند تأمین ایمنی، و دوری از خشونت توجه خاصی داشته باشد.
 - بودجه‌های سازمانی بچه‌ها: دخیل کردن افراد و نهادهایی که می‌توانند در تأمین بودجه طرح‌ها را یاری برسانند.
 - تقویت مشارکت: بالا بردن انگیزه‌های تمامی گروه‌های ذینفع در بالا بردن و تقویت مشارکت همه.
 - ظرفیت‌سازی: بالا بردن امکانات و توانایی‌ها و توسعه بالقوه ظرفیت‌ها برای نسل‌های آتی بالا بردن دانش و آگاهی، کمک به معنادار نمودن روش‌های مشارکت (کامل نیا و همکاران، ۱۳۸۸: ۷) جدول شماره ۲ بیانگر پیش نیازهای تحقق مشارکت کودکان می‌باشد.

جدول ۲ - پیش نیازهای تحقق مشارکت کودکان از دیدگاه صاحب‌نظران مختلف (تابان و همکاران، ۱۳۹۸: ۴).

صاحب نظران	کتاب-مقاله - پایان نامه	پیش نیازهای مشارکت کودکان
Shiyani 2003	مقاله "مشارکت اجتماعی کودکان"	آگاهی و شناخت
		ارزشهای دموکراتیک در بردارنده
		توانایی‌ها و مهارت‌های اجتماعی
		خلاقیت و کارهای بزرگ
Susskind 2001	پایان نامه "مشارکت نوجوانان در توأمندسازی برنامه‌ریزی"	حمایت نهادها، توجه به آموزش، تعریف نقش کودکان، پذیرش جامعه برای فعالیت کودکان در تمام مسائل، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی.

صاحب نظران	کتاب-مقاله- پایان نامه	پیش نیازهای مشارکت کودکان
Chawala & heft 2002	مقاله "صلاحیت کودکان و محیط زیست جوامع: رویکرد عملی در ارزیابی مشارکت"	شرایط همگرایی
		شرایط ورود
		شرایط حمایت اجتماعی
		شرایط صلاحیت
Smith & Thomas 2010	کتاب "راهنمای مشارکت کودکان و نوجوانان: دیدگاه‌هایی از نظریه و عمل"	شرایط بازخوردها
		نیاز به تعاریف واضح، نیاز به بهبود مدیریت شهری، نیاز به مواجهه شدن با چالش‌های تحقق حقوق مشارکت کودکان، نیاز به شاخص به منظور سنجیدن میزان مشارکت.

۲-۵- ضرورت مشارکت

یونیسف همزمان با به اهتزاز در آوردن پرچم گزارش سالانه خود، بیانیه سال ۲۰۰۳ کودکان جهان را ابراز داشت :

« میلیون‌ها کودک احساس جدایی از نهادهای سیاسی و فقدان اعتماد به دولتهای خود می‌کنند. « مدیر اجرایی یونیسف در انگلستان دیوید بل می‌گوید : تحقیقات انجام شده در چهار کشور جهان طی سه سال اخیر بر اساس نمونه‌گیری از ۴۰۰۰۰ کودک نشان داد که میلیون‌ها کودک احساس تردید در مورد مفید بودن آرای خود به عنوان روشی برای بهبود زندگی خود می‌کنند و رهبران دولتی خود را به عنوان الگوی نقش نمی‌بینند. این مسئله یک سوگیری بسیار نگران کننده است، چیزی که رهبران سیاسی باید به آن توجه کافی نشان دهند. اگر که دنیای بزرگسالان حقیقتاً خواستار ایجاد دنیایی و آینده‌ای بهتر برای بشریت است، باید به کودکان امکانات و روش‌های بیشتری برای مشارکت در تصمیم‌گیری در مورد آینده‌شان داد. طبق گزارش یونیسف، تشریک مساعی کودکان برای آماده‌سازی آنها در مسئولیت‌پذیری آنها به عنوان افراد بزرگسال و ایجاد جوامع منسجم تر ضروری است. شکست در ارتقای مشارکت کودکان از سنین کودکی به معنای از دست دادن فرصت طلایی برای نهادینه کردن دموکراسی و ارزش‌های والای انسانی در سراسر جهان است. شکستی که موجب می‌شود، افراد جوان فاقد احساس توانمندی و تعلق به جامعه شوند و این مسئله موجب هزینه گزافی خواهد شد. دیوید بل نماینده ی یونیسف در انگلستان می‌گوید : کودکان فاقد توانایی برای ابراز وجود، تبادل نظر در مورد تفاوت و اختلاف نظریات، مسئولیت‌پذیری برای انتخاباتی که در زندگی می‌کنند، درگیر شدن در بحث و گفتگوهای سازنده و مثبت، احساس مسئولیت در مورد خود، خانواده و یا جامعه خود می‌شوند و به تبع آن جوامعی که این کودکان در آن بزرگ می‌شوند فاقد مداخلات در گفتمان مثبت و سازنده و اقدامات اجتماعی کارساز می‌گردند. (رحمانی، ۱۳۹۲: ۱۶۱).

- تقویت احساس تعلق خاطر به محیط زندگی‌شان و تقویت توجه و صرف انرژی و زمان آینده جامعه. از فوائد مشارکت کودکان و نوجوانان برای برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران می‌توان به موارد زیر نیز اشاره کرد:
- کمک به پیدا کردن شناخت نسبت به جامعه‌ای که به آن خدمت می‌کنند؛
 - کمک به اتخاذ بهتر تصمیمات و عملی‌تر بودن برنامه‌ریزی‌ها؛
 - ایجاد محیط‌های شهری کودک پسندتر و انسانی‌تر؛
 - کمک به تحقق‌یابی روح معاهده سازمان ملل در زمینه حقوق کودکان؛ (دریکسل، ۱۳۸۶: ۲۷).
 - تقویت استنباط و تصمیم‌گیری بزرگسالان در حقیقت تجربه کودکان و نوجوانان.
 - برطرف کردن لزوم فرضیات بزرگسالان در مورد اینکه کودکان و نوجوانان چه کسانی هستند، چه نیازهایی دارند و خواسته آنها چیست؟
 - به رسمیت شناختن حق کودکان برای مشارکت در برنامه‌های توسعه جامعه به عنوان شهروندان جامعه خود.
 - به رسمیت شناختن ارزش مشارکت کودکان و نوجوانان در توسعه جامعه.
 - کشف این موضوع که دانش و تجربه کودکان و نوجوانان از محیط اطراف خود متفاوت از دانش و تجربه بزرگسالان است (کیانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۸).
 - محیط ساخته شده تقریباً نیازهای کودکان و نوجوانان را بر طرف می‌کند.
 - کودکان سهم بیشتری از پروژه‌ها و محیط حاصله را دارند.
 - طراحان می‌دانند که چه چیزی در محیط کودکان بیشتر به چشم می‌آید و چرا (رحمانی، ۱۳۹۲: ۱۶۳).

۲-۷- موانع تحقق‌پذیری مشارکت در شهرهای دوستدار کودک

- هرچند سالهاست از توجه مسئولان شهری به مسائل اولیه و ابتدایی مشارکت شهروندان و بخصوص مشارکت کودکان در برنامه‌ریزی و طرح‌های شهری می‌گذرد اما این طرز تفکر برای کشور ما همچنان تفکر نوینی محسوب می‌شود و به جز در چند پروژه به نظر می‌آید این شیوه نگرش به مشارکت، چه به دلیل مشکلات فرهنگی یا ساختاری مدیریت شهری در ایران غریب است. از موانع دستیابی به مشارکت فعال در طرح‌های شهری ایران می‌توان مشکلات زیر را برشمرد (ارجمند نیا، ۱۳۸۰: ۲۸):
- موانع یا محدودیت‌های ساختاری: فقدان ساختارهای محلی یا نبود سازماندهی و زیرساخت‌های ارتباطی و ساختارهای بوروکراتیک که مشارکت را در قالب ازپیش تعیین شده در نظر می‌گیرد.
 - موانع فرهنگی یا محدودیت‌های فرهنگی- اجتماعی؛
 - موانع و محدودیت‌های نهادی؛
 - موانع و محدودیت‌های اقتصادی و مشکلات ناشی از آن؛
 - موانع سیاسی مشارکت؛
 - موانع ساختاری ناشی از نظام‌های برنامه‌ریزی؛
 - موانع و مشکلات ناشی از محرمانه و سری بودن برخی از برنامه‌ها؛
 - موانع ناشی از مفعول پنداشتن مشارکت کنندگان؛
 - عدم شناخت جایگاه سازمان‌های غیردولتی.

- شایان ذکر است که این موانع در خصوص مشارک فعال همه شهروندان در امور شهری مطرح است؛ حال آنکه برای رسیدن به مشارکت همه جانبه گروه‌های خاص (بخصوص کودکان) مشکلات دیگری نیز بر لیست فوق اضافه می‌شوند که علاوه بر موانع سازمانی بیشتر این مشکلات می‌تواند به مخاطبان طرح برگردد. مشکلاتی از قبیل:
- عدم اعتماد کافی مسئولان به گروه‌های سنی کودک و نوجوان و عدم حمایت مسئولان بالادست از برنامه‌های مشارکتی کودکان.
 - مسئولان اغلب خود را مسلط بر خواسته‌ها و نیازهای کودکان می‌دانند و تصمیم‌گیری در خصوص کودکان را با اعمال نظر خود انجام می‌دهند و نه با نیازها و خواسته‌های کودکان امروز.
 - فقدان فرهنگ مشارکت در جامعه و ناشناخته بودن ارزش‌های مشارکت برای کودکان و خانواده‌های ایشان.
 - افزایش هزینه‌ها اقتصادی ناشی از برنامه‌های مختلف مانند آموزش کودکان، گردآوری اطلاعات از کودکان و غیره؛ (گلستانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۶).

۸-۲-۲- روش‌ها و الگوهای مشارکت کودکان

از آنجایی که کودکان در سطح آگاهی و درک متفاوتی نسبت به بزرگسالان قرار دارند، ابزار ارتباط برقرارکردن با آنان نیز منحصر به خودشان است. این روش‌ها شامل مصاحبه با کودکان به صورت انفرادی و گروهی، نقاشی کشیدن، آثار دستی و کاردستی، عکسبرداری و فیلمبرداری به وسیله کودکان، ثبت جدول فعالیت‌های روزانه، کروکی و نقشه‌برداری از الگوی رفتار کودکان به وسیله شخص کودک و ناظر تعلیم‌دیده و ... است که می‌تواند در شناسایی منافع کودکان و بررسی مسائل موجود شهر راهنمای طراح باشد (Driskell, 2008:78) در بکسل در کتاب خود با عنوان "ایجاد شهرهای بهتر با کودکان و نوجوانان" روش‌های مشارکتی ارائه می‌دهد. این روش‌های پایه‌ای عبارتند از:

- مشاهده غیر رسمی و حضور یافتن در اجتماعات کوچک مردمی
- مصاحبه
- نقاشی کشیدن
- جداول فعالیت‌های روزانه
- خانواده و شبکه‌های حمایتی
- نقش بازی کردن، تئاتر و نمایش عروسکی
- گشت‌های هدایت شده
- عکس‌برداری توسط جوانان
- نقشه‌برداری از رفتارها
- پرسش‌نامه و پیمایش
- بحث‌های گروه‌های کانونی و گروه‌های کوچک
- کارگاه‌های آموزشی و رویدادهای اجتماعی

هر روش شامل موضوعات ذیل می‌باشد: «هدف»، «زمان مورد نیاز»، «ابزار مورد نیاز»، «حداکثر رساندن مشارکت جوانان» و «راهنمای فرایند»، (رحمانی، ۱۳۹۲: ۱۴۷).

جدول ۵ - الگوهای مشارکت کودکان در فضاهای شهری (Baharvand, 2014:322)

الگو	اهداف	راهکار
الگوی رومانتیک	کودکان به عنوان برنامه‌ریزان و آینده‌سازان	به کودکان به عنوان برنامه‌ریزانی نگریسته میشود که اغلب از بزرگسالان بهتر کار را به انجام می‌رسانند. مانند بهره‌گیری نیکلسن از این رویکرد در طراحی‌ها در دهه 21 میلادی
الگوی طراحی و کالتی	طراحی برای کودکان با توجه به علایق آن‌ها	شهروندان حق مشارکت در پروژه‌های شهری نداشته و متخصصان شهری به عنوان وکیل گروه‌های مختلف، طرح‌های خود را ارائه می‌دهند. مانند پروژه‌های برنامه‌ریزی شهری دهه ۲۱ میلادی
الگوی نیازها	علوم اجتماعی برای کودکان	ضرورت مشارکت کودکان در طراحی محیط پیرامون با استفاده از علوم روانشناسی محیطی مانند طراحی‌های لینچ
الگوی یادگیری	کودکان به عنوان یادگیرندگان	آموزش به کودکان از طریق مشارکت، به اندازه تغییرات کالبدی در شهرها اهمیت دارد. این روش اغلب منجر به آموزش و تغییرات اجتماعی، بدون اعمال تغییرات کالبدی می‌شود. مانند بهره‌گیری از این الگو در برنامه‌ریزی‌های آدامز و مور
الگوی حقوق‌گرا	کودکان به عنوان شهروندان	تأکید بر حقوق کودکان در شکل‌دهی به محیط به عنوان گروهی از شهروندان است. مانند پروژه‌های شورای شهر بچه‌ها و شهرهای دوستدار کودک اجرا شده توسط یونیسف
الگوی نهاده‌ساز	کودکان به عنوان بزرگسالان	از کودکان همانند بزرگسالان انتظار می‌رود رفتار کنند و در فرایند برنامه‌ریزی قدرت داشته باشند. مانند پروژه‌های توسعه شهری در کشورهای در حال توسعه
الگوی پیش‌برنده	مشارکت با کمک چشم‌انداز سازی	کودکان در طرحها مشارکت دارند ولی بزرگسالان نقش اصلی را ایفا می‌کنند. این الگو بازتاب رفتار فعلی ماست و مشارکت را به عنوان عملی آموزنده، اجتماعی و ارتباط دهنده می‌شناسد. سعی در یافتن راه‌های احیای دوباره ایده‌های دوران کودکی در جهت خلق مکان‌های کودک محور و با کمک خود کودکان دارد. از نکات مثبت این رویکرد، افزایش میزان مشاهده، کنترل و نظارت بر برنامه‌ها است و از نکات منفی آن، غیرقابل اجرا بودن در تمام شرایط و نیاز به انجام آموزش‌های لازم در این زمینه است.

۲-۲-۹- کودکان و کرونا

آنچه کمتر کسی پیش بینی کرده بود حضور مهمان ناخوانده‌ای بنام کرونا بود، ویروس ناشناخته‌ای که نه تنها کودکان، که با نفوذترین و قدرتمندترین سیاستمداران و رهبران روزگار را نیز در چهار دیواری خانه‌ها حبس کرده است. حالا دیگر افراد نه تنها برای به اشتراک گذاشتن عقایدشان و سهیم شدن در تصمیم‌گیری‌ها که حتی برای فعالیت‌های روزمره نیز از یکدیگر فاصله گرفته‌اند. عدم حضور فیزیکی و اجتماعی شهروندان بخصوص اقشار آسیب‌پذیرتر مانند کودکان این پرسش را مطرح می‌کند که در نبود ابزارهای مشارکت چهره به چهره و حضوری، صدای کودکان در تصمیماتی که بر سرنوشتشان موثر است چگونه باید شنیده شود. علاوه بر اینکه نه تنها مشارکت کودک، که سلامت جسمی و روانی او نیز در این دوران در معرض تهدید قرار دارد. کودکی که برای بهبود رشد فیزیکی، روانی و اجتماعی نیازمند حضور در فضاهای سبز و طبیعی، تحرک و بازی، مشارکت در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی، رفت و آمد و تحرک مستقل در شهر و ارتباطات اجتماعی در دایره دوستان و ملاقات با گروه‌های همسالان است اکنون تنها به کنج خانه که تنها مکان امن این روزها بشمار می‌رود پناه برده است. تمامی آنچه که به عنوان شاخص در شهر دوستدار کودک مطرح شده است. اگر تا دیروز در بسیاری از کشورهای در حال توسعه و حتی در برخی کشورهای توسعه یافته مساله مداخله کودک در تصمیم‌گیری‌ها به دلیل شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه موضوعی چالش برانگیز محسوب می‌شد امروز تنها به یک دلیل امری محال تلقی می‌گردد: حفظ سلامت عمومی جامعه. مساله حضور و یا عدم حضور کودکان در مدارس، تاثیرگذاری و یا عدم تاثیر پوشیدن ماسک، میزان موثر فاصله گذاری اجتماعی، دورکاری یا حضور در فضای کار با رعایت پروتکل‌های بهداشتی و مراحل مختلف قرنطینه همه و همه تنها به دنبال حفظ سلامت عمومی جامعه، به خصوص کودکان است. (منوچهری، ۱۳۹۹: ۲).

۲-۲-۱۰- روش‌های مشارکت کودکان در دوران کرونا

به حاشیه رانده شدن صدای کودکان در دوران کرونا، فضا را برای توجه بیشتر به مفهوم مشارکت الکترونیک یا دیجیتال و استفاده از ابزارهای مبتنی بر شبکه جهانی باز کرده است. استفاده از فن‌آوری پیش از این‌ها نیز در حوزه مشارکت کودک وارد شده بود. مثال‌هایی از قبیل استفاده از جی‌پی‌اسها در حوزه موضوعاتی چون رفت و آمد و تحرک مستقل کودکان در شهرها و در حد فاصل مدرسه تا خانه و یا استفاده از دستگاههای کامپیوتری سیار گواه این موضوع است. استفاده از سیستم اطلاعات مکانی مبتنی بر مشارکت عمومی است که در آن از نقشه‌ها برای بالا بردن اطلاعات عموم و گردآوری داده‌های مکانی استفاده می‌شود و یا استفاده از پلت فرم‌های نقشه گوگل برای داده‌های حمل و نقلی و میلمان شهری (Delitheou, 2019:5) از دیگر مثال‌های رویکرد دیجیتال در مشارکت کودکان است. اگر چه همگی اینها نیز تا حدودی به تحرک کودک در فضاهای شهری نیازمند است. (Jones, 2003:165) مساله پیوند میان دنیای فن‌آوری و کودکان تا جایی در عصر امروز اهمیت یافته است. مشارکت الکترونیک از عناصر مختلفی تشکیل می‌شود که سه راس اساسی آن "فرد"، "فن‌آوری" و "زیرساخت‌ها و موسسات دولتی" است. استفاده از مشارکت الکترونیک به طور معمول در تصمیم‌گیری‌های سیاسی کاربرد داشته است که شامل سیستم درخواست الکترونیک، رای‌گیری الکترونیک، سیستم مشاوره الکترونیک، سیستم اطلاعات جغرافیایی، ابزارهای مبتنی بر نقشه، پادکست‌ها، بلاگ‌ها، نظرسنجی‌های آنلاین، انجمن‌های مجازی، پنل‌های الکترونیک، مشاوره‌های مجازی، اتاق‌های گفتگوی مجازی و یک سیستم مشارکت ترکیبی است. این سیستم می‌تواند با شبکه‌های اجتماعی نظیر فیس‌بوک و توییتر همراه باشد. این ساختار کلی می‌تواند در دوران بحران که هنوز دسترسی به شبکه جهانی فعال است جایگاهی در عرصه تصمیم‌گیری‌های شهری نیز پیدا کند و کودکان جزوی از بازیگران اصلی آن باشند. در حقیقت می‌تواند راهی باشد برای شنیدن صدای کودکان در دورانی که امکان حضور فیزیکی آنها در روند برنامه‌ریزی وجود ندارد. میزان و نحوه استفاده از مشارکت آنلاین بنابر فرهنگ، زیرساخت، آموزش و قوانین و سیاست‌های هر کشور می‌تواند متغیر باشد (Yusuf, 2017:28). در مورد کودکان و نوجوانان، استفاده از این نوع مشارکت می‌تواند در قالب بازی‌های آنلاین نیز نمود پیدا کند. بازی‌های الکترونیک یک روش مشارکت آنلاین مبتنی بر بازی است که در سال‌های اخیر به عنوان یک ابزار تعاملی میان کودکان و دولت‌های محلی برای مشارکت کودک در پروژه‌های طرح‌ریزی شهری مورد توجه قرار گرفته است (Rexhepi, 2018:114) که به دلیل جاذبه‌های گرافیکی و استفاده از انیمیشن‌ها ابزارهایی بسیار کودک‌پسند هستند.

۲-۲-۱۱- معایب و مزایای روش‌های نوین مشارکت کودکان

حضور کودکان در فضای مجازی چه با اهداف آموزشی و چه با هدف مشارکت با چالش‌های فراوانی نیز روبرو است. در حالیکه بسیاری، درگیر شدن کودکان با تبلت‌ها، شبکه‌های مجازی و اپلیکیشن‌های گوناگون را برای سلامت کودکان مضر می‌دانند بسیاری با استناد به آمار مرگ و میر ناشی از این ویروس برای کودکان خطر این بیماری را برای کودکان مهم‌تر می‌پندارند و معتقدند که بسیاری از مشکلات مشارکت فیزیکی در مشارکت دیجیتال وجود ندارد. از آن جمله می‌توان به پنهان ماندن و عدم تاثیرگذاری ویژگی‌های روانی برخی کودکان مانند احساس خجالت و یا عدم اعتماد متقابل به محقق اشاره کرد. از سویی دیگر انتقاداتی نیز به این روش وارد است. یکی از نواقص روش‌های آنلاین جدایی و فاصله میان کودک به عنوان شرکت‌کننده، محقق و

فضای تحقیق است. اگرچه این مساله به توازن قدرت میان کودک شرکت کننده و محقق بزرگسال می‌انجامد اما ارتباط میان این دو عنصر تحقیق همواره تاثیر بسزایی در روند و نتایج تحقیقات کیفی داشته است. این مساله به خصوص در روش‌هایی مانند مصاحبه‌های گروهی با کودکان بیشتر نمود پیدا می‌کند. آنجا که کودکان در میان گروه‌های همسالان و دوستان خود آنچه در درون و ذهنشان می‌گذرد را به گونه‌ای متفاوت بیان می‌دارند. در حقیقت تاثیر حضور همسالان و کنش میان شرکت کنندگان در مصاحبه‌های گروهی همواره محرکی موثر است که تحقیق را به سمت بیشتر شنیده شدن نظرات کودکان سوق می‌دهد. این همان تاثیری است که در مصاحبه‌های فردی کمتر دیده می‌شود و بسیاری از حالات، رفتارها و زبان بدن کودکان که در میزان مشارکت و به تبع آن در نتایج تحقیقات مشارکتی موثر است در مشارکت آنلاین وجود نخواهد داشت. همچنین، مشارکت مجازی کودکان در تضاد با بسیاری از نظریات ساختارگرایی است. ساختارگراها معتقدند که فعالیت‌هایی نظیر نوشتن و یا صحبت کردن، این امکان را به کودک می‌دهد که از تجارب خود معنا خلق کند. در روش‌هایی مانند مصاحبه و یا نوشتن انشا، کودک در یک فرآیند مذاکره درونی اطلاعات جدیدی را درک و عرضه می‌کند و از عنصر زبان و دیالوگ برای به نظم درآوردن افکار و خلق معنا بهره می‌جوید. (Ardoin, 2016:263) مساله بعدی این است که استفاده از مشارکت آنلاین می‌تواند با اهداف عدالت اجتماعی در تضاد باشد. زیرا عدم توزیع عادلانه زیرساخت‌های موردنیاز برای اینگونه مشارکت از جمله دسترسی به اینترنت، کامپیوتر و تلفن‌های هوشمند برای تمامی اقشار جامعه به یک میزان ممکن نیست. لذا استفاده از این روش در کشورهای در حال توسعه منجر به تشدید و به حاشیه رانده شدن صدای بخش اعظمی از کودکان خواهد شد. همچنین علاوه بر موانع فنی، حقوقی، سیاسی و سازمانی مشارکت دیجیتال، بسیاری از دولت‌های محلی با مشکل کمبود نیروی متخصص در امر فن اوری و منابع مالی مرتبط با فن اوری روبرو هستند. موضوع چالش برانگیز بعدی نگرانی‌های والدین از مضرات اخلاقی ارتباط کودکان با اینترنت و دسترسی به محتوای نامناسب برخی شبکه‌ها و وبسایت‌ها است. این امر لزوم حضور تسهیل‌گران در کنار کودکان را مطرح می‌کند. (Danby, 2016:141) در نهایت می‌توان گفت در جوامعی که ساختار تصمیم‌گیری در آنها بر اساس شکلی از دموکراسی استوار است و یا داعیه حضور دموکراسی در جامعه را دارند مشارکت افراد امری لازم محسوب می‌شود و برای رسیدن به برنامه‌ریزی همه شمول و طرح‌های شهری که پاسخگوی نیاز تمامی اقشار جامعه باشد برنامه‌ریزان مستلزم گنجاندن نظرات تمامی شهروندانی هستند که گروه هدف برنامه‌ریزی قرار دارند از جمله کودکان. این امر با رعایت اصول و قوانین حاکم و نظارت بر آن در دوران بحران مانند شرایط کنونی می‌تواند با جایگزین کردن سیستم‌های سنتی با سیستم‌های مشارکتی دیجیتال صورت گیرد (منوچهری، ۱۳۹۹:۳).

۳- نتیجه‌گیری

با توجه به این نکته که برنامه‌ریزی مشارکتی بر اساس اقدامات خاص از قبیل آموزش، روش‌های مشارکتی، اطمینان از تصویب، عوامل فعال و نقش آنها در جهت مشارکت و ایجاد شناخت محلی و... انجام می‌شود، باید از شیوه‌های مشارکت واقعی در تمامی فرایندهای مشارکت تبعیت نمود و آن را در تمامی مراحل از جمله نیت اصلی و واقعی، دامنه مشارکت، نگاه به مشارکت، حق اعتراض به طرح، نظرخواهی از شهروندان و... بکار برد. طبق پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک، کودکان حق دارند آزادانه عقاید و نظرات خود را ابراز کنند و در تمام اموری که به آنها مربوط می‌شود، نظرات ایشان باید مورد توجه قرار گیرد و لازم است ساز و کاری در زمینه نحوه مشارکت آنان در امور مرتبطشان طراحی کرد. لذا تامین حقوق کودکان آن را از تحریم حق خود و سرخوردگی‌های اجتماعی رهانیده و زمینه‌ساز ایجاد جامعه سالم آینده خواهد بود و نادیده گرفتن نیازهای کودکان در ساختن فضای شهری، منجر به حذف کودکان از مفهوم عموم مردم در لذت بردن از فضاهای باز برای انجام فعالیت‌هایشان شده است. از اهداف مهم پروژه‌های شهر دوستدار کودک می‌توان به ایجاد علاقه در کودکان برای پیگیری حقوقشان، تامین امنیت کودکان در مکانهای مورد نیازشان، غلبه بر فقر و نابرابری، مشارکت دادن کودکان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به شهر، تمرین همکاری میان کودکان و بزرگسالان، تشویق بزرگسالان به حفظ و حمایت از کودکان، توسعه فضای تفریحی و... اشاره نمود. یک شهر دوستدار کودک تنها یک شهر خوب برای بچه‌ها نیست، بلکه شهری است که به وسیله کودکان ساخته می‌شود. از آنجایی که کودکان ویژگی‌های جسمی، روحی و شخصیتی منحصر به فرد خود را دارند، فرایند مشارکت آنان نیز متناسب با جایگاه ایشان در جامعه تعریف می‌شود. باید به بچه‌ها از طریق بالا بردن آگاهی اجتماعی، توجه به نیازهای بومی، توسعه استراتژی‌های شهری برای بچه‌ها، تقویت مشارکت، ظرفیت‌سازی و اختصاص بودجه‌های سازمانی، فرصت داد تا درباره محیط اطراف، در حین تصمیم‌گیری‌ها، مشارکت نمایند. تا باعث کمک به اتخاذ بهتر تصمیمات، ایجاد محیط‌های شهری کودک پسندتر، پیدا کردن شناخت نسبت به جامعه‌ای که به آن خدمت می‌کنند، به رسمیت شناختن حقوق کودکان برای مشارکت و ارزش آن و... اشاره نمود. در این راستا باید از موانع و مشکلاتی از قبیل محدودیت‌های ساختاری، فرهنگی- اجتماعی، نهادی، اقتصادی و مشکلات ناشی از آن، سیاسی، و همچنین عدم اعتماد کافی مسئولان به گروه سنی کودک نوجوان و عدم حمایت مسئولان بالادستی از برنامه‌های مشارکتی کودکان و همچنین افزایش هزینه‌های اقتصادی ناشی از برنامه‌های مختلف و آموزش کودکان و گردآوری اطلاعات جلوگیری نموده و مشکلات را مرتفع ساخت. لازم به ذکر است که با توجه به شرایط و محدودیت‌های دوران کرونا، اهداف، تعاریف، اصول، برنامه-ریزی، سیاست‌ها و الگوهای به کار رفته در اصول مشارکتی کودکان در فرایند برنامه‌ریزی مشارکتی کودکان در شهر دوستدار

منابع

کودک هیچ فرقی نسبت به دوران قبل کرونا نداشته و نباید این فرایند را به فراموشی سپرد. فرق شرایط دوران قبل و بعد کرونا، فقط در نوع روش‌های مشارکت دادن کودکان در فرایند برنامه‌ریزی است که در دوران قبل کرونا از روش‌هایی مانند مصاحبه، نقاشی، نقش بازی کردن، عکسبرداری، نقشه‌برداری از رفتارها، پرسشنامه و پیمایش و ... استفاده می‌شد که در دوان کرونا از روش‌های مشارکت الکترونیک دیجیتال با استفاده از ابزارهای مبتنی بر شبکه‌های جهانی، جی‌پی‌اس، رای‌گیری و مشاوره الکترونیکی، سیستم اطلاعات جغرافیایی، ابزارهای مبتنی بر نقشه و بازی‌های آنلاین می‌باشد. باید به این نکته توجه داشت که در شرایط دوران کرونا هم موانع و مشکلاتی از قبیل درگیر شدن کودکان با تبلت‌ها و شبکه‌های مجازی و اپلیکیشن‌ها، جدایی و فاصله میان کودک و محقق و فضای تحقیق، عدم تاثیر حضور همسالان و کنش میان شرکت‌کنندگان، تضاد با بسیاری از نظریات ساختارگرایی، تضاد با اهداف عدالت اجتماعی، کمبود نیروی متخصص در امر فناوری و منابع مالی و... وجود دارد. لذا برای دستیابی به مشارکت بیشتر و کارآمدتر در فرایند برنامه‌ریزی مشارکتی شهر دوستدار کودک در دوران کرونا، باید از روش‌های ترکیبی اشاره شده در دوران قبل و بعد از کرونا، به نحوه‌ای که در راستای همپوشانی مشکلات و موانع یکدیگر باشند، برای حصول نتیجه بهتر، استفاده نمود.

۱. ارجمند نیا، علی اصغر (۱۳۸۰). «راهبرد سازمان مشارکت یافته»، مدیریت شهری، شماره ۵، صص ۲۸.
۲. ازکیا مصطفی، غفاری غلامرضا (۱۳۸۳). «توسعه روستایی با تاکید بر جامعه روستایی ایران»، انتشارات نی تهران، صص ۱۶۴.
۳. تابان تراشکار سپیده، پرتوی پروین (۱۳۹۸). «مؤلفه‌های مؤثر بر مشارکت کودکان در فرآیند تهیه و اجرای طرح‌های توسعه محله ای مطالعه موردی: محله سرشور مشهد»، فصلنامه مطالعات شهری، صص ۳-۴.
۴. حبیبی محسن، سعیدی رضوانی هادی (۱۳۸۵). «شهرسازی مشارکتی تمایز مفهومی و ارزیابی تجربیات ایرانی»، فصلنامه صفا، شماره ۴۳، صص ۵۶.
۵. خادم الحسینی احمد، عارفی پور صفیه (۱۳۹۱). «شهرسازی مشارکتی و جایگاه مردم در برنامه ریزی شهری»، فصلنامه چشم انداز جغرافیایی، سال ۷، شماره ۱۹، صص ۲.
۶. خوارزمی امیدعلی، جوهری لیلیا، خوارزمی امیرعلی (۱۳۹۹). «ارزیابی شاخص‌های شهر دوستدار کودک در کلانشهر مشهد»، دوفصلنامه جغرافیای اجتماعی شهری، صص ۴.
۷. دریکسل، دیوید (۱۳۸۶). «ایجاد شهر های بهتر با کودکان و جوانان ترجمه مهنوش توکلی»، نشر دیبایه، تهران. صص ۲۷.
۸. رحمانی، مرضیه (۱۳۹۲). «طراحی مرکز دوستدار کودک شیراز»، پایان نامه دانشگاه هنر و معماری شیراز، صص ۴۶-۱۶۳.
۹. رفیعیان مجتبی، کریم‌زاده فروغ، خسروی سهیلا (۱۳۹۰). «شهر دوستدار کودک از ایده تا واقعیت: با نگاهی به گام‌های لندن در حرکت به سوی تحقق آرزوهای لندن دوستدار کودک»، نشریه آبادی، شماره ۳۶ سال ۲۳ ام، صص ۲.
۱۰. سعیدی رضوانی، نوید. «حق کودک بر شهر در شهر دوستدار دانش‌آموز»، صص ۲.
۱۱. شریفیان ثانی، مریم (۱۳۸۰). «مشارکت شهروندی حکمروایی شهری و مدیریت شهری»، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۸، صص ۴۷.
۱۲. شیعه‌اسماعیل (۱۳۸۵). «آماده‌سازی شهر برای کودکان نمونه موردی: تهران»، شهرداری تهران، موسسه نشر شهر، صص ۱۴.
۱۳. صفوی‌مقدم سیده مریم، نوغانی محسن، مظلوم خراسانی محمد (۱۳۹۲). «شهر دوستدار کودک و احساس شادی کودکان در شهر مشهد»، پنجمین کنفرانس برنامه‌ریزی مدیریت شهری، صص ۴.
۱۴. عابدی شیما، حنایی تکتم (۱۳۹۹). «تحلیل تأثیر نقش بازی در مشارکت پذیری کودکان در فضای شهری»، فصلنامه پژوهش‌های تربیتی، شماره ۴۰، صص ۵.
۱۵. عزتیان، شهره (۱۳۹۶). «عوامل و موانع مشارکت کودکان در تشکیل فضای شهری»، فصلنامه منظر، شماره ۳۹، صص ۲.
۱۶. کاشانی جو خشیار، هرزندی سارا، فتح‌العلومی ایل ناز (۱۳۹۲). «بررسی معیارهای طراحی مطلوب فضای شهری برای کودکان نمونه موردی: محله نظامیه تهران»، فصلنامه معماری و شهرسازی ارمانشهر، صص ۶-۷.
۱۷. کامل نیا حامد، حقیر سعید (۱۳۸۸). «الگوی طراحی فضای سبزدر شهر دوستدار کودک: فصلنامه باغ نظر، شماره ۱۲، صص ۷.
۱۸. کریستوفر، الکساندر (۱۳۸۸). «الگوهای استاندارد و معماری ترجمه فرشید حسینی»، نشر مهرآزان تهران، صص ۱۸۹.
۱۹. کلاتری عبدالحسین، و دیگران (۱۳۹۱). «عدالت در شهر، کودکان و خدمات شهری»، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، صص ۶.
۲۰. کیانی اکبر، اسماعیل زاده کواکی علی (۱۳۹۱). «تحلیل و برنامه ریزی شهر دوستدار کودک از دیدگاه کودکان مطالعه موردی: قوچان»، فصلنامه علمی پژوهشی باغ نظر، شماره ۲۰، صص ۳-۸.

۲۱. کیانی اکبر، اسماعیل زاده کواکی علی (۱۳۹۱). «کیفیت فضای باز شهری در تعامل با کودکان»، مطالعات شهرهای ایرانی اسلامی، شماره ۶، صص ۵۲.
۲۲. گلستانی نفیسه، کمالی محسن، روشن محبوبه (۱۳۹۵). «بررسی جایگاه و نقش مشارکت کودک در طراحی و برنامه ریزی شهرها با تاکید بر روانشناسی محیط کودکان»، نشریه مدیریت شهری و روستایی. صص ۱۶.
۲۳. معین، محمد (۱۳۶۲). «فرهنگ اسلامی»، چاپ پنجم، انتشارات امیرکبیر. صص ۳۱۱۷.
۲۴. منصور، جهانگیر (۱۳۷۷). «مجموعه قوانین با آخرین اصلاحات»، تهران. صص ۳۱۲.
۲۵. منوچهری، بهار (۱۳۹۹). «مشارکت کودکان در تصمیم‌گیری‌های شهری در دوران همه‌گیری کرونا». دانشگاه لاترب استرالیا، صص ۱-۵.
۲۶. یونیسف (۱۳۷۶). «پیمان‌نامه حقوق کودک»، چاپ اول، انتشارات سروش. صص ۳.
27. Ardoin, N. M., DiGiano, M., O'Connor, K., & Holthuis, N (2016). Using online narratives to explore participant experiences in a residential environmental education program. *Children's Geographies*. pp.263.
28. Baharvand, Sh. (2014) Investigating and Reviewing the Concept of Child-Friendly City from Child Participation to Design Standards, by Providing Executive and Strategic Solutions, *Journal of Urban Management*, No. 34. pp.332.
29. Danby, S., Davidson, C., Ekberg, S., Breathnach, H., & Thorpe, K. (2016) 'Let's see if you can see me': making connections with Google Earth™ in a preschool classroom. *Children's Geographies*. pp.141.
30. Delitheou, V., Bakogiannis, E., & Kyriakidis, C. (2019) Urban planning: integrating smart applications to promote community engagement. *Heliyon*. pp.5.
31. Driskel, D. (2002) Creating Better Cities With Chelderer and Youth (A manual for participation), unasco publishing and Earthscan publication ltd. pp.32.
32. Driskell, D. (2008) Creating Better Cities with Children and Youth: A Manual for Participation. Diba Publication. pp.78.
33. Jones, O. Williams, M., & Fleuriot, C. (2003). A new sense of place? Mobile wearable information and communications technology devices and the geographies of urban childhood. *Children's Geographies*. pp.165.
34. Li L.H. (2005) Value of stigma – impact of social housing on private neighborhood, *The Appraisal Journal*, Vol . pp.305.
35. Mansouri, A. (2011) Qara Biglou. The quality of urban open space in interaction with children, *Mino Art and Architecture, Iranian Islamic city studies*, winter. pp.5-11.
36. Rexhepi, A., Filiposka, S., & Trajkovik, V. (2018). Youth e-participation as a pillar of sustainable societies. *Journal of Cleaner Production*. pp.114.
37. Riggio, E. (2002) Child friendly cities. Good governance in the best interests of the child, *Journal of Environment & Urbanization*, 14 (2). pp.46.
38. Shieh E. (2006) Responsive urban Environment for children, case study, Tehran, *Shahr publication*. pp.5.
39. Skivenes, M. Strandbu, A. (2006) A child Per-spective and childrens participation. *Journal of Children Youth and Environment*. pp.13.
40. Wilks, Judith. (2010) Child-friendly cities: a place for active citizenship in geographical and environmental education, *International Research in Geographical and Environmental Education*, 19:1. pp.27.
41. Yusuf, M., Adams, C., & Dingley, K. (2017) Towards a Theory of e-Participation: An Actor-Network Theory (ANT) Perspective. Unpublished Ph. D. Thesis. UK [United Kingdom]. pp.28.

تحلیل شاخص های مسکن سالم در شهر مشهد

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۹

کد مقاله: ۶۸۵۷۶

حجت حاتمی نژاد^۱، اقبال آذری^{۲*}، فاطمه عطاران ثانی^۳

چکیده

مقوله مسکن، امروزه نه تنها به عنوان یک سرپناه، بلکه به عنوان هویت، امنیت و منبع سرمایه در بین ساکنان یک شهر مطرح است. نبود منابع کافی، ضعف مدیریت اقتصادی، نداشتن برنامه ریزی جامع مسکن و سایر نارسایی هایی که در زیرساخت های اقتصادی وجود دارد از یکسو و افزایش جمعیت شهرنشین از سویی دیگر تامین سرپناه در کشورهای در حال توسعه را به شکلی پیچیده و چند بعدی درآورد. برای دستیابی به برنامه ریزی مطلوب مسکن باید تمام جوانب وضع موجود مسکن و تسهیلات مربوط را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داد. شناسایی و تطبیق شاخص های مسکن موجود با شاخص های مسکن سالم در جهت تحقق سکونتگاه مطلوب امری مهم در توسعه مطلوب شهری به شمار می آید. پژوهش حاضر باتوجه به متغیرهای کمی و کیفی دارای ماهیت توصیفی تحلیلی می باشد و در دسته تحقیقات کاربردی توسعه ای قرار می گیرد. اطلاعات گردآوری شده در این پژوهش به روش اسنادی-کتابخانه ای می باشد و داده های مورد نیاز از طریق سرشماری های عمومی نفوس و مسکن، داده های مرکز آمار، آمارنامه ها و پایگاه داده های مکان مرجع استخراج گردیده است. جامعه آماری، مساکن و وضعیت شاخص های کمی و کیفی آن در شهر مشهد می باشد؛ که دارای ۳۳۷۲۶۶۰ نفر جمعیت، ۱۰۲۱۰۶۸ خانوار و در کل دارای ۱۰۱۵۳۳۳ واحد مسکونی می باشد؛ در پژوهش حاضر ابتدا شاخص های کمی و کیفی مسکن مورد نظر پژوهش انتخاب و سپس در محدوده مطالعاتی بررسی می شوند و در نهایت این شاخص ها با شاخص های مسکن سالم استاندارد مقایسه می گردند. شاخص های کمی و کیفی مسکن با بررسی منابع و مقالات موجود انتخاب شده است که ۹ شاخص به صورت کمی و ۳ شاخص به صورت کیفی مورد ارزیابی و مقایسه قرار گرفته اند. در این مقاله، سعی شده است تا به این پرسش که "وضعیت موجود مسکن در شهر مشهد به لحاظ شاخص های کمی و کیفی چگونه است؟" پاسخ داده شود و مقایسه ای با شاخص های مسکن سالم صورت گیرد. با توجه به نتایج حاصل از ارزیابی و مقایسه شاخص های کمی و کیفی مسکن، وضعیت شاخص های مسکن در شهر مشهد در حالت کلی نسبت به شاخص های مسکن سالم نامطلوب ارزیابی می گردد.

واژگان کلیدی: سرپناه، مسکن سالم، برنامه ریزی، شهرنشینی، شهر مشهد

۱- استادیار مدعو گروه معماری و شهرسازی موسسه آموزش عالی بینالود، طرقله، ایران
۲- دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت شهری، موسسه آموزش عالی بینالود، طرقله، ایران (نویسنده مسئول)
eghballazari80@gmail.com
۳- دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت شهری، موسسه آموزش عالی بینالود، طرقله، ایران

۱- مقدمه

امروزه روند رو به رشد شهرنشینی و افزایش جمعیت شهرها، تقاضا برای تصاحب مسکن را بیش از پیش افزایش داده است. به طوری که مسکن همواره مساله ای برای شهرهای جهان، علی الخصوص شهرهای کشورهای درحال توسعه بوده است (بزی و جواهری؛ ۱۳۹۰:۱۸۶). افزایش جمعیت بشر و گسترش مناطق مسکونی، به تغییر چشم اندازها و تحول سکونتگاه ها و تغییر محیط کمک می کند و بر زندگی گیاهان و جانوان و هم چنین اجزای غیرزنده زمین تاثیر می گذارد. مسکن نه تنها سرپناه و نشانی محل زندگی روزمره ما، بلکه، بزرگ ترین معامله مالی است که در طول عمر برای بسیاری از ما اتفاق افتاده است (بردی آنامرادنژاد، رحیم؛ ۱۳۹۴:۳۶). در واقع مسکن کالایی است که قابلیت جابه جایی و جایگزینی نداشته و دارای ارزش سرمایه ایست (کریمی بنه خلخال و همکاران؛ ۱۳۹۶:۱۰۰). مسکن، یک فرآیند و حاصل توسعه اشکال اولیه سرپناه است و با جنبه های مختلفی از زمینه ها اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مرتبط است (بردی آنامرادنژاد، رحیم؛ ۱۳۹۴:۳۶). در واقع مسکن و تامین سرپناه از ضروری ترین نیازهای بشر و جزو پرهزینه ترین و مشکل ترین آنها می باشد (کریمی بنه خلخال و همکاران؛ ۱۳۹۶:۱۰۰). مسکن یکی از حقوق اولیه انسانی بشمار می رود (رضازاده و اوتادی، ۱۳۸۷:۱۴۰)، که علاوه بر نیازهای مسکونی، نیاز زیستی سکونت، توسعه و تکامل خانوار، محرومیت را بیان می کند و از نخستین مسائلی است که بشر همواره با آن دست به گریبان بوده و برای دگرگونی و یافتن پاسخی مناسب و معقول برای آن تلاش کرده است (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۲:۲۲). لازم به ذکر است که نیازهای سکونی ارتباط تنگاتنگی با جمعیت، ابعاد و تحول خانوار دارد (بزی و جواهری؛ ۱۳۹۰:۱۸۶). اگرچه نوع مسکن به تبع شرایط اقلیمی، اجتماعی، نظام معیشتی، میزان تسلط انسان بر طبیعت و در اختیارگیری ابزار و تکنولوژی متفاوت بوده است ولی نیاز به مسکن در همه دوران ها و جوامع از نیازهای اساسی و هم سطح نیازهای خوراک و پوشاک بوده است (بردی آنامرادنژاد، رحیم؛ ۱۳۹۴:۳۷). نیاز به مسکن یکی از نخستین نیاز های محقق شده کالبدی انسان بوده اما امروزه تامین آن خصوصا در شهرهای بزرگ که از کمبود فضای توسعه و افزایش جمعیت رنج می برند به یک معضل جدی بدل شده است. نیاز به مسکن در گذشته های دورقابلی متفاوت داشته و بیشتر در حد نیاز به سرپناه بوده است. اما این نیاز امروزه دگرگون شده و شکل و فرمی دیگریافته است (رضازاده و اوتادی، ۱۳۸۷:۱۴۰). در واقع نوع و شکل مکانی که انسانها در طول تاریخ به عنوان محل اسکان خود برگزیده اند، تغییرات تدریجی و مداوم داشته است. این تحولات همواره در جهت رفاه انسان ها صورت گرفته است (بهمنی و قائد رحمتی؛ ۱۳۹۵:۴۶). لازم به ذکر است که مسکن به یک واحد فیزیکی صرف نمیتواند محدود باشد، بلکه محیط مسکونی را در برمی گیرد (انصاری، حمیدرضا؛ ۱۳۹۴:۹۶) که شامل کلیه خدمات و تسهیلات ضروری مورد نیاز برای بهزیستن خانواده، رفاه، طرحهای اشتغال، آموزش، بهداشت و سلامت و تندرستی افراد می باشد. (کریمی بنه خلخال و همکاران؛ ۱۳۹۶:۹۹) (انصاری، حمیدرضا؛ ۱۳۹۴:۹۶) (شاهیوندی و همکاران؛ ۱۳۹۳:۴۶)

۲- بیان مساله

حق تأمین مسکن مناسب برای آحاد جامعه، به تدریج از ابتدای قرن بیستم در کشورهای صنعتی به عنوان یکی از حقوق شهروندی به رسمیت شناخته شد و یکی از وظایف دولتها، تأمین مسکن مناسب برای ملت ها تعیین شده است. مقوله مسکن دارای مفهومی گسترده و پیچیده است و از ابعاد متنوعی برخوردار میباشد. از این رو نمیتوان تعریف جامع و واحدی از آن ارایه نمود. مسکن به عنوان یک مکان فیزیکی، سرپناه اولیه و اساسی خانوار به حساب میآید. در این سرپناه برخی از نیازهای اولیه خانوار یا فرد همچون خواب، استراحت، حفاظت در برابرشرایط زیست در مقابل طبیعت تأمین میشود (شاهیوندی و همکاران؛ ۱۳۹۳:۴۶). بر مبنای اصل ۳۱ قانون اساسی داشتن مسکن متناسب حق هر فرد و خانواده ایرانی است و در اصل ۴۳ قانون اساسی تأمین نیازهای اساسی و از جمله مسکن به عنوان یکی از پایه های استقلال اقتصادی و ریشه کنی فقر در جامعه برشمرده شده است. همچنین در گزارش نهایی کمیسیون برانت، مسکن به عنوان یکی از نیازهای کلیدی جهان در حال توسعه شناخته شده است (رضایی آدریانی و احمدی؛ ۱۳۹۶:۲۵). در دومین اجلاس اسکان بشر (۱۹۹۶) که در استانبول برگزار شد مسکن مناسب چنین تعریف شده است: سر پناه مناسب تنها به معنای وجود یک سقف بالای سر هر شخص نیست، سرپناه مناسب یعنی آسایش مناسب، امنیت مالکیت، پایداری و دوام سازه‌ای، روشنایی، تهویه و سیستم گرمایی مناسب، زیر ساخت ها ی اولیه مناسب از قبیل آب رسانی، بهداشت و آموزش، دفع زباله، کیفیت مناسب زیست محیطی، عوامل بهداشتی مناسب، مکان مناسب و قابل دسترسی از نظر کار و تسهیلات اولیه است که همه این موارد باید با توجه به استطاعت مالی مردم تامین شود (شاهیوندی و همکاران؛ ۱۳۹۳:۴۷) امروزه یکی از مهم ترین عوامل تعیین کننده نیاز به مسکن و نوع مسکن الگوی سکونت خانوار است (رضازاده و اوتادی، ۱۳۸۷:۱۴۰). بسیاری از اندیشمندان مطالعات شهری بر این اعتقادند که مهم ترین عامل تأثیرگذار در میزان رضایتمندی فرد از سکونت در یک منطقه و نوع زندگی خویش، مسکن و شرایط محیطی آن منطقه است (زیاری و همکاران؛ ۱۳۹۶:۲). در واقع تأمین مسکن مناسب علاوه بر نقش آن به عنوان سرپناه، باعث ثبات همبستگی خانوادگی و کاهش بزهکاری و ازهم گسیختگی

اجتماعی میشود. مسکن عنصر اصلی جامعه پذیری افراد نسبت به جهان بوده و کالای کالبدی در سازمان اجتماعی فضا است و در شکل گیری هویت فردی، روابط اجتماعی و اهداف جمعی افراد نقش تعیین کننده ای دارد (کریمی بنه خلخال و همکاران؛ ۱۳۹۶:۱۰۰). مسکن برای تمامی خانوارها مهمترین عامل تعیین کننده کیفیت زندگی است. در تعریفی دیگر، مسکن برآیندی از انواع نقش ها می باشد، در واقع مسکن یک ساختار است و به عنوان یک سرپناه در مقابل عوامل استرسزای محیطی از قبیل آب و هوا، محیط زیست، سر و صدا، بیماری ها و سموم ایفای نقش میکند. فضای فیزیکی مسکن از دو جنبه قابل بررسی می باشد : ساختار فنی مسکن شامل مبلمان، مهندسی ساختمان و اتصال به شبکه های فاضلاب، آب لوله کشی، برق، ارتباطات و محیط طبیعی و جغرافیایی، یا محیط اطراف. همچنین مسکن از جنبه های اجتماعی، روانی و اقتصادی نیز قابل بررسی می باشد (شاهیوندی و همکاران؛ ۱۳۹۳:۴۶). بنا به دیدگاه لوکوربوزیه، هر دو وجه نیازهای جسمی و روحی انسان باید با سازمان دهی فضایی مسکن پاسخ داده شود (زیاری و همکاران، ۱۳۹۶:۲). شناخت و بررسی وضعیت مسکن منوط به شناسایی و تحلیل عوامل تاثیرگذار بر مسکن است. برای بررسی وضعیت مسکن، اصول و معیارهای فراوانی در نظر گرفته می شود. این اصول و معیارها گاه جنبه کیفی و کلی مانند عدالت، انعطاف، هماهنگی، رضایت، توان مالی و محیط زیست را دربر میگیرند و گاهی نیز به جنبه های کمی مسکن می پردازند. از آنجایی که سنجش و ارزیابی این اصول و معیارها دشوار است، شاخص هایی به عنوان متغیرهای قابل اندازه گیری مطرح می شوند تا کیفیت و کمیت ابعاد مختلف مسکن را بیان کنند. پیچیدگی های ابعاد مختلف مسکن و تعدد شاخص های مورد نیاز برای تجزیه و تحلیل و تصمیم گیریها در فرآیند برنامه ریزی مسکن، ایجاب می کند که این شاخص ها در گروه های مختلف اقتصادی، اجتماعی و کالبدی دسته بندی شوند، هرچند برخی شاخص ها میتوانند عملکردی چندگانه داشته باشند (انصاری، حمیدرضا؛ ۱۳۹۴:۹۶). اهمیت اقتصادی و اجتماعی مسکن از یک سو این بخش را در کانون توجهات عمومی قرار داده است و از سوی دیگر بدلیل اشتغال زایی این بخش و ارتباط با بسیاری از بخش های دیگر اقتصادی به عنوان ابزاری مناسب در جهت تحقق سیاست های اقتصادی تلقی می شود. لازم به ذکر است که مسکن با جمعیت و میزان تغییرات آن ارتباط تنگاتنگی دارد به طوری که هر گونه تغییر در تعداد یا موقعیت جمعیت، در تقاضای مسکن تاثیرگذار خواهد بود (بردی آنامراند، رحیم؛ ۱۳۹۴:۳۷). مسکن در زمره اساسی ترین و حساسترین بخشها در برنامه ریزی توسعه ی اقتصادی و اجتماعی است. از جمله شاخص هایی که در تعیین کیفیت مسکن بسیار مهم است و در برنامه ریزی مسکن جزء جدایی ناپذیر آن محسوب میشود، امکانات و تسهیلات مسکن و خدمات وابسته به آن از جمله آب لوله کشی، برق، تلفن ثابت، فاضلاب آشپزخانه، توالت، حمام و ... است. عدم برخورداری واحدهای مسکونی از این خدمات بیانگر بسیاری از واقعیات های موجود در مسکن است (شاهیوندی و همکاران؛ ۱۳۹۳:۴۴). با توجه به افزایش روز افزون جمعیت جهان و ارائه راهکارهایی برای حفظ بهداشت و سلامت جامعه، امروزه ایجاد محیط و مسکن سالم یکی از پارامترهای مهم در سلامت بهداشت ساکنین است. بخش مسکن یکی از مهمترین بخشهای توسعه در جامعه است (بزی و جواهری؛ ۱۳۹۰:۱۸۵). در حال حاضر مسأله ای که در سطح جهانی از آن صحبت می شود، کمبود واحدهای مسکونی است؛ کمبود مسکن، یکی از عوارض ناخواسته ی رشد شتابان جمعیت است که فضای سکونت را به حداقل ممکن تقلیل داده، امور رفاهی را از مسکن، که باید جای آرامش و سکونت باشد، سلب میکند و باعث به وجود آمدن بحران و ناهماهنگی در کل سیستم زندگی اجتماعی و مانع رشد سالم خانوار خواهد بود (محمودیانی و حسینی؛ ۱۳۹۳:۲). با این وجود آنچه که به کیفیت واحدهای مسکونی مربوط میشود، در بسیاری از نقاط دنیا رعایت نمیشود. یکی از مهمترین راهکارها برای حل مسائل بخش مسکن، بررسی وضعیت شاخص های مسکن است، با شناخت و ارزیابی شاخص های کمی و کیفی مسکن می توان به ساماندهی مناطق شهری بر اساس اولویت پرداخت (رضایی آدریانی و احمدی؛ ۱۳۹۶:۲۴)؛ بنابراین، لزوم توجه به کیفیت مسکن و متناسب بودن آن با حداقل معیارهای مسکن سالم امری ضروری و لازم است. مسکن سالم نقش مهمی در سلامتی انسان و بهبود کیفیت زندگی او ایفا میکند و به عنوان یک پیش نیاز برای زندگی سالم، به رسمیت شناخته شده است؛ درواقع مسئله مسکن عمده تاً دام نگیر اقشار و طبقات کم درآمد و با درآمد متوسط است. فقدان و کمبود واحدهای مسکونی سالم شهری از نظر کمی و کیفی، علاوه بر آن که اقشار وسیعی از توده های شهری را در رسیدن به مسکن سالم محروم می سازد، باعث تحمیل هزینه های بالای مسکن بر بودجه خانوارهای شهری می گردد. از طرفی با توجه به این که ۷۰ درصد از زندگی افراد در مسکن می گذرد، بدیهی است که اجرای معیارهای مسکن سالم در امر سلامت جسمی، روحی افراد و بهداشت ساکنان مسکن شهری مؤثر بوده و شکل گیری جامعه توسعه یافته و سالم در گروی رعایت معیارهای مسکن سالم در هنگام طراحی، ساخت و نگهداری مسکن است. و بی توجهی به آن، مشکلات زیادی را برای مردم به وجود می آورد. انجام ارزیابی ها در این باره (مسکن سالم) سبب می شود تا ساکنان در مسکنی سالم زندگی کنند و از بیماری های مسری و سوانح ناشی از ناقص بودن و غیراستاندارد بودن واحدهای مسکن جلوگیری به عمل آید (کریمی بنه خلخال و همکاران؛ ۱۳۹۶:۹۹). لذا باتوجه به مطالب فوق الذکر در این پژوهش به بررسی شاخص های کیفی و کمی مسکن سالم در کلانشهر مشهد پرداخته می گردد. کلانشهر مشهد با وسعت ۳۵۱ کیلومتر مربع مساحت و ۱۳ منطقه شهری در شمال شرقی ایران مستقر شده است و مرکز استان خراسان رضوی می باشد، بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ با جمعیتی بالغ بر ۳۰۱۱۸۴ نفر دومین شهر پرجمعیت ایران پس از تهران می باشد. شهر مشهد در حوزه

رودخانه کشف‌رود و در دشت مشهد بین کوه‌های هزارمسجد و بینالود گسترده شده‌است. اهمیت پژوهش حاضر در این است که با بررسی شاخص‌های کمی و کیفی مسکن و مقایسه آنها با مسکن سالم، وضعیت مسکن و کمبودهای مسکن در شهر مشهد سنجیده می‌شود.

۳- مبانی نظری

امروزه مسکن به عنوان یک نیاز زیستی، اهمیت ویژه‌ای را در برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی جوامع دارد و توازن میان نیازهای سکونت‌ی افراد جامعه و ضرورت‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی، از جمله مسائلی است که در مفهوم توسعه باید همواره مورد توجه قرار گیرد. تهیه و تأمین مسکن برای کلیه افراد جامعه، به عنوان یکی از اساسی‌ترین نیازها، امری اجتناب‌ناپذیر است، چرا که مسکن و به ویژه مسکن مناسب از این نظر که فراهم‌کننده آسایش و رفاه انسان‌هاست، نقش بسیار مهمی را در زندگی افراد جامعه دارد و حتی می‌تواند به عنوان یکی از معیارهای سنجش رفاه اجتماعی در یک جامعه به حساب آید. در بحث مسکن، همراه با پرداختن به مقوله قدرت خرید و توان مالی مردم، ضروری است به مسکن مناسب و عوامل مرتبط با آن نیز پرداخته شود، در این خصوص بهتر است ارتباط مسکن با اشتغال، خدمات اجتماعی و زیرساخت‌های دیگر که در جهت کیفیت بهتر زندگی است، مورد توجه قرار گیرد، موضوع‌هایی مانند: مسکن برای جوانان، مسکن برای افراد مسن، مکان مناسب، کیفیت ساخت و مقاومت، سرانه‌های مسکن و تراکم از جمله موضوع‌هایی هستند که در پیوند با مسکن مناسب می‌توانند بررسی شوند (زیاری و همکاران؛ بی تا: ۸۷). مسکن در لغت به معنی محل سکنی‌گزیدن است که دارای ابعاد متنوع و پیچیده‌ای است که شکل‌گیری آن، بازتاب و برآیند شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، محیطی و ایدئولوژی است و معنی آن با توجه به گوناگونی شرایط فوق تغییر می‌کند. به طوری که تعریف و مفهوم عام مسکن واحد مسکونی نیست، بلکه کل محیط سکونی را شامل می‌شود. به عبارت دیگر، مسکن چیزی بیش از سرپناهی صرفاً فیزیکی است (زیاری و قاسمی قاسموند؛ ۲۰۰: ۱۳۹۵) و سکون و اقامت مفهومی گسترده‌تر از عمل فیزیکی اسکان دارد و مجموعه فعالیت‌های فردی و جمعی را در بر می‌گیرد. سکونت را می‌توان بیان‌کننده تعیین موقعیت و احراز هویت دانست. برخی از ویژگی‌های مسکن عبارتند از: تنوع رفتار و نیازهای بهره‌برداران و تنوع فضایی در عین کوچک‌تر بودنش از سایر کاربری‌ها/نوع، کمیت و کیفیت استفاده از فضا/حفاظت فیزیکی و اقلیمی/ارتباط تنگاتنگ با فرهنگ و هویت بومی و ارضای حس زیبایی‌پرستی (یاران و محمدی خوش بین، ۱۳۹۸: ۱۷) در سال ۱۹۴۸، سازمان ملل، در بیانیه جهانی حقوق بشر، شرح داد که هرکسی برای دستیابی به سطح استاندارد مناسب زندگی برای سلامتی و بهزیستی خود و خانواده اش شامل غذا، لباس، مسکن و مراقبت‌های بهداشتی و خدمات اجتماعی لازم حقی دارد (زیاری و همکاران؛ ۱۹۸: ۱۳۹۶). همچنین در اصل ۳۱ قانون اساسی بیان می‌کند، برخورداری از مسکن مناسب حق هر فرد و خانواده ایرانی است. در هرم مازلو، اولویت اول به مسکن اختصاص داده شده است. اهمیت مسکن در تولید ناخالص داخلی در اغلب کشورها، بیش از نیمی از تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی را شامل می‌شود که در آن سهم مسکن به تنهایی حدود ۲۰ تا ۵۰ درصد است (بهرامی؛ ۱۳۹۷: ۱۱۴). مارتین هایدگر، فیلسوف آلمانی، با نگرشی کیفی به مسئله مسکن، معتقد است که بحران واقعی مسکن در کمبود آن نیست، بلکه بحران واقعی در جستجوی آدمی برای سکونت است و انسان پیش از هر چیز باید سکونت‌گزینی را بیاموزد. وی زیستن، سکونت، ساختن، رشد و پروراندن را مترادف باهم می‌داند (زیاری و قاسمی قاسموند؛ ۱۳۹۵: ۲۰۱). به تعریفی دیگر، مسکن به معنای عام کلمه تجسم فضایی آرمان‌ها، ایده‌ها، و عملکردهای انسانی است و نقش ارزشمندی در ثبات خانواده، رشد اجتماعی و اقتصادی دارد. در واقع مسکن نیاز است نه خواسته (زیاری و همکاران؛ ۱۹۸: ۱۳۹۶). در دومین اجلاس اسکان بشر (۱۹۹۶) که در استانبول برگزار شد، سرپناه مناسب تنها به معنای وجود یک سقف بالای سر هر شخص نیست؛ سرپناه مناسب پنین تعریف شده است، یعنی آسایش مناسب، فضای مناسب، دسترسی مناسب و امنیت مناسب، مالکیت، پایداری و دوام سازه‌ای، روشنایی، تهویه و سیستم گرمایی مناسب، زیرساخت‌های اولیه مناسب، از قبیل: آب‌رسانی، بهداشت و آموزش، دفع زباله، کیفیت مناسب زیست محیطی، عوامل بهداشتی مناسب، مکان مناسب و دسترسی از نظر کار و تسهیلات اولیه است، که همه این موارد باید با توجه به استطاعت مردم تأمین شود (زیاری و همکاران؛ بی تا: ۸۷). در واقع مسکن دارای ابعاد مختلف مکانی، معماری، کالبدی، فیزیکی، اقتصادی، اجتماعی، مالی، روان‌شناسی و پزشکی است. مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر میزان رضایت‌مندی فرد از سکونت در محله، مسکن و شرایط محیطی آن است. (بهمنی و قائد رحمتی؛ ۱۳۹۴: ۵۴). به تعریف دیگری، مسکن به مجموعه‌ای از تسهیلات گفته می‌شود که به منظور عرضه خدمات فشرده در مکانی فیزیکی قرار دارد. این بدان معناست که مفهوم مسکن با توجه به شرایط اجتماعی، اقتصادی و خانوادگی تغییر می‌کند (زیاری و قاسمی قاسموند؛ ۲۰۲: ۱۳۹۵). بهرامی در مقاله خود مسکن را چنین تعریف کرده است: مسکن به عنوان یک پدیده انسان‌ساخت، از مهم‌ترین نمودهای تمدن و فرهنگ بشری بوده و کوچک‌ترین شکل تجسم کالبدی سکونتگاه‌ها به شمار می‌آید و بیانگر رابطه متقابل انسان و محیط جغرافیایی پیرامون خود می‌باشد. به طوری که، این پدیده در گذر زمان، همگام با دگرگونی‌های اجتماعی-اقتصادی جامعه و همچنین گسترش امکانات و

دانش فنی در نحوه طراحی و شکل بنا و مصالح مورد استفاده تحول و تکامل یافته است. مسکن به عنوان یک نیاز زیستی؛ یکی از مهم ترین بخش های توسعه محسوب کرد. این بخش با ابعاد وسیع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی و کالبدی خود اثرات گسترده ای در ارائه ویژگی ها و سیمای جامعه به مفهوم عام دارد. مسکن صرف نظر از بعد امنیتی و زیستی آن، بدان جهت است که انسان بیش از نیمی از روز را در این فضای کالبدی می گذارند، بنابراین فضای مسکن باید به گونه ای طراحی شده باشد که نه تنها آسایش و آرامش انسان ها را فراهم سازد بلکه سلامتی و تندرستی انسانها را تضمین کند. (بهرامی؛ ۱۳۹۷:۱۱۴) نظریه ها و نگرش های مختلفی در مورد مسکن وجود دارد، از جمله نظریه برزن های شهری برگس، نگرش اقتصاد برنامه ریزی شده، نگرش بوم شناسی، نگرش ساخت عمومی شهر، نگرش ساخت منطقه واحدهای مسکونی، نظریه توسعه پایدار شهری و نظریه های مربوط به شهر سالم و مسکن سالم. در شهر سالم که از جمله نظریه های جدید در شهرنشینی و شهرسازی است برای رسیدن به یک حالت ایده آل در تمامی شاخص ها از جمله شاخص های مسکن برای مدیریت بهینه شهری برای رسیدن به عدالت اجتماعی و توسعه پایدار تلاش می شود. شهر سالم شهری است که به طور مستمر به ایجاد و بهبود محیط اجتماعی و منابع اجتماعی خود می پردازد. تا به مردم امکان دهد با همکاری متقابل از تمام ظرفیت ها برای ساختن شرایط بهتر بهره گیرند. طرح ایده شهر سالم نقطه عطفی در فرآیند تاریخی بهسازی های محیطی به شمار می رود و همه ابعاد زندگی شهرنشینی و همه مجموعه شهر باید به عنوان عرصه هایی تلقی شوند که زمینه ساز موقعیت ها و امکانات برای ایفای نقش اساسی در سلامت شهروندان و ساکنان باشند. کاربری مسکونی به عنوان بخش اصلی کاربری ها در شهرها و همچنین مهم ترین نوع کاربری در ارتباط با زمین، نقش بسیار مهمی در برقراری شهر سالم دارد. در واقع شروط اصلی شهر سالم ایجاد سرپناهی عاری از فقر، سیستم های آبرسانی سالم، بهداشت عمومی، فعالیت های سالم و غیره برای شهروندان است. درواقع هدف از تشکیل کنفرانس های شهرسالم این است که تمامی انسان ها از نظر چگونگی زیستن و سالم و سودمند زیستن به سطح قابل قبول جهانی ارتقا یابند. سازمان بهداشت جهانی ۱۱ اصل برای یک شهر سالم در نظر گرفته است که از مهم ترین آنها، مسکن با کیفیت است. مسکن با تاکید بر ویژگی های کیفی و کمی، می تواند در بهبود شرایط فردی، اجتماعی و در نهایت توسعه پایدار جامعه و ایجاد شهر سالم موثر باشد. از تعاریف شهر سالم چنین استنباط می شود که این ایده به عنوان یک ایده عدالت محور باید بتواند ابتدا در شکل کالبدی خود را اثبات نماید تا به جریان های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیز ورود پیدا کند. بستر اصلی رشد اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی افراد وجود مسکن بهینه و سالم است که استانداردهای لازم را داشته باشد. لذا ضروری است که شاخص های کمی و کیفی مسکن را ابتدا با ایده آل و استاندارد شهر سالم بسنجیم تا به یک جمع بندی منطقی دست پیدا کنیم. شاخص های کمی و کیفی مسکن در شهر سالم به گونه ای تعریف شده است که هر فرد بتواند به آسانی و بدون هیچ کمبودی به مسکن سالم و پایدار دسترسی پیدا کند (پوراحمد و همکاران؛ ۱۳۹۲:۲۳). لازم به ذکر است که مسکن سالم، شرایطی از سلامتی ذهنی، اجتماعی، فیزیکی کافی و عملکردی را برای ایمنی، بهداشت، رفاه و خلوت ساکنان خود تدارک می بیند (شکرگزار و همکاران؛ ۱۳۹۵:۴). به طور کلی با توجه به تعریف مسکن در ابعاد مختلف، می توان مسکن مناسب و بهینه را چنین تعریف کرد: مسکن مناسب عبارت است از فضای سکونت مناسبی که آسایش، دسترسی مناسب، امنیت، پایداری و دوام سازه ای، روشناسی کافی، تهویه و پیرساخت های اولیه مناسب ماند آبرسانی، بهداشت و آموزش، محیط زیست سالم، مکان مناسب و دسترس پذیری از نظر کار و تسهیلات اولیه، همچنین زمینه رشد و تقویت روابط بین اعضای خانواده (ارتباط افقی) و روابط همسایگی (ارتباط عمودی) را برای ساکنانش فراهم آورد و مهم تر از همه متناسب با توان مالی خانوار باشد (زیاری و قاسمی قاسموند؛ ۱۳۹۵:۲۰۰). در واقع مسکن خوب و مناسب نشانگر رفاه عمومی جامعه است و مسکن بد و نامطلوب منجر به پیامد های زیانباری از قبیل بیماری ها، بی بندوباری ها، تباهی و فساد جوانان جامعه می شود (بهمنی و قائد رحمتی؛ ۱۳۹۴:۵۴). پس از بررسی تعاریف مسکن، و ارتباط آن با مسکن سالم در این بخش پژوهش به بررسی شاخص های مسکن در ابعاد مختلف پرداخته شده است.

۳-۱- شاخص های اجتماعی-فرهنگی

برنامه ریزی مسکن نوعی مهندسی اجتماعی است که در آن تلاش می شود اهداف عام مورد توافق جامعه، که در اسنادی چون قانون اساسی بازتاب یافته است، در زمان مشخصی تحقق یابد. عدم تحقق این اهداف علاوه بر پیامدهای ازدیاد فقر و به تعویق افتادن توسعه انسانی می تواند مایه وفاق یا گسیختگی اجتماعی نیز بشود. بدیهی است در صورتی که در این روند و در برنامه های توسعه، به تمامی اقشار به خصوص اقشار آسیب پذیر توجه نشود، مشکلات و آسیب هایی نظیر عدم دسترسی به مسکن، بی مسکنی و بد مسکنی یا حاشیه نشینی به وجود خواهد آمد. مردم به دنبال مسکنی هستند که از عهده مالی آن برآیند، دسترسی به آن مناسب و از نظر فیزیکی امن باشد، به طور مناسب طراحی شده و در مکان مناسب قرار گرفته باشد. بنابراین مسکن به یک واحد فیزیکی صرف محدود نمی شود، بلکه محیط مسکونی را نیز شامل می شود. در این محیط رفاه، اشتغال، آموزش و سلامت نیز باید تأمین شده باشد. بنابراین تأمین آب، دفع فاضلاب، تأمین فضاهای آموزشی و بهداشتی، تفریحی و فرهنگی نیز از

جمله ضروریات مسکن هستند. مجموع شاخص های اجتماعی بکار گرفته شده درباره شرایط مسکن را می توان به پنج دسته تقسیم کرد: شاخص های اجتماعی مربوط به کمیت مسکن/ شاخص های اجتماعی مربوط به توزیع مسکن/ شاخص های اجتماعی مربوط به کیفیت مسکن/ شاخص های اجتماعی مربوط به نحوه تصرف مسکن/ شاخص های اجتماعی مربوط به هزینه مسکن (شکرگزار و همکاران: ۱۳۹۵:۴).

۳-۲- شاخص های کالبدی

ابعاد کالبدی مسکن از دو زاویه قابل بررسی است. اول، کالبد مسکن به عنوان یک واحد مسکونی و دوم رابطه کالبدی مسکن با محیط مسکونی خود که نوعی شاخص اجتماعی بوده و نقش و جایگاه مسکن در توسعه شهری را مطرح می کند. برای مثال: مکان قرارگیری مسکن از اهمیت ویژه ای برخوردار است، زیرا شرایط مکانی خود از ویژگی های عمده در مسأله مسکن است. نوع نیازها و رفتارهای سکونت، مسکن را طلب می کند و فضاهای عملکردی مسکن با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی ساکنین خود می تواند دارای ابعاد متفاوت باشد. گروه های مختلف درآمدی که توان مالی متفاوت در تأمین و خرید مسکن دارند، در مکانهای متفاوت شهری زندگی می کردند. در این زمینه توجه به ویژگی های اجزای مسکن مانند: نوع فضاها، کارکرد فضاها، نوع مصالح مورد استفاده، روابط و الگوهای فضایی مسکن و وجوه کمی و کیفی فضای مسکونی باید مورد توجه قرار گیرد. از جمله کلیدی ترین موضوعات کالبدی مسکن را می توان در تأمین زیر ساخت ها جستجو نمود. آماده سازی این زیر ساخت ها می تواند رابطه بین مسکن و محیط مسکونی را تعریف کرده و سرپناه را به مسکن واقعی تبدیل نماید. الگوی مصرف مسکن چه در چارچوب اهداف کلان و چه در خط مشی های اساسی سیاست های مسکن، تأثیرات کالبدی فراوان دارد. توسعه و نفوذ فناوری در زندگی انسان نیز تغییراتی در کالبد مسکن بر جا می گذارد. در حال حاضر بخش هایی از فعالیت هایی که در گذشته در خارج از فضای مسکونی انجام می شد وارد فضای مسکن شده که هر یک مکان خاص را طلب می کند. لذا توجه به این الگوها در برنامه ریزی مسکن امری ضروری است. نمونه ای از شاخص های کالبدی مسکن عبارت است از: الگوی سازه و نوع اسکلت مسکن، تراکم ساختمانی، سطح اشتغال، متوسط زیر بنا، سرانه زیر بنا، شیوه های ساخت، میزان واحدهای مسکونی ناپهناجار به کل مسکن، عمر بنا و تعداد طبقات و ... (شکرگزار و همکاران: ۱۳۹۵:۵).

۳-۳- شاخص های اقتصادی

در بین تمامی بخش های اقتصادی جوامع در حال توسعه و یا توسعه یافته، مسکن بزرگترین سرمایه گذاری را به خود اختصاص داده است و بر این اساس، رابطه مستقیمی بین اقتصاد کلان و سرمایه گذاری در بخش مسکن وجود دارد. در مقیاس ملی، مسکن بر تورم، تحریک نیروی کار و بودجه دولت از طریق مالیات و یارانه تأثیر می گذارد. از سوی دیگر سیاست های اقتصادی متفاوت در سطح کلان منجر به تأثیرات متفاوت در بخش مسکن می شود. نرخ بهره وام ها، هدایت اعتبارات، مالیات، تعرفه ها، سرمایه گذاری دولتی و خصوصی و مالکیت از جمله موارد موثر در این مقوله هستند. قیمت و هزینه مسکن و یارانه های این بخش از موضوعات مهم در قالب ابعاد اقتصادی هستند. نسبت قیمت متوسط مسکن به میزان درآمد در بسیاری از کشورهای توسعه یافته که از سیستم مطلوب مسکن برخوردار می باشند، بسیار پایین بوده و در مقابل، این شاخص در کشورهای در حال توسعه میزان بالایی را نشان می دهد. بطور کلی چنانچه سیاست های بخش مسکن نیازمند یارانه های سنگین برای مصرف کننده و یا تولید کننده باشد، مشکلاتی را به دنبال خواهد آورد. و لذا شیوه پرداخت یارانه های مسکن می باید در جهت افزایش کارایی و موثر بودن برنامه ها و نیز جلوگیری از تبعات سو آن باشد. شاخص های اقتصادی مسکن نماگرهایی هستند که ابعاد مختلف اقتصادی مسکن را نشان می دهند. مهمترین شاخص های اقتصادی مسکن عبارتند از نسبت سرمایه گذاری در مسکن به تولید ناخالص ملی، میزان اعتبارات دولت در بخش مسکن، میزان سرمایه گذاری بخش خصوصی در بخش مسکن، یارانه بخش مسکن، تسهیلات اعتباری بانکها و موسسات در بخش مسکن، میزان تولید اشتغال توسط بخش مسکن، توان تولید و عرضه سالیانه مسکن، نرخ افزایش سالانه قیمت مسکن، نسبت هزینه مسکن به کل هزینه خانوار، نسبت اجاره مسکن به درآمد قیمت و زمین و ... (شکرگزار و همکاران: ۱۳۹۵:۵).

۳-۴- شاخص های حقوقی

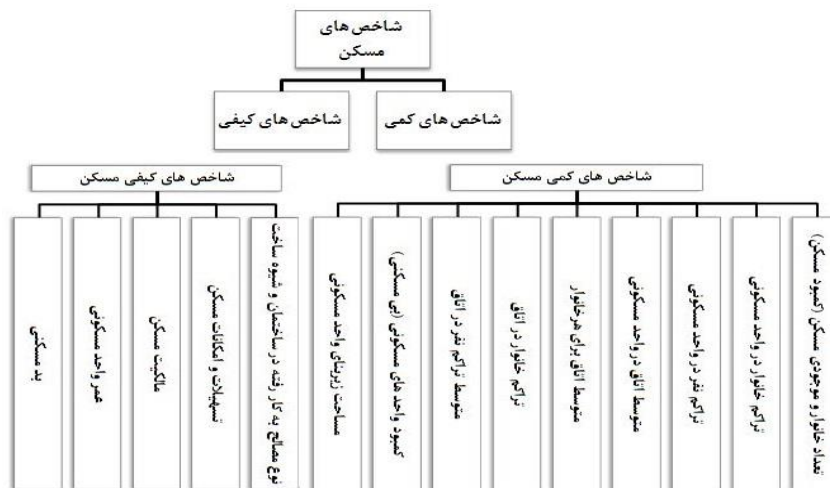
مالکیت اگرچه می تواند دارای مفهوم اقتصادی باشد و وضعیت اقتصادی خانوارهای ساکن را توصیف کند، اما از جنبه های اجتماعی و فرهنگی نیز قابل بررسی است. در شاخص های حقوقی، نوع تصرف واحدهای مسکونی اعم از ملک عرصه و اعیان، ملک اعیان، اجاره، اجاره و رهن و ... بررسی می شود (شکرگزار و همکاران: ۱۳۹۵:۷).

۳-۵- شاخص های مکانی

نزدیکی سایت به شهر و خدمات شهری (اشتغال، کاربریها، آموزشی، بهداشتی-درمانی، ورزشی، فراغتی و ...) و وضعیت دسترسی به شبکه معابر مانند فاصله اراضی تا شبکه های راه (جاده ای) و پایانه ها و درجه بندی آن ها از نظر اهمیت در مقیاس ملی، استانی و منطقه ای، محلی، فاصله اراضی تا شبکه های راه ریلی و ایستگاه های راه آهن، بررسی فاصله از اراضی تا فرودگاه یا بندر، از عوامل مهم تعیین دسترسی مناسب در شاخص های : سایت مسکونی به شمار می رود. در شاخص های مکانی، مکان گزینی واحد مسکونی در عرصه های ملی، منطقه ای، استانی، شهری، روستایی توجه می شود (شکرگزار و همکاران؛ ۱۳۹۵:۷). به طور کلی عواملی در مسکن وجود دارد که کیفیت را تعریف می کند. این عوامل در مقیاس محله شامل: شکل مطلوب مسکن/ استحکام مسکن/ امنیت/ ایمنی، راحتی و میزان دسترسی ساکنین به تسهیلات و خدمات کالبدی محله (آسایش، راحتی، بهداشت)/ دسترسی به طبیعت و فضای باز/ تأمین تجهیزات و تأسیسات (زیرساختهای) مورد نیاز مسکن/ همجواری مسکن با کاربری های سازگار می باشد (شکرگزار و همکاران؛ ۱۳۹۵:۷).

۳-۶- شرح و تفسیر شاخص های کمی و کیفی مسکن

بررسی شاخص های مسکن یکی از ابزارها و شیوه های مختلف شناختن مسکن به شمار می رود که میتوان به کمک آن، رویه های موثر در امر مسکن را شناخت. در واقع شاخص های مسکن، مهم ترین ابزار در برنامه ریزی مسکن محسوب می شوند. گستردگی شاخص های مسکن و نقش آنها در برنامه ریزی مسکن ایجاب می کند تا این شاخص ها بر حسب نقش و عملکرد آنها در گروه های مختلف دسته بندی شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند. شاخص های مسکن در واقع ابزاری برای اندازه گیری و سنجش وضع مسکن و روند تحول آن و همچنین ارزیابی موفقیت و تحقق سیاست های مسکن محسوب می شود. به همین دلیل علاوه بر ارزیابی وضعیت، در تدوین اهداف کمی برنامه ها نیز مورد استفاده قرار می گیرند. مسکن، به عنوان مهم ترین دارایی شخص در طول زندگی اش، نقش کلیدی در زندگی وی دارد. در واقع بستر اصلی رشد اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی افراد وجود مسکن بهینه و سالم است که استاندارد های لازم را داشته باشد. لذا ضروری است که شاخص های کمی و کیفی مسکن را ابتدا با ایده آل و استاندارد مسکن سالم بسنجیم تا به یک جمع بندی منطقی دست پیدا کنیم. شاخص های کمی و کیفی مسکن سالم به گونه ای تعریف می شود که هر فرد بتواند به آسانی و بدون هیچ کمبودی به مسکن خوب و پایدار دسترسی داشته باشد (پوراحمد و همکاران؛ ۱۳۹۲:۲۲). لذا در زیر به بررسی شاخص های کمی و کیفی مسکن و شرح و تفسیر آنها پرداخته شده است.



شکل ۱: بررسی شاخص های مسکن (ماخذ: نگارندگان)

۳-۶-۱- شاخص های کمی مسکن

تعداد خانوار و موجودی مسکن (کمبود مسکن): آنچه در خصوص جمعیت حائز اهمیت است تنها تعداد کل جمعیت نیست بلکه ساختار جمعیت و از جمله بعد و تعداد خانوار می باشد. از آنجایی که خانوار به جمعی گفته می شود که در یک واحد مسکونی زندگی می کنند مشخصاً تعداد خانوار بیش از تعداد جمعیت در تعیین نیاز مسکن موثر می باشد (رضازاده و اوتادی؛ ۱۳۸۷: ۱۴۶). در واقع این دو شاخص، شاخص های اجتماعی هستند که در ارتباط با یکدیگر بوده و تعداد مورد نیاز مسکن در آینده و کمبود

مسکن در وضعیت کنونی را مشخص میکنند (پوراحمد و همکاران؛ ۱۳۹۲:۲۴). در واقع از این طریق تعداد واحدهای مسکونی که برای رسیدن به وضعیت مطلوب باید تولید شوند، مشخص می گردد (زیاری و همکاران؛ بی‌تا: ۸۸).

تراکم خانوار در واحد مسکونی: یکی از مهم ترین شاخص های مسکن مناسب، تراکم خانوار در واحد مسکونی است که از تقسیم تعداد خانوار به تعداد واحد مسکونی بدست می آید (شکرگزار و همکاران؛ ۱۳۹۵:۹). در واقع ضریب اشتغال واحد مسکونی از جمله معیارهای قابل توجه در بررسی های مسکن می باشد چرا که آسایش و رفاه و تحرک خانواده درگرو دو موضوع اساسی یعنی استقلال محل سکونت و فضای کافی برای زندگی است. در بهترین شرایط در هر واحد مسکونی یک خانوار ساکن می گردد و در این واحد فضای کافی برای کلیه افراد خانواده فراهم است و این نمایانگر عملکرد سالم و مطلوب بخش مسکن است (ستارزاده، داوود؛ بی تا: ۶۳). این شاخص از این نظر اهمیت دارد که معلوم می کند که چند درصد واحدهای مسکونی به صورت یک خانواری بوده، چند درصد دو خانواری و همچنین چند درصد سه خانواری و بیشتر هستند. (پوراحمد و همکاران؛ ۱۳۹۲:۲۵)

تراکم نفر در واحد مسکونی: میزان تراکم در واحد مسکونی، یکی از شاخص های عمده سنجش سطح زندگی (پوراحمد و همکاران؛ ۱۳۹۲:۲۵) و به عنوان یکی از جنبه های کیفیت مسکن و از عوامل مهم در چگونگی تداخل عرصه های فیزیکی، روانی و حقوقی افراد ساکن در خانه محسوب می شود (شکرگزار و همکاران؛ ۱۳۹۵:۹). این شاخص متوسط تعداد افراد در یک واحد مسکونی را نشان می دهد. همچنین این نوع شاخص وضعیت رفاه خانوارها را از نظر فضاهای مسکونی نشان می دهد. کاهش دادن این شاخص از یک سو با افزایش تعداد واحدهای مسکونی به میزان بیش تر و از سوی دیگر با کنترل جمعیت میسر است (افشاری آزاد و همکاران؛ ۱۳۹۴:۱۶). در واقع اندازه این شاخص هر چه کمتر باشد نشان دهنده وضعیت مطلوب تری است (شکرگزار و همکاران؛ ۱۳۹۵:۹). این شاخص به نوعی در ارتباط با تراکم خانوار در واحد مسکونی، بعد خانوار و تراکم اتاق در واحد مسکونی می باشد و بیانگر وضعیت فرهنگی و اجتماعی خانوار های ساکن در واحد مسکونی است (پوراحمد و همکاران؛ ۱۳۹۲:۲۵). مطالعات زیادی نشان داده اند که رابطه قوی بین فقر محلات، تراکم بالای جمعیت در واحدهای مسکونی و ناهنجاری و جرم وجود دارد. (ستارزاده، داوود؛ بی تا: ۶۵)

متوسط تعداد اتاق در واحد مسکونی: این شاخص یکی از شاخص های کالبدی مسکن به شمار می رود، اما از نظر اجتماعی نیز بیانگر ویژگی های اجتماعی و فرهنگی خانوار هاست. وجود هر یک از عرصه های مختلف (عرصه های والدین، فرزندان، خویشاوند، مهمان و فضای مراقبت و نگهداری تجهیزات)، بیانگر ویژگی های اجتماعی و فرهنگی خانوار است. از لحاظ کالبدی نیز مکان خاصی برای این عرصه ها قابل پیش بینی بوده، با تعداد اتاق در واحد مسکونی ارتباط مستقیم دارد. (زیاری و همکاران؛ بی‌تا: ۹۲) این شاخص در جهت شناخت سهم هر خانوار یا افراد آن از تعداد اتاقی که در واحدهای مسکونی وجود دارد، بکار می رود (افشاری آزاد و همکاران؛ ۱۳۹۴:۱۷). افزایش متوسط تعداد اتاق در واحد مسکونی فارغ از این که در هر واحد مسکونی چند خانوار ساکن باشند، نشانگر بهبود رفاه زیستی ساکنان (درجه رفاه خانوارها) می تواند باشد. (ستارزاده، داوود؛ بی تا: ۶۶). مقدار این شاخص هر چه بیش تر باشد، بهتر خواهد بود و افزایش میانگین آن بدون در نظر گرفتن تعداد خانوار و افراد ساکن در آن می تواند ملاک و معیار جالبی برای سنجش بهبود، سطح رفاه زیستی ساکنان آن باشد (افشاری آزاد و همکاران؛ ۱۳۹۴:۱۷). در وضعیت ایده آل مسکن ساله به ازای هر نفر باید یک اتاق وجود داشته باشد (پوراحمد و همکاران؛ ۱۳۹۲:۲۶).

متوسط تعداد اتاق در اختیار برای خانوار: متوسط تعداد اتاق هایی که هر خانوار دارد یکی از شاخص های بسیار مهم و گویای میزان رفاه خانوارهاست که معمولاً با میزان ثروت و سطح درآمد آنها رابطه مستقیم دارد (افشاری آزاد و همکاران؛ ۱۳۹۴:۱۷). این شاخص با منظور کردن تعداد اتاق های موجود در واحد مسکونی موجب می شوند تا شاخص خانوار در واحد مسکونی از جنبه فضای زیستی (برحسب تعداد اتاق) تعدیل شود (ستارزاده، داوود؛ بی تا: ۷۱). از نقطه نظر رفاه زیستی این شاخص نیز به همراه سایر شاخص ها از وضعیت سکونت و چگونگی آن خبر می دهد (افشاری آزاد و همکاران؛ ۱۳۹۴:۱۷). در واقع منظور از اتاق در سرشماری اتاق های هستند که قابل سکونت بوده، برای استفاده دایمی و یا اتفاقی در اختیار خانوار قرار دارد، مانند اتاق خواب، نشیمن، مهمانخانه، نهارخوری، هال و غیره. آشپزخانه و انبارهای غیر قابل سکونت، اتاق به حساب نمی آیند. این شاخص در ارتباط با شاخص های تعداد خانوار در واحد مسکونی، تعداد اتاق در واحد مسکونی است (زیاری و همکاران؛ بی‌تا: ۹۵). وضعیت مطلوب این شاخص حدود ۱ اتاق برای هر نفر از اعضای خانوار است (پوراحمد و همکاران؛ ۱۳۹۲:۲۶).

تراکم خانوار در اتاق: منظور این است که از نظر بررسی اجتماعی معلوم می شود چند درصد خانوارها در یک اتاق و چند در صد خانوار در دو اتاق و غیره زندگی میکنند. این شاخص به صورت خانوار بر اتاق محاسبه می شود (زیاری و همکاران؛ بی‌تا: ۹۷). درواقع تراکم خانوار در اتاق هر چه به صفر نزدیکتر باشد، نشان دهنده وضعیت خوب خانوارها در تصاحب تعداد اتاق است (پوراحمد و همکاران؛ ۱۳۹۲:۲۶).

متوسط تراکم نفر در اتاق: وضعیت ایده آل این شاخص نیز به بررسی نسبت تعداد افراد به تعداد اتاق می پردازد. پیشنهاد نسبت حداقل ۱ اتاق در مقابل ۱ نفر سازمان ملل است. و هر چه اندازه آن کوچکتر شود، نشانه استقلال بیشتر افراد خانوارها در

داخل واحد مسکونی است. این شاخص توسط کمیته بحران جمعیت سازمان ملل به کار گرفته شده است (پوراحمد و همکاران؛ ۱۳۹۲:۲۷). بالا بودن این شاخص نشان دهنده وضعیت نامناسب اقتصادی و اجتماعی اقشار جامعه است. این رابطه از تقسیم کردن تعداد جمعیت خانوارهای معمولی ساکن به تعداد کل اتاق های موجود در واحد مسکونی معمولی به دست می آید (زیاری و همکاران؛ بیتا: ۹۸). تعداد افراد در مقابل هر اتاق محاسبه شده و هرچه اندازه شاخص کوچک تر باشد نشانه استقلال بیش تر افراد خانوارها در داخل واحد مسکونی است (افشاری آزاد و همکاران؛ ۱۳۹۴:۱۷).

کمبود واحد های مسکونی (بی مسکنی): وجود خانوارهای فاقد واحد مسکونی و سرپناه از مسایل و مشکلات عمده بسیاری از جوامع است که علاوه بر ضعف های سیستم اقتصادی و سیاستگذاری، دارای ریشه های اجتماعی نیز هست. موضوع هایی از قبیل حق داشتن مسکن برای همه اقشار جامعه، صرف نظر از جایگاه اجتماعی و اقتصادی آنها، از ابعاد اجتماعی این موضوع است. این شاخص با توجه به تعداد واحد های مسکونی و تعداد خانوار موجود محاسبه شده، میزان کمبود را مشخص می کند. با نشان دادن این کمبود، تعداد واحدهای مسکونی که برای رسیدن به وضعیت مطلوب باید تولید شوند، مشخص می گردد. وضعیت مطلوب این شاخص صفر است؛ یعنی هیچ خانواری نباید فاقد مسکن باشد (زیاری و همکاران؛ بیتا: ۱۰۹).

مساحت زیربنای واحد مسکونی (متوسط اندازه قطعات مسکونی): این شاخص می تواند از عمده ترین شاخص های اجتماعی و فرهنگی باشد و الگوی فرهنگی نیاز به مسکن را بازگو می کند. علاوه بر این شاخص سطح زیر بنای واحد مسکونی به عوامل مختلف دیگری نظیر عوامل اقتصادی، توان مالی خانوار و سیاستهای عرضه زمین بستگی دارد (شکرگزار و همکاران؛ ۱۳۹۵:۱۰). این شاخص، بر مبنای نسبت بین سطح کل زیربنای مجاز از کل مساحت قطعه محاسبه می گردد (پوراحمد و همکاران؛ ۱۳۹۲:۲۸). در واقع مساحت زیربنای واحد مسکونی بدین صورت تعریف می گردد: متوسط فضای قابل سکونت واحد مسکونی. پایین بودن مقدار این شاخص نشانه ای از تراکم نامطلوب سکونت است. به طور کلی بهتر از شاخص نفر در اتاق تراکم سکونتی را بیان می کند. زیر بنای سرانه، همراه با سطح درآمد و توسعه یافتگی کشور افزایش می یابد. این شاخص در کشورهای کم درآمد ۶ مترمربع است و در کشورهای پردرآمد ۳۵ مترمربع است (افشاری آزاد و همکاران؛ ۱۳۹۴:۱۸).

۳-۶-۲- شاخص های کیفی مسکن

نوع مصالح به کار رفته در ساختمان و شیوه های ساخت: از جمله شاخص های کالبدی مسکن که نمود بیرونی و عینی دارد، نوع مصالح مورد استفاده و شیوه های ساخت مسکن است. اهمیت این دو شاخص از نظر کالبدی، زمانی مشخص می شود که استفاده از مصالح بادوام و شیوه های ساخت مناسب، باعث افزایش عمر مفید ساختمان شده و در دراز مدت حفظ کیفیت کالبدی مسکن خواهد شد. بهبود وضعیت اقتصادی و پیشرفت فناوری، باعث ارتقای رو شهای ساخت و استفاده از مصالح بادوام تر می شود (زیاری و همکاران؛ بیتا: ۱۰۲).

جدول ۱: انواع واحدهای مسکونی براساس نوع مصالح (ماخذ: پوراحمد و همکاران؛ ۱۳۹۲:۲۸)

شامل اسکلت فلزی یا بتنی، اجر و آهن و سنگ آهن	بادوام
شامل آجر و چوب، سنگ و چوب، خشت و گل	نیمه دوام
شامل تمام آجر، تام چوب، خشت و چوب، خشت و گل	کم دوام
شامل کپر و آلونک	بی دوام

تسهیلات و امکانات مسکن: به تدریج که مسکن از حالت تک منظوری خارج و به جنبه سرپناه بودن آن جنبه های دیگری از رفاه و آسایش اجتماعی نیز اضافه می شود، حدود برخورداری از تسهیلات و تجهیزات ضروری زندگی نیز به صورت شاخص جدیدی برای ارزیابی وضع واحدهای مسکونی در می آید (شکرگزار و همکاران؛ ۱۳۹۵:۱۰). وضعیت مطلوب این شاخص برخورداری ۱۰۰ درصد واحد های مسکونی از امکانات و تسهیلات موجود است (زیاری و همکاران؛ بیتا: ۱۰۳).

مالکیت مسکن (واحدهای مسکونی برحسب نحوه تصرف محل سکونت): رشد شهرگرایی در دهه های اخیر روندی صعودی داشته است که باعث بحران در مسکن کشور شده است و قیمت واحدهای مسکونی را افزایش داده و موجب شده است که بازار یکی از پر درآمدترین بخش های اقتصادی گردد. سرمایه گذاری در این بخش افزایش یابد و بخش خصوصی تمایل زیادی به تملک واحد مسکونی داشته باشد (لطفی و همکاران؛ ۱۳۸۸:۷۵). مالکیت واحدهای مسکونی در ایران شامل موارد زیر می باشد: مالکیت عرصه و اعیان، مالکیت اعیان، اجاره ای، در برابر خدمت و رایگان. در این تقسیم بندی، ملکی شامل موارد ملکی عرصه و اعیان و ملکی اعیان می باشد. (ستارزاده، داوود؛ بی تا: ۸۶). در واقع شاخص نحوه تصرف واحد های مسکونی، بر حسب مالکیت یا اجاره ای، که از جمله شاخص های پایه در شناخت بخش مسکن از ابعاد اقتصادی و اجتماعی است در جوامع مختلف

متفاوت است، به گونه ای که نمی توان بالا بودن شاخص مالکیت مسکن را گویای وضعیت مطلوب مسکن یک کشور دانست و یا بر عکس. این شاخص دارای مفهوم اقتصادی است و وضعیت اقتصادی خانوارهای ساکن را توصیف می کند. در این شاخص نحوه تلقی خانوار از مسکن به عنوان محل سکونت، یک کالا یا پسانداز خانوار، قابل تأمل است (زیاری و همکاران؛ بیتا: ۱۰۵).

عمر واحد مسکونی: یکی دیگر از شاخص های کیفی مسکن که وضعیت قدمت و جدیدالاحداث بودن واحد های مسکونی را نشان می دهد، شاخص عمر مفید واحد مسکونی است. عمر مفید ساختمان ها با توجه به مسئله تامین و نگهداری ساختمان به طور منظم و با برنامه ۲۰ تا ۴۰ ساله سنجیده می شود (پوراحمد و همکاران؛ ۱۳۹۲:۳۰).

بد مسکنی: وجود واحد های مسکونی نامناسب (بد مسکنی)، از معضلات اجتماعی جوامع امروز است. حاشیه نشینی، هسته های خودرو و زاغه نشینی از انواع بد مسکنی است (پوراحمد و همکاران؛ ۱۳۹۲:۳۱). در اینجا کیفیت پایین مسکن همراه با مشکلات دسترسی به خدمات، تراکم پایین اتاق در واحد های مسکونی و نفر در واحد مسکونی، قابل تبیین هستند. برای رسیدن به درصد شاخص بد مسکنی در این مقاله، از یک طرف از درصد خانوار هایی که در چادر و کپر و غیره زندگی می کردند و از طرف دیگر، از تعداد خانوار هایی که نوع مصالح بنا واسکلت بنای ساختمانشان اظهار نشده بود و همچنین از شاخص اتاق در واحد مسکونی و نفر در واحد مسکونی استفاده شده است (زیاری و همکاران؛ بیتا: ۱۰۹).

در این پژوهش از شاخص های کمی و کیفی مسکن موجود در جدول زیر استفاده می گردد. برطبق این جدول مبانی نظری پژوهش شامل بررسی ۱۲ شاخص می باشد که از این میان ۹ شاخص به صورت کمی و ۳ شاخص به صورت کیفی بررسی می گردد.

جدول ۲: چارچوب نظری پژوهش (ماخذ: نگارندگان)

شاخص های کمی	شاخص های کیفی
- تعداد خانوار و موجودی مسکن (کمبود مسکن) - تراکم خانوار در واحد مسکونی - تراکم نفر در واحد مسکونی - متوسط اتاق در واحد مسکونی - متوسط اتاق برای هر خانوار - تراکم خانوار در اتاق - متوسط تراکم نفر در اتاق - کمبود واحد های مسکونی (بی مسکنی) - مساحت زیربنای واحد مسکونی	- نوع مصالح به کار رفته در ساختمان و شیوه ساخت - مالکیت مسکن - بد مسکنی

۴- پیشینه و سابقه تحقیق

جدول ۳: بررسی پیشینه تحقیق در ایران و جهان (ماخذ: نگارندگان)

محقق	سال	عنوان تحقیق	محدوده	روش و مدل پژوهش	نتیجه گیری
۱	روستایی و علیزاده	۱۳۹۹	تحلیل فضایی کیفیت مسکن در شهر ارومیه با استفاده از روش HOT SPOT	شهر ارومیه	توصیفی و تحلیلی؛ استفاده از نرم افزار GIS، SPSS
۲	یاران و محمدی خوش بین	۱۳۹۸	راهکارهای توسعه مسکن در شهرهای کوچک	شهر خُمام در استان گیلان	توصیفی تحلیلی با روش استدلال منطقی

۱. مابقی شاخص ها در بخش کمی و کیفی مسکن به دلیل فقدان اطلاعات کافی در این زمینه مورد بررسی قرار نمی گیرد.

ردیف	محقق	سال	عنوان تحقیق	محدوده	روش و مدل پژوهش	نتیجه گیری
۳	فنی و همکاران	۱۳۹۸	موانع و الزامات تحقق مسکن پایدار از دیدگاه کارشناسان و مدیران شهری	محله اتابک شهر تهران	پرسشنامه از طریق آزمون آلفای کرونباخ استفاده از نرم افزار های Spss, Amos, Lisrel	نتایج بدست آمده از ضرایب مسیرها نشان داد، الزامات کالبدی مؤثرترین متغیر پنهان بر توسعه پایدار شهری میباشد.
۴	رحمت الله بهرامی	۱۳۹۷	ارزیابی روستای سالم با تاکید بر شاخص های مسکن پایدار	نواحی روستایی استان کردستان	روش توصیفی تحلیلی	نتایج بر اساس مطالعات تطبیقی با میانگین کشوری نشان می دهد که اغلب مسکن های روستایی در استان کردستان در گروه ناسالم قرار دارد. بدین منظور یکی از راهبردهای پایداری مسکن از طریق اعطای وام های کم بهره و طراحی مسکن سازگار با شرایط محیطی است.
۵	زیاری و همکاران	۱۳۹۶	بررسی و تحلیل مسکن پایدار در شهر کرج	شهر کرج	توصیفی تحلیلی با استفاده از پرسشنامه و نرم افزار SPSS	نتایج حاصل از پژوهش نشان می دهد که مناطق ۷۵ گانه شهر کرج در سه سطح پایدار، نیمه پایدار و ناپایدار جای گرفته اند.
۶	شکرگزار و همکاران	۱۳۹۵	مروری بر شاخص های کمی و کیفی مسکن	-	روش توصیفی و تحلیلی برای شاخص های کمی و کیفی مسکن	جمع بندی شاخص های کمی و کیفی مسکن
۷	افشاری آزاد و همکاران	۱۳۹۴	ادراک ساکنان در سکونتگاه های غیر رسمی و ارزیابی شاخص های کمی و کیفی آن	حصار امام خمینی شهر همدان	روش توصیفی تحلیل و میدانی از طریق پرسشنامه و تحلیل آماری	محله حصار امام خمینی همدان یک سکونتگاه غیررسمی است که درصد بالایی از ساکنین آن مهاجرین روستا به شهر هستند.
۸	شاهیوندی و همکاران	۱۳۹۳	بررسی نوع مسکن و تسهیلات اولیه سکونتگاهی در استانهای ایران	استان های ایران	روش تحلیلی و توصیفی با استفاده از روش سلسله مراتبی AHP	پی بردن به وضعیت محرومیت در استان های مختلف و رتبه بندی آنها براساس امکانات و تسهیلات
۹	پوراحمد و همکاران	۱۳۹۲	ارزیابی شاخص های مسکن شهرستان نظرآباد با رویکرد شهر سالم	شهرستان نظرآباد	روش تحلیلی و توصیفی با مقایسه تطبیقی در سطح استان و کشور	شهرستان نظرآباد نسبت به شاخص های مسکن شهر سالم، مثبت و مطلوب ارزیابی شده است.
۱۰	پوراحمد و همکاران	۱۳۹۲	تحلیل شاخص های کمی و کیفی و برنامه ریزی مسکن شهر زنجان	شهر زنجان	روش توصیفی تحلیلی با بررسی شاخص های جمعیتی و کمی و کیفی مسکن، پیش بینی تقاضای مسکن با مدل لجستیک	بررسی کمبودهای لازم در بخش مسکن و پیش بینی تقاضای آینده، بررسی می شود که چه تعداد واحد مسکونی برای پاسخگویی به نیاز جامعه آتی لازم است.
۱۱	لطفی و همکاران	۱۳۸۸	بررسی شاخص های کمی و کیفی مسکن و پیش بینی آن برای آینده در شهر اسفراین	شهر اسفراین	روش توصیفی و تحلیلی (بررسی شاخص های کمی و کیفی مسکن و برآورد و پیش بینی مسکن مورد نیاز از طریق تحلیل های آماری)	غیرقانونی بودن واحد های مسکونی، عمر بالای آنها، عدم توجه به استاندارد های مهندسی، کمبود واحد های مسکونی از جمله مشکلات موجود در شهر اسفراین می باشد. پیشنهاد مطرح شده در خصوص افزایش عرضه مسکن، افزایش تراکم واحد های تخریبی و بازسازی آنهاست.

محقق	سال	عنوان تحقیق	محدوده	روش و مدل پژوهش	نتیجه گیری
۱۲	رضازاده و اوتادی	۱۳۸۷	بررسی نیازهای مسکن با توجه به تغییرات ساختار جمعیتی در شهر تهران	شهر تهران	روش توصیفی و تحلیلی در خصوص بررسی تحولات جمعیت و تقاضای مسکن
۱۳	داوود ستارزاده	بی تا	بررسی شاخص های جمعیتی مسکن ایران در سال ۱۳۸۵	کل کشور (ایران)	وجود مسکن های اجاره ای، کمبود واحدهای مسکونی در کشور، عدم برخورداری از تسهیلات و امکانات لازم در واحد های مسکونی در سطح کشور و...
۱۴	زیاری و همکاران	بی تا	مقایسه تطبیقی شاخص های کمی و کیفی مسکن شهر بابل با نقاط شهری کشور با تاکید بر شهر سالم	شهر بابل	از لحاظ کمی وضعیت مسکن در این شهر مناسب است به جز شاخص اتاق در واحد مسکونی. ام از لحاظ کیفی در خصوص نوع مصالح ساختمانی و اسکلت بنا و دوما آن دچار وضعیت مناسبی نمی باشد. به طور کلی باینکه در برخی از شاخص ها وضعیت مناسبی در شهر بابل وجود داشته اما به طوری کلی از شاخص های شهرسالم فاصله داشته است و نیازمند بررسی می باشد.
۱۵	Amy Clair, Amanda Hughes	۲۰۱۸	مسکن و سلامت: شواهد جدید با استفاده از نشانگر زیستی داده ها	(خانوارهای موجود در) انگلستان	مدل های رگرسیون خطی، سلسله مراتبی، استفاده از پرسشنامه
۱۶	Lan Huong Le, Anh Dung Ta, Hoan Quyen Dang	۲۰۱۶	ساختن نظامی از شاخص ها برای اندازه گیری کیفیت مسکن اجتماعی در ویتنام	ویتنام	توصیفی تحلیلی
۱۷	Dalia Štreimi kienė	۲۰۱۵	شاخص های مسکن برای ارزیابی کیفیت زندگی در لیتوانی	لیتوانی	تجزیه و تحلیل مقایسه ای
۱۸	Lita SriAnda yani, Juliani Harahap	۲۰۱۵	خانه سالم به عنوان شاخصی برای تحقق شهر سالم و ارتباط آن با نقش جامعه در شهر مدان	شهر مدان	توصیفی تحلیلی، استفاده از نمونه گیری

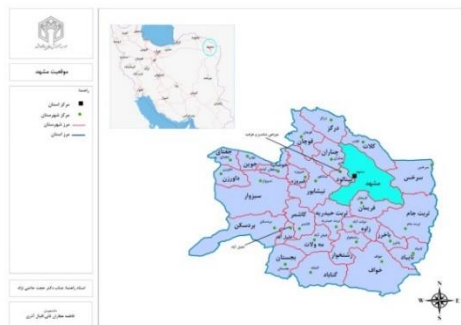
محقق	سال	عنوان تحقیق	محدوده	روش و مدل پژوهش	نتیجه گیری
					مشارکت جامعه را از ابتدای مرحله برنامه ریزی افزایش دهد تا مشارکت جامعه در اجرای توسعه و تشکیل مجمع شهر سالم افزایش یابد.
۱۹ Na Na Kanga, Jeong Tai Kimb, Tae Kyung Leea	۲۰۱۴	یک مطالعه در مورد کیفیت مسکن سالم خانه چند خانواده متصل با توجه به سن واحد مسکونی	-	تحقیق تجربی با استفاده از پرسشنامه ساختاری و نظرسنجی مشاهده ای	در این پژوهش شاخص های کیفیت مسکن سالم از چهار جنبه جسمی، روحی، اجتماعی و مدیریتی مورد بررسی قرار گرفته اند.

۵- روش تحقیق

پس از بررسی مبانی نظری و ارائه چارچوب نظری پژوهش، لازم است که نحوه جمع آوری اطلاعات و روش تحقیقی مطالعاتی مورد سنجش قرار گیرد. بررسی روش ها و ابزار گردآوری اطلاعات و به طور کلی چگونگی انجام پژوهش مسیر اصلی پژوهش را به منظور رسیدن به هدف تعبیه شده مشخص می سازد؛ این مسیر به طور دقیق مشخص می کند که در بخش های مختلف مطالعاتی پژوهش چگونه باید عمل کرد. پژوهش حاضر دارای متغیر ها و شاخص های کمی و کیفی می باشد که مورد سنجش و ارزیابی قرار می گیرد و از آنجا که به شناسایی نیازمندی ها و بهینه سازی ابزارها، اشیا و الگو هایی در جهت توسعه رفاه و آسایش و ارتقای کیفیت زندگی انسان می پردازد کاربردی است و در دسته تحقیقات توسعه ای قرار می گیرد. همچنین این پژوهش بر اساس ماهیت، توصیفی _ تحلیلی می باشد. گردآوری اطلاعات به روش اسنادی_ کتابخانه ای است و داده های مورد نیاز از طریق سرشماری های عمومی نفوس و مسکن، داده های مرکز آمار، آمارنامه ها و پایگاه داده های مکان مرجع استخراج گردیده است. جامعه آماری، مسکن و وضعیت شاخص های کمی و کیفی آن در شهر مشهد می باشد؛ که دارای ۳۳۷۲۶۶۰ نفر جمعیت، ۱۰۲۱۰۶۸ خانوار و در کل دارای ۱۰۱۵۳۳۳ واحد مسکونی می باشد؛ در پژوهش حاضر ابتدا شاخص های کمی و کیفی مسکن مورد نظر پژوهش انتخاب و سپس در محدوده مطالعاتی بررسی می شوند و در نهایت این شاخص ها با شاخص های مسکن سالم استاندارد مقایسه می گردند. شاخص های کمی و کیفی مسکن با بررسی منابع و مقالات موجود انتخاب شده است که ۹ شاخص به صورت کمی و ۳ شاخص به صورت کیفی مورد ارزیابی و مقایسه قرار گرفته اند.

۶- یافته های تحقیق

شهر مشهد طبق سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵ دارای ۳۳۷۲۶۶۰ نفر جمعیت و ۱۰۲۱۰۶۸ خانوار می باشد. موجودی مسکن در این شهر شامل ۱۰۱۵۳۳۳ واحد سکونت می باشد. در این بخش باتوجه به مبانی نظری پژوهش و روش مطالعاتی در این مقاله به بررسی شاخص های منتخب پرداخته می گردد. این شاخص ها شامل شاخص های کمی و کیفی مسکن می باشد که در این بخش به بررسی و مقایسه آنها در شهر مشهد نسبت به مسکن سالم پرداخته می شود.



نقشه ۱: موقعیت شهر مشهد

در جدول شماره ۴، به بررسی شاخص های مسکن و مقایسه آنها با مسکن سالم پرداخته شده است؛ شهر مشهد برحسب محاسبات انجام شده براساس اطلاعات آماری سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵، نیازمند ۳۳۷ واحد مسکونی می باشد، هدف این روش که اصطلاحاً کمبود ناشی از حذف تراکم خانوار نامیده می شود؛ تامین یک واحد مسکونی برای هر خانوار است. براساس یک استاندارد معین (برپرس اینک یک واحد مسکونی برای یک خانوار است) با مقایسه تعداد مسکن موجود میتوان کمبود مسکن را برآورد کرد. با توجه به جدول شهر مشهد دارای کمبود مسکن می باشد و در وضعیت نامطلوبی قرار دارد. باتوجه به تعداد خانوار و موجودی مسکن در شهر مشهد می توان اذعان داشت که تراکم خانوار در واحد مسکونی با توجه به شاخص های مسکن سالم در وضعیت مطلوبی قرار دارد، چراکه به ازای هر خانوار یک خانه تعلق گرفته است. درواقع کمبود واحد های مسکونی میزان خانه های است که دارای وضعیت سکونت (واحد مسکونی) نمی باشند. در خصوص متوسط اتاق در واحد مسکونی که از تقسیم کردن تعداد اتاق های واحد

مسکونی به تعداد کل واحد های مسکونی معمولی حاصل شده است. در وضعیت ایده آل مسکن سالم باید برای هر نفر یک اتاق وجود داشته باشد که با توجه به بعد خانوار که ۳,۳ است تعداد ۲,۹۸ اتاق وجود خواهد داشت. به عبارت دیگر سهم هر نفر در شهر ۰.۹ اتاق است که نسبت به ایده آل مسکن سالم وضعیت مناسبی ارزیابی نمی شود. شاخص متوسط اتاق برای هر خانوار در سطح شهر در سطح پایینی قرار دارد. اما این شاخص با توجه به بعد خانوار نسبت به شاخص مسکن سالم وضعیت نامطلوبی دارد که بیان کننده واحد های مسکونی با تعداد کم اتاق ها نسبت به اعضای خانوار است. همچنین در بررسی تراکم خانوار در اتاق لازم به ذکر است که این شاخص ۱۱,۲۴ در شهر مشهد می باشد؛ در واقع عدد بدست آمده برای تراکم خانوار هرچقدر به صفر نزدیک تر باشد نشان دهنده وضعیت خوب خانوار ها در تصاحب تعداد اتاق ها می باشد؛ که با توجه به عدد بدست آمده تراکم خانوار در سطح مشهد در وضعیت نامطلوبی قرار گرفته است. وضعیت ایده آل تراکم نفر در اتاق نیز به بررسی نسبت تعداد افراد به تعداد اتاق می پردازد. پیشنهاد نسبت حداقل یک اتاق در مقابل یک نفر از سوی سازمان ملل است و هرچه اندازه آن کوچکتر شود، افراد خانوار استقلال بیشتری در داخل واحد مسکونی دارند. بالابودن این شاخص نشان دهنده وضعیت نامناسب اقتصادی و اجتماعی اقشار جامعه است.

جدول ۴: بررسی شاخص های مسکن سالم در شهر مشهد (ماخذ: سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵، پایگاه داده های مکان مرجع)

شاخص سال ۹۵	شهر مشهد	مسکن سالم (ایده آل)	وضعیت شهر مشهد بر اساس مسکن سالم
جمعیت	۳۳۷۲۶۰	در مسکن سالم این شاخص به صفر نزدیک است. (به ازای هر خانوار یک مسکن وجود دارد. به این معنی که کمبود مسکن در شهری با مسکن سالم وجود ندارد)	نامطلوب
موجودی مسکن	۱۰۲۰۷۳۱		
تعداد خانوار کل در مشهد	۱۰۲۱۰۶۸		
تعداد خانوار دارای مسکن (واحد های آپارتمانی و خانه های معمولی)	۱۰۱۵۳۳۳		
کمبود مسکن	-۳۳۷		
درصد کمبود	-۰,۰۳		
تراکم خانوار در واحد مسکونی	۱	-	مطلوب
تراکم نفر در واحد مسکونی	۳,۳	وضعیت مطلوب این شاخص ۱۴ متر مربع می باشد.	مطلوب
متوسط زیربنا (مترمربع)	۰,۹	وضعیت با توجه به تراکم نفر در واحد مسکونی و متوسط زیربنا ارزیابی می شود. مساحت کل واحد مسکونی/تعداد واحد مسکونی	نامطلوب
تعداد کل اتاق ها	۹۰۳۶۴۳۷	-	
متوسط اتاق به نفر (نسبت اتاق به کل جمعیت)	۰,۰۸۹	یک اتاق برای هر نفر	وضعیت نامطلوب
متوسط اتاق در واحد مسکونی	۲,۹۸	بعدخانوار و متوسط اتاق باید برابر شوند تا وضعیت مطلوب ارزیابی شود.	وضعیت نامطلوب
بعد خانوار	۳,۳		
متوسط اتاق برای هر خانوار	۰,۰۹	به تعداد هر یک از اعضای خانوار یک اتاق وجود داشته باشد.	وضعیت نامطلوب
تراکم خانوار در اتاق	۱۱,۲۴	شرایط مطلوب در شهر سالم ۰,۲۷ است.	وضعیت نامطلوب
تراکم نفر در اتاق	۳۷,۱۳	شرایط مطلوب برابر یک است.	وضعیت نامطلوب

متوسط بعد خانوار در شهر مشهد ۳,۳ است و حداقل مساحت استاندارد برای هر نفر در واحد مسکونی از طرف سازمان ملل ۱۴ مترمربع است. لذا میتوان نتیجه گرفت که در سطح شهر مشهد برای هر نفر در واحد مسکونی بیش از ۱۴ مترمربع فضا وجود دارد. بنابراین این شاخص مثبت ارزیابی می شود. پایین بودن این میزان سبب مشکلات اجتماعی و درگیری هایی در بین اعضای خانوار می گردد و سبب می شود تا افراد آسایش و راحتی لازم را در منازل خود نداشته باشند.

جدول ۵: محاسبه زیربنا و درصد آن (ماخذ: سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵)

شخص زیربنا	۵۰ متر و کمتر	۷۵ تا ۸۰ مترمربع	۸۰ تا ۱۰۰ مترمربع	۱۰۱ تا ۱۵۰ مترمربع	۱۵۱ تا ۲۰۰ مترمربع	۲۰۱ تا ۳۰۰ مترمربع	۳۰۱ تا ۵۰۰ مترمربع	۵۰۱ مترمربع و بیشتر
تعداد	۱۶۰۸۵	۳۵۶۲۷	۱۳۷۸۱	۲۳۷۷۷	۹۰۵۰	۱۱۴۱	۴۱۶	۱۲۷
درصد از کل	۱۶	۳۵,۴۴	۱۳,۷۱	۲۳,۶۵	۹	۱,۱۴	۰,۴۱	۰,۱۳
مسکن سالم	زیر بنای واحد مسکونی باید به مقداری باشد که برای هر نفر در واحد مسکونی بیش از ۱۴ متر مربع مساحت وجود داشته باشد.							

باتوجه به مطالعات صورت گرفته میتوان اذعان داشت که شهر مشهد از نظر شاخص های کمی از وضعیت نامطلوبی برخوردار می باشد. کمبود مسکن و زیربنای نامناسب برای هر نفر در خانوار از جمله موارد حائز اهمیت در این بخش می باشد. با توجه به جدول شماره ۶، مشاهده می شود که در شهر مشهد ۹۳,۳۶ درصد از ساختمان ها اسکلت فلزی، اجر و آهن به کار رفته است. این مسئله نشان می دهد که مصالح استفاده شده در واحدهای مسکونی شهر مشهد مقاوم هستند و در مقایسه با مسکن سالم وضعیت نسبتاً مطلوبی دارند. این مقاوم بودن سبب می شود تا در صورت نیاز و براساس استانداردهای لازم در بخش مسکن، سرریز جمعیتی و تقاضای مسکن را با افزایش تراکم در طبقات کنترل نمود و بر تعداد مساکن عرضه شده در شهر افزود.

جدول ۶: نوع مصالح به کار رفته در واحدهای مسکونی (ماخذ: سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵)

نوع مصالح	شهر مشهد	سهم درصد از کل	مسکن سالم (ایده آل)
اسکلت فلزی	۴۶۶۵۷۶	۵۲,۲۵	۱۰۰٪
بتن آرمه	۳۵۷۱۶	۴	۹۳,۳۶ نسبتاً مطلوب
آجر و آهن یا سنگ و آهن	۳۶۷۰۵۵	۴۱,۱۱	
آجر و چوب یا سنگ و چوب	۴۱۰۶	۰,۴۶	
بلوک سیمانی (با هر نوع سقف)	۱۲۴۸	۰,۱۴	
تمام آجر یا سنگ و آجر	۸۴۱۹	۰,۹۴	
تمام چوب	۴۷	۰,۰۱	
خشت و چوب	۹۲۸	۰,۱۰	
خشت و گل	۱۲۲۶	۰,۱۴	
سایر	۶۲۲۷	۰,۷۰	
اظهار نشده	۱۳۷۳	۰,۱۵	
جمع	۸۹۲۹۲۱	۱۰۰	

فقدان مسکن کافی سبب می شود تا مازاد جمعیت برای اسکان خود با هر تعداد خانوار، رو به اجاره نشینی و سکونت موقتی بیاورند. بالا بودن این تقاضا نسبت به عرضه سبب مشکلاتی نظیر بالا رفتن میزان بها و در مقابل آن افزایش میزان بدمسکنی، افزایش نرخ فروش مصالح ساختمانی، افزایش مشکلات اجتماعی و تورم در بازار مسکن و.. می شود. لذا میتوان نتیجه گرفت که رابطه تنگاتنگی میان عرضه مسکن و در مقابل آن تقاضای مسکن وجود دارد که سبب می شود درصد زیادی از مردم با توجه به افزایش تورم و هزینه های مصرفی خانوار، قادر به خرید ملک نشوند و رو به سکونت موقت و یا همان اجاره نشینی بیاورند. بالا بودن هزینه تامین مسکن مشکلات دیگر اجتماعی را نیز به همراه دارد که از جمله آنها میتوان به تراکم بالای تعداد نفرات در خانه های کوچک اشاره نمود. لذا بر طبق جدول شماره ۷، مشاهده می گردد که نحوه تصرف در شهر مشهد بیشتر به صورت ملکی بوده و پس از آن واحدهای مسکونی تصرفی به صورت رهن و استیجاری درصد بالایی را شامل می شوند. به طور کل میزان مالکیت و نحوه تصرف ملکی و رهن و استیجاری نزدیک به هم بوده و توزیع خانوار در واحد مسکونی بر حسب نحوه تصرف واحد در وضعیت مناسبی قرار ندارد. لازم به ذکر است که در این بخش تنها واحدهای مسکونی آپارتمانی و واحدهای مسکونی معمولی مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول ۷: توزیع خانوارها بر حسب نحوه تصرف واحد مسکونی (ماخذ: سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵)

شاخص نحوه تصرف	شهر مشهد	سهم درصد از کل
ملکی عرصه و اعیان	۴۷۸۵۱۲	۴۷,۱۳
رهن / استیجاری	۴۵۳۷۴۶	۴۴,۶۹
سایر	۸۱۲۶۹	۸
اظهار نشده	۱۸۰۶	۰,۱۸
جمع	۱۰۱۵۳۳۳	۱۰۰

بر اساس جدول شاخص بدمسکنی مشاهده می شود که شاخص بدمسکنی در شهر مشهد در سطح بالایی قرار دارد و وضعیت مسکن نسبت به مسکن سالم اخلاف زیادی دارد؛ لذا وضعیت بدمسکنی در شهر مشهد کاملاً نامطلوب ارزیابی می شود. کیفیت پایین مسکن مشکلاتی باخود به همراه دارد که از جمله آنها میتوان به مشکلات دسترسی به خدمات و تسهیلات مورد نیاز، تراکم پایین اتاق در واحدهای مسکونی، تراکم نفر در واحد مسکونی اشاره نمود. همچنین وجود خانه هایی با استاندارد ناکافی نظیر چادر، کپر و غیره سبب مشکلات اجتماعی و فرهنگی زیادی می شود که از جمله آنها میتوان به فقر، جرم و جنایت، بزهکاری، بیماری، باروری بالا، بی سواد، تضعیف پیوندهای اجتماعی و .. اشاره کرد.

جدول ۸: تعداد و درصد واحد های مسکونی بد (بدمسکنی) (ماخذ: سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵)

شاخص بدمسکنی ۹۵	شهر مشهد	مسکن سالم
کل واحد مسکونی (واحدهای آپارتمانی + خانه های معمولی)	۱۰۱۵۳۳۳	هر چه به صفر نزدیکتر
چادر + کپر + آلونک، زاغه یا موارد مشابه + سایر + اظهار نشده	۵۳۹۸	مطلوب تر
درصد بدمسکنی	۸,۳۷	نامطلوب

۷- نتیجه گیری

شناخت مسکن به لحاظ شاخص های کمی و کیفی از جمله عوامل اصلی و پایه ای در برنامه ریزی های آتی شهر، به ویژه بعد برنامه ریزی مسکن، محسوب می شود و آنچه در این میان شایان ذکر است این است که شاخص ها عنصر کلیدی در تعیین کیفیت مسکن هستند و جایگاه خاصی در نظام برنامه ریزی مسکن دارا می باشند. اما وجود هریک از آنها به تنهایی شرطی لازم در جهت ارتقای سطح کیفی مسکن و شرایط مطلوب آن نیست. در مسکن سالم، این شاخص ها در مطلوب ترین وضعیت خود قرار گرفته اند. آنچه وجود این شاخص ها را به شرط کافی در بحث کیفیت مسکن و مسکن مناسب تبدیل می کند، لزوم وجود همه آنها در کنار یکدیگر است. یعنی وجود یکی بدون دیگری عاملی کافی نیست. بر طبق هدف این پژوهش، می توان اذعان نمود که شاخص های مسکن در شهر مشهد با شاخص های مسکن سالم مطابقت نداشته و درصد بیشتری از این شاخص ها در وضعیت نامطلوبی بسر می برند. فقدان مسکن کافی و بالا بودن درصد بدمسکونی (۰,۳-) در شهر مشهد سبب نامطلوبی شاخص های مسکن گردیده است. فقدان واحدهای مسکونی مناسب سبب شده است تا شاخص هایی نظیر تراکم نفر در اتاق با آمار (۳۷,۱۳) و خانوار در وضعیت نامطلوبی قرار گیرند که این امر باتوجه به مبانی نظری پژوهش علاوه بر مشکلات سکونتی سبب مشکلات اجتماعی و فرهنگی نیز می شود. وجود خانه های تصرف شده بدون مجوز همچون، آلونک، زاغه، کپر و یا موارد این چنینی با تعداد ۵۳۹۸ و درصد بدمسکنی (۸,۳۷) سبب گردیده تا علاوه بر مشکلات اجتماعی، مشکلاتی در زمینه نظر شهری نیز بجود آید. لذا پیشنهاداتی که میتوان در زمینه بررسی شاخص های مسکن شهر مشهد مطرح نمود شامل موارد زیر می باشد:

- اعطای وام کم بهره به منظور دستیابی همگانی به مسکنی سالم.
- افزایش واحد های مسکونی ارزان قیمت و استاندارد به منظور افزایش مالکیت و تصرف خانوار ها.
- کاهش رهن و اجاره بها به منظور افزایش قابلیت سکونت موقت در واحد های مسکونی رهنی و استیجاری.
- افزایش نظارت بر ساخت و ساز ها و جلوگیری از وجود مساکن غیراستاندارد (از لحاظ مساحت و متراژ استاندارد برای سکونت هر فرد با توجه به مسکن سالم)
- جلوگیری از (زاغه نشینی و استفاده از آلونک ها و کپر) برای سکونت در شهر و نواحی حاشیه.
- استفاده از مصالح مناسب و مقاوم در ساخت و سازها.

منابع

۱. انصاری، حمیدرضا، (۱۳۹۴). "ارزیابی و تحلیل کارکردپذیری طرح های معماری مسکن در اندازه کوچک، نمونه موردی: مجموعه پنجاه هزار واحدی غدیر مسکن مهر". نشریه هنرهای زیبا معماری و شهرسازی؛ پاییز ۱۳۹۴، دوره ۲۰، شماره سوم.
۲. افشاری آزاد، سمیه. و عثمانی، آرش. و پیری، سعید. و خسرو بیگی، بهمن. (۱۳۹۴) "ادراک ساکنان در سکونتگاه های غیر رسمی و ارزیابی شاخص های کمی و کیفی آن (نمونه موردی: حصار امام خمینی (ره) شهر همدان)". فصلنامه آمایش محیط شماره ۳۷.
۳. بردی آنامرادنژاد، رحیم. (۱۳۹۴). "ارزیابی ویژگی های کمی و کیفی مسکن در ایران طی سالهای ۱۳۴۵_۱۳۹۰". مجله پژوهش و برنامه ریزی شهری، سال ششم، شماره ۲۰.
۴. بزی، خدارحم. و عباس جواهری. (۱۳۸۹). "بررسی افتراق مکانی_فضایی محله های شهر زابل در برخورداری از شاخص مسکن سالم". مجله جغرافیا و برنامه ریزی محیطی سال ۲۲ شماره پیاپی ۴۳، شماره ۳.
۵. بهرامی، رحمت الله (۱۳۹۷). "ارزیابی روستای سالم با تاکید بر شاخص های مسکن پایدار، مطالعه موردی: نواحی روستایی استان کردستان". نشریه علمی پژوهشی برنامه ریزی توسعه کالبدی، سالم سوم شماره چهارم (سری جدید)، پیاپی ۱۲ زمستان ۱۳۹۷.
۶. بهمنی، افشین. و صفر قائد رحمتی. (۱۳۹۵) "ارزیابی مسکن مهر از نظر شاخص های کیفی مسکن مناسب". مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای، سال چهاردهم، شماره ۸، بهار و تابستان ۱۳۹۵.
۷. پوراحمد، احمد. و زیاری، کرامت الله. و یوسفی، رشید. و حاجیلو، مهدی. (۱۳۹۳). "تحلیل شاخص های کمی و کیفی و برنامه ریزی مسکن شهر زنجان". فصلنامه آمایش محیط شماره ۳۳.
۸. پوراحمد، احمد. و علیرضا گروسی و ابلفضل نوری. (۱۳۹۲). "ارزیابی شاخص های مسکن شهرستان نظرآباد با رویکرد شهر سالم". فصلنامه برنامه ریزی کالبدی فضایی، سال دوم، شماره چهارم.
۹. رضازاده، راضیه و طاهره اوتادی. (۱۳۸۷) "بررسی نیازهای مسکن با توجه به تغییرات ساختار جمعیتی در شهر تهران". نشریه بین المللی علوم مهندسی دانشگاه علم و صنعت ایران؛ جلد ۱۹، شماره ۱۰.
۱۰. رضایی آدریانی، سهیلا. و حسن احمدی. (۱۳۹۶). "تحلیل و ارزیابی شاخصهای کمی و کیفی مسکن در شهرستانهای استان اصفهان". فصلنامه آمایش محیط، تابستان ۱۳۹۹، شماره ۴۹.
۱۱. روستایی، شهرپور. و شیوا علیزاده. (۱۳۹۹). "تحلیل فضایی کیفیت مسکن در شهر ارومیه با استفاده از روش HOT SPOT". نشریه علمی پژوهشی برنامه ریزی توسعه کالبدی، سال پنجم شماره یکم (سری جدید)، پیاپی ۱۷ بهار ۱۳۹۹.
۱۲. زیاری، سمیه. و فرهودی، رحمت الله. و پوراحمد، احمد. و حاتمی نژاد، حسن. (۱۳۹۶). "بررسی و تحلیل مسکن پایدار در شهر کرج". مجله جغرافیا و توسعه شماره ۵۲ پاییز ۱۳۹۷.
۱۳. زیاری، کرامت الله. و عزیت الله قاسمی قاسموند. (۱۳۹۵) "ارزیابی شاخص های کمی و کیفی مسکن با رویکرد توسعه پایدار مطالعه موردی: شهر سامان". پژوهش های جغرافیای برنامه ریزی شهری، دوره چهارم، شماره دوم تابستان ۱۳۹۵.
۱۴. زیاری، کرامت الله. و فرخلو، مهدی. و جان بابا نژاد طوری، محمد حسین. (بی تا). "مقایسه تطبیقی شاخص های کمی و کیفی مسکن شهر بابل با نقاط شهری کشور با تاکید بر شهر سالم". فصلنامه تحقیقات جغرافیایی شماره ۹۷.
۱۵. زیاری، کرامت الله. و محمود آروین و حسین فرهادی خواه. (۱۳۹۶). "ارزیابی وضعیت شاخص های مسکن گزینی در شهر (نمونه موردی: شهر اهواز)". فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، سال نهم، تابستان ۱۳۹۶، شماره ۳۰.
۱۶. ستارزاده، داوود (بی تا). "بررسی شاخص های جمعیتی مسکن ایران در سال ۱۳۸۵".
۱۷. سرشماری عمومی نفوس مسکن مشهد ۱۳۹۵
۱۸. شاهپوندی، احمد. محمود محمدی و اعظم عباسی مزرعه شاهی (۱۳۹۳). "بررسی نوع مسکن و تسهیلات اولیه سکونتگاهی در استانهای ایران". فصلنامه علمی و پژوهشی برنامه ریزی فضایی (جغرافیا) شماره چهارم.
۱۹. شکرگزار، اصغر. و مریم جعفری مهرآبادی و رقیه گودرزوند چگینی (۱۳۹۵). "مروری بر شاخص های کمی و کیفی مسکن". چهارمین کنفرانس ملی پژوهش های کاربردی در مهندسی عمران، معماری و مدیریت شهری، و سومین کنفرانس؛ و نمایشگاه تخصصی انبوه سازان مسکن و ساختمان استان تهران، هفت و هشت بهمن ماه ۱۳۹۵.
۲۰. کریمی بنه خلخال، هادی. و مریم جعفری مهرآبادی و اسماعیل آقای زاده (۱۳۹۶) "ارزیابی وضعیت مسکن سالم در شهرها، مطالعه موردی: شهر اردبیل". فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات شهری شماره ۲۶.

۲۱. لطفی، حیدر. و جمال الدین دریا باری و ناصر اقبالی (۱۳۸۸). "بررسی شاخص های کمی و کیفی مسکن و پیش بینی آن برای آینده در شهر اسفراین" فصلنامه علمی _ پژوهشی جغرافیایی سرزمین، شماره ۲۱.
۲۲. محمودیانی، سراج الدین. و حاتم حسینی (۱۳۹۳). "شاخص های کمی و کیفی مسکن، تجربه ایران بعد از انقلاب اسلامی". مجله بررسی آمارهای رسمی ایران، سال ۲۵، بهار و تابستان ۱۳۹۳، شماره یکم.
۲۳. مرکز آمار ایران
۲۴. یاران، علی. و حامد محمدی خوش بین. (۱۳۹۸) " راهکارهای توسعه مسکن در شهرهای کوچک، مطالعه موردی: شهر خمام در استان گیلان ". نشریه علمی باغ نظر، شماره ۱۶ آذرماه ۱۳۹۸.
25. Clair, Amy.and Amanda Hughes.(2018) " Housing and health: new evidence using biomarker data". Clair A, Hughes A. J Epidemiol Community Health 2019;73:256–262. doi:10.1136/jech-2018-21143.
26. Kang, nana. And Tai kim,Jeong.and Tea Kyung Lee.(2014) " A Study on the Healthy Housing Quality of Multi-family Attached House According to Dwelling Unit Age" Sustainability in Energy and Buildings 2014, SEB-14.
27. Lan Huong Le, Anh Dung Ta, Hoang Quyen Dang, (2016)"Building up asystem of Indicators to Measure Social Housing Quality inVietnam"Sustainable Development of civil,Urban and Transportaion Engineering Conference,procediaEngineering142pp.115_122
28. Sri Andayani,Lita,ANDJuliandi Harahap.(2015) " Healthy House as Indicator to Realize Healthy City and its Relationship with the Role of Community in Medan City" Proceedings of The 5th Annuual International Conference Syiah Kuala University (AIC Unsyiah) 2015, In conjunction with The 8th International Conference of Chemical Engineering on Science and Applications (ChESA) 2015, September 9-11, 2015.
29. Štreimikienė, Dalia.(2015). " Housing indicators for assessing quality of life in lithunia". Intelek tine ekonomika, intellectual economic, intellectual economics, 2014, Vol. 8, No. 1(19), p. 25–41

تلاش برای حفظ جایگاه هویت معماری همراه با توسعه شهرنشینی در معماری معاصر با تأکید بر آسمان خراش هامونگ چین

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۰۹

کد مقاله: ۶۶۰۸۶

مجید خیرخواه^{۱*}

چکیده

این مقاله سعی دارد که با استفاده از یک مدل، ارتباط وجوه هویتی معماری را با وجوه انسانی بررسی نماید در این پژوهش ابتدا تعریف فراگیری از مفهوم هویت و هویت معماری ارائه شده است، سپس ابعاد مختلف تعاریف هویت معماری در چارچوب این تعریف تبیین می‌گردد تا براساس این تعریف معین، بتوان عوامل هویت‌بخش معماری را شناسایی و دسته‌بندی کرد. نوشته حاضر در سه بخش اصلی ارائه شده است از طرفی مفهوم هویت در معماری مستقیماً به مسئله مورد مطالعه و اهداف آن، اساس کار و میزان موفقیت این مطالعه با استناد به نتایج کار به‌طور مختصر اشاره می‌شود. در این مقاله به بررسی جایگاه انسان و بهره‌برداری از هویت و حفظ سنت در معماری به بررسی پرداخته و رابطه انسان و محیط و تأثیر هویت بر زندگی افراد نیز پرداخته می‌شود. در ابتدا پیشینه تحقیق مورد بررسی قرار گرفته و مبانی نظری بیان شده است یافته‌ها و تحلیل یافته‌ها و سپس بحث و نتیجه‌گیری مطرح شده است. روش تحقیق توصیفی تحلیلی است و تحقیق کاربردی می‌باشد و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای اسنادی است و برای پاسخ به سؤالات تحقیق استفاده شده است. در انتها نتیجه‌گیری آنچه پژوهش حاضر در فرجام کار بر آن تأکید دارد، توجه به حضور چندجانبه به تلاش برای حفظ هویت و سنت در معماری معاصر با توسعه شهرنشینی است. مجموعه آسمان خراش هامونگ چین برنده مسابقه معماری ۲۰۲۱ شده است که نمونه‌ای بسیار موفق در نوع خود و منبع الهام برای معماران می‌باشد را به در این زمینه معرفی می‌کنیم که با حفظ هویت و اصالت زندگی جدید را آغاز نموده‌اند.

واژگان کلیدی: هویت، توسعه شهرنشینی، معماری معاصر، هامونگ چین

۱- مقدمه

مفهوم هویت در آثار معماری نیز ارتباط عمیق با تعریف مفهوم هویت در انسان داشته به گونه ای که یک اثر به عنوان نمادی از شخصیت فرد به شمار می‌آید معماری به رغم تفاوت های سرزمینی که در آن شعر در شکل آن تاثیر فراوانی داشته و دارای ویژگی های ذاتی پویا و تدریجی است که آن را هویت می نامند. برای دستیابی به آنچه گفته شد، با استناد به روش تحقیق مبتنی بر زمینه، رویکردهای روش تحقیق در پژوهش پیش رو، بر اساس روش کمی و استدلال منطقی استوار است، همچنین مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای همراه با روش کیفی، اساس بیان، توصیف، تحلیل و تفسیر نتایج به دست آمده در این پژوهش را تشکیل می‌دهند.

۱-۱- سوالات تحقیق

روش تحقیق در این مقاله توصیفی تحلیلی است و تحقیق کاربردی می باشد و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه ای اسنادی است و برای پاسخ به سوالات تحقیق که چگونه میتوان تلاش برای حفظ جایگاه هویت معماری در معماری معاصر تلاش کرد؟ آیا با توسعه شهرنشینی میتوان هویت افراد جامعه را حفظ کرد؟ همچون الگوی شایسته از ارتباط هویت، بازکاوی شده ست. آنچه پژوهش حاضر در فرجام کار بر آن تاکید دارد، توجه به حضور چندجانبه هویت در تمامی وجوه و تلاش برای حفظ هویت با توسعه شهرنشینی در قالب دو رویکرد کلان؛ هم آوایی و کمال بخشی معماری به آن ها است.



شکل ۱- ساختار تحقیق (مأخذ: نگارنده ۱۴۰۰)

۲-۱- روش تحقیق

این تحقیق از دسته روش های کمی است. در این رویکرد، جهت (Case) به سمت مورد مشاهده (Theory) حرکت از نظریه توسط استدلال قیاسی است. لذا در ابتدا به صورت توصیفی تحلیلی به استخراج الگوی هویت اجتماعی به عنوان نظریه پایه ای تحقیق خواهیم پرداخت و در ادامه، این الگو در مورد تحولات هویت آزموده خواهد شد. ابزار اصلی تحقیق نیز استفاده از اسناد کتابخانه ای است.

۲- معانی و مفاهیم واژه هویت

در فرهنگ فارسی معانی متفاوتی برای واژه هویت ذکر گردیده است. در لغت نامه دهخدا هویت «عبارت است از تشخص و همین معنی میان حکیمان و متکلمان مشهور است، هویت گاه بر وجود خارجی اطلاق می گردد، هویت گاه بر ماهیت با تشخص اطلاق می گردد که عبارتست از حقیقت جزئی، (اصطلاح صوفیه) هویت مرتبه ذات بحث را گویند و مرتبه احدیت و لاهوت ... هویت از لفظ هو گرفته شده که اشاره به غایب است و آن درباره خدای تعالی اشاره است به کنه ذات او به اعتبار اسماء و صفات او ...» (دهخدا، ۳۴۹، ۱۳۴۲). در فرهنگ واژه هویت در ۴ مفهوم به کار رفته است: ۱) ذات باری تعالی، ۲) هستی، وجود هویت عبارت ۳) آنچه موجب شناسایی شخص باشد، ۴) هویت عبارت است از حقیقت جزئی است ...». (تقوایی، ۱۳۹۱)

۳- واژه شناسی هویت

در ادبیات عرفانی ایران، هویت به ذات مطلق خداوند اطلاق می شود. لذا معنی وجود و هستی را برمی آورد. ملاصدرا که همه موجودات را ممکن الوجود و نسبی می داند، هویت را «هویت ساریه» و به معنای فیض رسان به دایره ی ممکنات دانسته است (سجادی، ۱۳۷۵). داوود قیصری در مقدمه فصوص الحکم، هویت را چنین تعریف می کند: «آنچه را شیئیت شیء به آن است به اعتبار تحقق، حقیقت گویند؛ به اعتبار تشخص، هویت گویند. (تقوایی، ۱۳۹۱) در این معنا، ذات مقدس خداوند بدنبال تجلی و هویت بخشی بر دایره ممکنات و خارج شدن آنها از کتم عدم منشاء هستی و هویت بخشی به موجودات و انسان بوده و هر موجودی به مقتضای ذات و استعداد و قابلیت خویش پذیرای ظهور حق می گردد. فرهنگ عمید در مدخل هویت از «مشتمل بر

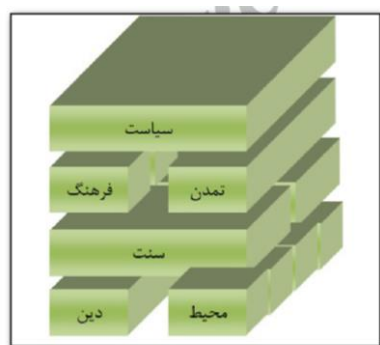
صفات جوهری یاد می کند و فرهنگ معین «آنچه را که موجب شناسایی شخص یا شیئی باشد» را به عنوان تعریف هویت ذکر می کند.» واژه نامه آکسفورد هویت را کیستی و چیستی شخص میداند. (Oxford, 2008).

۴- مؤلفه های تعیین کننده هویت

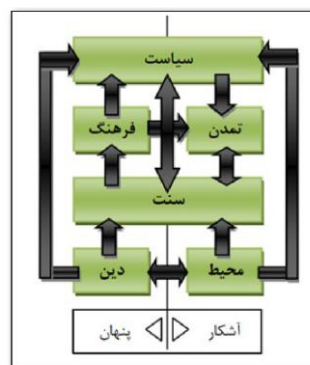
جمع بندی دیدگاه های اندیشمندان در رابطه با هویت حاکی از آنست که بر خلاف نگرش سنتی به هویت به عنوان مفهومی ذاتی و ثابت، امروزه از هویت به مفهومی ساخته شده تعبیر می گردد که تحت تأثیر عوامل گوناگونی قرار دارد. بر این مبنا می توان مهم ترین این عوامل را شامل فرهنگ، مکان و زمان معرفی کرد. همچنین از دو عامل ارتباط و ادراک به عنوان دو عامل مؤثر در تحول و تشخیص هویت نام برده می شود. (سلیمانی و دیگران، ۱۳۹۵)

۵- الگوی ساختاری هویت

کلیه عناصر سازنده هویت اجتماعی در جامعه ای (براساس تصویر با یکدیگر که در حال تعادل باشد در الگویی مشابه شکل تعامل قرار می گیرند. دین و محیط که عناصر پایه ای هویت اجتماعی محسوب می شوند در این الگو لایه زیرین قرار گرفته اند. جوامع مبتنی بر ادیان از این عنصر به عنوان ستون همه عناصر دیگر استفاده می کنند و جوامع غیر دینی عناصری همچون جامعه، تاریخ یا قومیت و نژاد را مبنا قرار می دهند. لایه بعدی به سنت جاری جامعه اختصاص دارد که هم دارای جوانب آشکار و هم پنهان است. رفتارها، ارزش ها، هنجارها، رسوم و آداب، شکل زندگی مردم و ... مثل همگی سنت آن جامعه محسوب می شوند. ابعاد پنهان سنت در طول زمان، فرهنگ آن جامعه را تشکیل ارزش ها و عقاید می دهند. تمدن نیز به عنوان تبلور کالبدی فرهنگ و متناسب با سنن آن شکل می گیرد (رحیم زاده ۱۳۷۹). تمدن عنصری است که باید از سیاست، فرهنگ و سنت جامعه تأثیر پذیرد. در بالاترین لایه نیز سیاست به عنوان ناظم و رهبر جامعه قرار دارد که ممکن است اصول اساسی آن یا توسط دین از دل اجتماع یا نگاه مادی به طبیعت تعیین شود. همچنین در حرکتی رو به پایین با ساخت تمدن شرایط زندگی افراد جامعه تأمین می شود. این الگو می تواند هویت فردی، خانوادگی و اجتماعی را به تصویر بکشد. نمونه ای از الگوی توسعه یافته هویت همچنین در تصویر ۲ دیده می شود. این مدل مثال جامعه ای است تحت یک دولت واحد با محیط هایی (جغرافیایی یا اجتماعی) گوناگون، که سنت ها و فرهنگ آنها نیز ممکن است در مناطقی به یکدیگر شبیه و یا با مناطق دیگر متفاوت باشد. به عنوان مثال این الگو می تواند گویای کل کشور باشد که تحت یک حاکمیت سیاسی واحد با محیط های انسانی، طبیعی و سنت های متفاوت گرد هم جمع شده اند. درحالی که آنچه تا کنون از هویت ارایه شده است نمودی از هویت ملی و سیاسی واحد، بدون تفاوت های فرهنگی، قومی و منطقه ای بوده که برخی نارضایتی ها و نافرمانی های قومی در بسیاری مناطق وجود دارد. منبع (Islami, 1998, 197)



شکل ۳. توسعه یافته هویت ماخذ (منبع، رستم پور و دیگران، ۱۳۹۳)



شکل ۲. الگوی ساختاری هویت (منبع، رستم پور و دیگران، ۱۳۹۳)

۶- تحول در هویت

در طول زمان و با تغییر در هر یک از عناصر هویت ساز می توان تحول هویت را مشاهده کرد. البته با توجه به نقش آن عنصر، تحول نیز می تواند اساسی یا سطحی باشد و "این فرآیند می تواند در جهت پویایی و ارتقا باشد یا در راستای تنزل مرتبه و کاستی همچنین تحول می تواند نتیجه یک سیر نماید. (نقره کار: ۱۳۸۷)

هویت معماری از آنجا که تجربه معماری یک تجربه همه جانبه انسانی محسوب می‌گردد، پس "است و" ظرفی برای مفروضات یک رابطه بلاواسطه بین انسان و محیطش وجود دارد که می‌باشد (حجت، ۱۳۸۷) "رابطه‌ای از نوع "مدرک و مدرک، به همین دلیل انسان با صفات و ویژگی‌هایی که داراست نقش مهمی در هویت معماری دارد. برای اینکه بتوان هویت معماری را تعریف کرد باید ابتدا مفهوم هویت، بماهو هویت تبیین گردد تا بتوان هویت معماری را تعریف نمود. هویت یک مفهوم است که از کیستی یک چیز پرسش می‌کند و با "شخصیت" تفاوت ماهوی دارد. زیرا "شخصیت" از کیستی عناصر سؤال می‌کند و به دنبال صفات ذاتی و جوهری آن عناصر که متعلق به آن است و متمایز از ادراک مخاطب می‌باشد. برخی این تفاوت را در نظر نمی‌گیرند و هویت را عینا به همین همان شخصیت یا ماهیت فرض می‌کنند ترتیب برخی تفاوتی بین "هویت" و معنا قائل نمی‌شوند. اگر معنا را با موضوع (لنگ ۸۵، ۱۳۸۲)، شولتز، تصویرهای ذهنی متفاوتی که مکان‌های متفاوت در افراد، ایجاد می‌کنند، مرتبط بدانیم (فلاح و نوحی، ۱۳۹۱) هویت به موضوع تفاوت تصویرهای ذهنی ناشی از مکان واحد در افراد مختلف با تجربیات و سوابق و ویژگی‌های مختلف می‌پردازد. به عبارتی معنا ویژگی مکان است در حالی که هویت به امری دو طرفه اطلاق می‌شود؛ یعنی تصویری در ذهن انسان است و شاخصه‌ای در پدیده وجود دارد که وحدت این دو عامل، منجر به به عبارتی احراز هویت می‌گردد (حجت، ۱۳۸۷) وحدت تصور ذهنی توقع یا انتظار ذهنی (با عینیت را هویت می‌توان دانست. با جستجو در منابع مختلف برای تعریف هویت معماری با مفاهیم مختلفی از هویت معماری مواجه می‌شویم که ممکن است با تعریفی که در بالا ارائه شد متضاد به نظر بیاید، اما این مفاهیم متفاوت را نیز می‌توان در چارچوب تعریف فوق‌الذکر قرار داد. همانگونه که اشاره شد، هویت معماری یک رابطه دوطرفه بین انسان و محیط است، اما بر حسب اینکه به واسطه معماری محیط ساخته شده، چه چیزی به چه کسی معرفی شود می‌توان "محیط ساخته‌شده" و "جامعه" را در، "سه عامل" انسان برقراری نسبت مفاهیم مختلف هویت معماری با تعریف داده شده شناسایی کرد که این می‌تواند اشکال گوناگونی به خود بگیرد: هویت به این معنا که انسان به واسطه محیط ساخته‌شده بخواهد خود را به جامعه بشناساند این موضوع چیزی است که ممکن است با اصطلاح فضا بیان گردد یعنی فرد با نماد و شخصی‌سازی نشانه‌هایی در ساختمان، خود، فرهنگ خود، موقعیت روش‌های ممکن برای مطالعه هویت محیط ۱ج کالبدی با استفاده از مدل گدس (دامیار، ۱۳۹۳).

جدول ۱: روش‌های ممکن برای مطالعه هویت محیط کالبدی با استفاده از مدل گدس منبع نقل شده در (Islami, 1998, 197)

معماری	هویت
بررسی وجه هویت و تبیین جایگاه معماری و بین آنها	بررسی وجه مختلف هویت بدون بررسی تفصیلی معماری
بررسی ویژگی‌های معماری بومی بدون توجه به موضوع هویت	بررسی ویژگی‌های معماری بومی و تبیین موضوع هویت در بین آنها

پرسش از هویت در کشور ما به مدت چهار دهه ذهن مردم، مدیران، هنرمندان و معماران را درگیر کرده است. این پرسش در بین مردمان کشورهایی مطرح می‌شود که دارای معمولاً پیشینه فرهنگی و تمدنی برجسته در گذشته بوده اند، ولی امروز احساس می‌کنند از کاروان تمدن جهانی عقب مانده و بیشتر مقدمه مصرف‌کننده محصولات دیگر تمدن‌ها شده اند. پرسش از هویت به دلایل متعددی که نبود چارچوب‌های فکری مناسب، نداشتن تضمین‌های اجرایی و وجود دستگاه‌ها و عوامل ذی نفع و ذی نفوذ متعدد از آن جمله اند، هیچ‌گاه به کارکردهای عملی و راهکارهای عینی دست نیافته است. از طرفی بالاتکلیفی در حوزه‌ی اندیشه، در ارتباط با مسئله هویت منجر به سردرگمی در هویت معماری نیز شده است. این مقاله بدنبال ایجاد چارچوب فکری مناسبی برای این بحث در زمینه معماری می‌باشد. امروزه تعبیر مختلفی در مورد هویت معماری، وابسته به دیدگاه‌های متفاوت انسان مولف و بهره‌بردار از آن وجود دارد. از آنجایی که انسان، زمان و مکان یک هستی را رقم می‌زنند، لذا هویتشان در هم آمیخته می‌گردد. این (پرتوی، ۱۳۸۲). نوشتار بدنبال پاسخ‌هایی برای این پرسش‌ها، که مفهوم سبک و هویت معماری از گذشته تا امروز چیست؟ امروزه چرا و چگونه مفهوم هویت تغییر یافته است؟ و مولفه‌های تاثیرگذار در بحث هویت در معماری چه و چگونه می‌باشند؟ بوده است. سامانه‌ی جستجوی مقاله کیفی و ضمن تفسیر و تحلیل معنایی داده‌ها، بدنبال عوامل چندگانه موثر بر پدیده هویت نیز بوده و راهبرد آن تفسیر گرا می‌باشد. (گروت، دیوید، ۱۳۸۸)

۷- مولفه‌های موثر در هویت

چنانکه از واژه شناسی هویت برآمد، انسان مولف و شناسنده ی معماری و مولفه های تمیز دهنده ی بنا، در تبیین هویت معماری موثر می باشند. بنابر نظر اندیشمندان، زمان و مکان ظرف حاوی وفالیت های انسانی (schuon, 1981) محتوای عالم پدیدار میباشند- از جمله معماری او- در طول زمان و در مکان معنا مییابند. (نوربرگ شولتس، ۱۳۸۱).

۸- هویت، انسان و باورهایش

یکی از مسائل مهم که بر تبیین هویت تاثیر مهمی دارد، انسان، باورهایش و میزان شناخت و آگاهی او، هم در مقام طراح و مولف و هم در جایگاه بهره بردار و شناسنده معماری است. در واژه شناسی هویت و سبک به تحول پیش آمده در خصوص معمار و سازنده ی بنا و جایگاه جدید او هم در جهان و هم در ابداع معماری، مطالبی بیان شد. مشخص گردید انسان، که در گذشته باورش بر این بود که، او چون «تی» است و «نی زننده»، و براین اساس صاحب هستی، هویت و ابداع در آن می نوازد هنرمندانه و معمارانه اش، ذات مقدس باری تعالی دانسته می شد، امروز بر اریکه ی عالم نشسته و خواسته های متغیر او دایر مدار هستی و هویت بخش آنها شده است. بخش دیگر تاثیر انسان در مقوله ی هویت، به او به عنوان شناسنده ی بنا مربوط می شود. در این مورد بحث هویت از جایی شروع می شود که قرار باشد چیزی برای کسی مورد شناسایی قرار گیرد. ویژگی های موجود در یک پدیده یا یک بنای معماری، برای همه افراد به یک اندازه قابل شناخت و دریافت نمی باشند. میزان شناخت و اشراف بینندگان و بهره وران از آن پدیده، در یک اروپایی ممکن درک و دریافت ویژگی های آن موثر است. مثلا است بتواند فرق بین قالی و گلیم را تشخیص دهد، در صورتی که یک ایرانی علاوه بر دریافت تفاوت فرش با گلیم، تفاوت انواع فرش ها و در شرایط تخصصی تر حتی تفاوت در نوع نقشه ی آنها را نیز می تواند تشخیص دهد. (تقوایی، ۱۳۹۱)

۹- هویت و مکان

ما همواره هویت خود را با ذکر مکان خاستگاه مان بیان می کنیم. جمله هایی چون «من اهل تهران هستم»، «من اهل پاریس هستم» فارغ از ناسیونالیسم های کور، در مورد هر زادگاه و به آن معنا نیست که در شهر خاستگاهی صدق می کند و صرفا تهران یا پاریس، خانه یا دفتری داریم؛ بلکه بیشتر بدان معنا است که ما خود را به هستی شهر تهران یا پاریس داخل و منضم می کنیم. پیداست که تعلق داشتن و بستگی یافتن، که به نظر می رسد در معنای هویت پنهان است چیزی فراتر از حس آسودگی و خوش زیستی یا رفاه در یک مکان را می نمایاند. پس، صرف نظر از موقعیت تاریخی، اجتماعی، تکنولوژیکی و جغرافیایی؛ انسان ها همیشه به مکان نیاز خواهند داشت، زیرا برخورداری از مکان و شناسایی آن، بخشی از وجود و هویت در دوران جدید، بشر را شامل می شود (Buttimer, 1980). معنای مکان آنگاه آشکار شد که، مکان چون گستره ای از فضا که دارای بار ارزشی است، به غیر مکان یابی مکانی تغییر چهره داد (پرتوی ۱۳۸۲).

در گذری کوتاه به این مقوله در طول تاریخ در می یابیم که، در گذشته حکمای ایرانی و فلاسفه ی باستان، مفهوم مکان و فضا را یکی قلمداد کرده و برای تعریف هر یک، از ویژگی های از بین نظریه پردازان دیگری استفاده می کردند (حبیبی ۱۳۸۷)، از بین نظریه پردازان قرن بیستمی، کوین لینچ ولین بار بابیان واژه تصویر ذهنی در سال ۱۹۷۹، هویت محیط را سبب داشتن تصویر ذهنی روشن از آن دانست (لینچ، ۱۳۵۰). از اوایل دهه ۱۹۷۰، پدیدار شناسی چون ای.فوتون (Tuan, 1977) ادوارد رلف (Relph 1976) و باتیمر (Buttimer, 1980) و متوجه ابعاد زیستی انسان و رابطه او با محیط شدند. تحقیقاتی که در نیمه دوم قرن بیستم توسط نظریه پردازهای پدیدار شناسانه نوربرگ شولتس و به تاسی از هایدگر و هوسرل تقویت شد. نوربرگ شولتس از دست رفتن مکان در دوران جدید را با هویت زدایی برابر می دانست. از نظر وی مکان تجلی آشکار زیست جهان است. وی فهم معماری چونان «هنر مکان» را بدان معنا می دانست که، آثار منفرد دست در دست یکدیگر داده تا کلتی را تشکیل دهند، که به تک تک آنها معنا ببخشد. در نظر وی «عرف معماری» ریشه ای برای سبک آن می باشد (نوربرگ شولتس، ۱۳۸۱).

۱۰- هویت و زمان

زمان به عنوان یکی از ابعاد وجودی جهان، دایره ممکنات، انسان و معماری او، همواره مورد توجه اندیشمندان بوده است. زمان در نظریه های هستی شناسانه عرفانی- ایرانی مترتب و لایه لایه بوده و در والاترین مرتبه به زمان در مرتبه سرمدی و نفی اطلاق قراردادی، اندازه گذاری شده، همگن، یک سویه و تهی از معنا می رسد (تقوایی، ۱۳۸۸) در ارتباط و نسبت آن با حرکت، نظریات فلاسفه اسلامی چون ابن سینا در باب زمان، تفاوت عمده ای با نظر ارسطو نداشت. و ملاصدرا نیز زمان را مقدار حرکت در جوهر می دانست آن را به عنوان بعد چهارم در کنار ابعاد سه گانه جوهر جسمانی ملاصدرا در تبیین (طول، عرض، ارتفاع) عرضه می

داشت. معرفی می حرکت جوهری خود زمان را «مقدار تجدد و تبدل» نمود. این نگاه به زمان با حرکت دوری افلاک که تلقی پیشینیان از آن بود، متفاوت می باشد. نیز زمان را تشکیل دهنده هر چیزی دانسته و ربن ک های مختلف آن مطرح نموده وابستگی آن را با حقیقت و لایه قراردادی و. در نگاه وی، زمان صرفاً (Corbin, 1986) است مرتبط با طبیعت نمی باشد، بلکه انفسی و معطوف به پدیده هایی است که فرد در طول و عرض آنها و در پیوستگی با آنها زندگی می کند. به نظر نصر نیز نسبت اکنون به سرمدیت مثل نسبت. بودن در آن نقطه ی اصلی به نقطه به مکان است (نصر ۱۳۷۹)، معنی به سر بردن در آن ذات سرمدی است که همیشه حضور دارد و از مرتبه ی شدن و گذرکردن افقی گذشته است. از آنجایی که فعالیت های انسانی در طول زمان و در مکان معنا می یابند، این فعالیت ها در طول زمان خاطراتی را در ذهن انسان ایجاد می کند، که ممکن است فردی یا جمعی باشند. با رجوع چندین باره به آنها، خاطره های جمعی که از عوامل هویت بخش انسان می باشند، نقش می بندد. برای اولین بار، مفهوم «حافظه جمعی» توسط جامعه شناس فرانسوی امیلیا تایم مطرح گردید. در نظر او، زندگی جمعی در طول تاریخ امتداد دارد و منقطع نیست و این احساس که در فرد فرد جامعه یا اکثریت آنها وجود دارد، حافظه جمعی نامیده می شود. این پدیده غیرارادی در طول زمان و زندگی فرد و جامعه نهادینه می شود. هویت اجتماعی و حافظه جمعی در جایی حفظ می شود که وقتی فرد در آنجاست حس می کند، مکانی که در آن مستقر است با سایر هر چقدر زمان گذشته نقاط متفاوت است (خسرو خاور ۱۳۸۳)، دارای بستر بیشتری برای فعالیت های مختلف و خاص بوده باشد، بر ضخامت حافظه جمعی آن جامعه افزوده می شود. به نظر حبیبی، خاطره ابزار تفحص گذشته نیست بلکه صحنه ای پس خاطره و برای به حال آمدن گذشته است. حافظه تاریخی که در طول زمان شکل گرفته، از عناصر اصلی هویت بخشی می باشد. (حبیبی ۱۳۸۳)

۱۱- مدل رابطه وجوه انسانی و عوامل هویت بخش

این مدل که به گونه ای برآمده از عوامل تشکیل دهنده مفهوم هویت معماری است، دارای سه محور است که یک مدل سه بعدی را ایجاد کرده است. در این مدل ابعاد وجوه ادراکی انسان به عنوان یک طرف تعریف هویت به عنوان عناصر محور عمودی و محیط تجربه عینی که طرف دیگر تعریف هویت محسوب می شود، به عنوان اجزای محور افقی قرار داده شده اند و به واسطه اتکای که آن را از «زمان» و کیفیات آن به «تجربه» بنیادین اجزای مهم و غیرقابل اجتناب در تعریف هویت قرار می دهد محور سوم این مدل به زمان تجربه اختصاص یافته است. انتظار است مدلی که این گونه از بحث نظری و منطقی حاصل شده است بتواند ابزاری باشد برای تبیین سامان یافته عوامل هویت بخش در هر گونه ای از معماری چرا که بحث مزبور متکی به گونه خاصی از معماری نبوده است؛ قابلیت های این مدل در جدول زیر به کمک یک نمونه معماری بومی معرفی شده است؛ از آنجا که معماری بومی دارای ویژگی هایی است که با تمام وجوه انسانی در ارتباط است و از نظر محیطی نیز با محیط طبیعی و طبیعت در ارتباطی از نوع سازگاری و هماهنگی است (Oliver, 1997). علاوه بر آن، با نک توجه به این که معماری بومی به عنوان عامل ذهنیت دهنده ای که از نظر زمانی و مکانی در طول ادوار مختلف تاریخی همراه با انسان بوده و هست، می توان این نوع معماری را برای آزمایش مدل به دست آمده انتخاب کرد. در واقع در قیاس با مثلاً معماری دوران صنعتی، معماری بومی بخش های وسیع تری از مدل ارائه شده را پوشش می دهد و برای آزمون مناسب تر است. ویژگی اساسی بودن انسان در جهان و ادراک این بودن، "سکونت"، تلقی شده که ساختن محیط بخش مهمی از محیط، تنها در (Heidegger, 1997) آنرا تشکیل می دهد صورتی به "محیط اجتماعی بامعنا" مبدل می شود که امکاناتی غنی را در تعیین هویت به ما ارزانی کند و یا در جایی دیگر شولتز اشاره می کند که تقدیر آدمی صمیمانه با مکان پیوند دارد (شولتز، ۱۳۸۲: ۵۳) هویت به این معنا که انسان محیط ساخته شده را بشناسد آنگونه که آن محیط با ذهنیت او همخوانی به طور مثال معماری، آن گونه معماری داشته باشد که بتواند به خواست ها و نیازهای انسان پاسخ دهد. (دامیار، ۱۳۹۳)

۱۲- تحلیل یافته ها (بررسی نمونه موردی اسمانخراش همونگ چین)

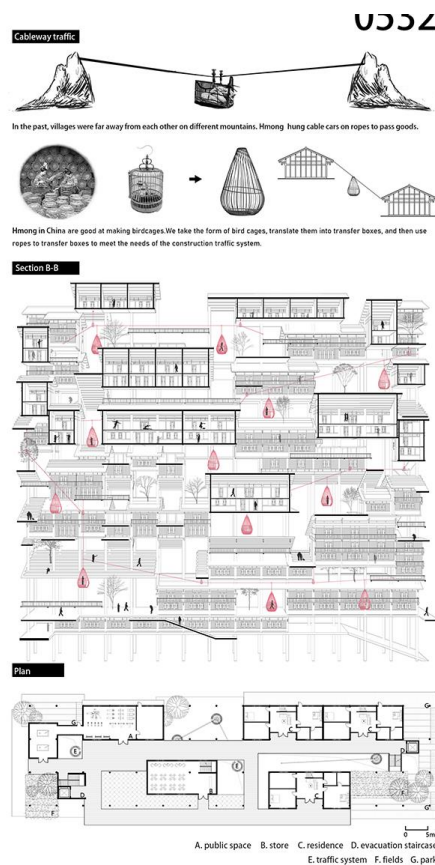
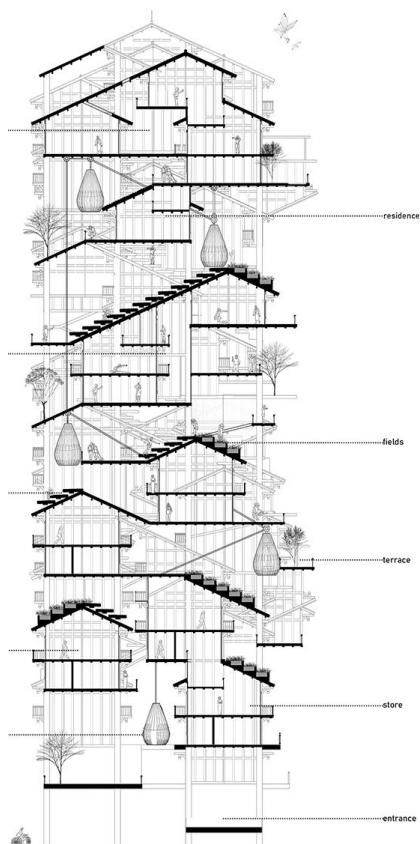
آسمان خراش هامونگ مجموعه ای از خانه های سنتی است که توسط فضای عمودی عمومی متحد شده است. این پروژه با هدفی خاص طراحی شده است به گونه ای که تمام اصول معماری سنتی و هویت افراد حفظ شده و با تلاش برای ساکن شدن در فضاهایی با معماری مدرن و تکنولوژی های روز دنیا و توسعه شهرنشینی این افراد هم از این امکانات استفاده کنند و هم هویت و اصالت خود را حفظ کنند و در اسایش و آرامش زندگی کنند. (www.archdaily.ir) مقام سوم مسابقه آسمان خراش سوم می ۲۰۲۱ تعلق گرفت. گروه طراح شیانگشو کنگ، شیائویونگ ژانگ، مینگسونگ سان. کشورارایه دهنده: چین. همونگ در چین ملیتی باستانی است و عمدتاً در استان یوننان زندگی می کند. همونگ زبان، معماری و سبک زندگی خاص خود را دارد. با این حال، این گروه از فرهنگ های خاص اقلیت به تدریج توسط فرهنگ مدرن بلعیده می شود. بسیاری از آداب و رسوم فرهنگی همونگ از بین رفته و حتی بسیاری از خانه های مردم همونگ تخریب شده و یا خواهد شد.

به منظور ایجاد یک جامعه مرفه از یک روش همه جانبه ، دولت چین سیاست های جابجایی را به روستاها صادر کرده است تا به هومونگ کمک کند تا از محل فرسوده محل زندگی خود دور بماند و به حومه شهرها نقل مکان کند تا یک مدرن و مدرن ارائه دهد. زندگی مرفه. اگرچه قصد اصلی دولت خوب است، اما تعداد بیشتری از اقلیت های قومی قادر به سازگاری با محل زندگی جدید نیستند. آنها زمین های زراعی، حیاط ها، جویبارها و ... خود را از دست می دهند. ما سعی می کنیم یک آسمان خراش طراحی کنیم. ما تمام تلاش خود را می کنیم تا حافظه و سبک زندگی کشاورزان از زادگاه اصلی آنها حفظ شود و در عین حال به آنها اجازه دهیم از راحتی شهرنشینی مدرن لذت ببرند. و هویت اصلی آنها را با توسعه شهر نشینی حفظ کنیم. ما ساختار ساختمان طرح سبک محلی را استخراج می کنیم، اسکلت چوبی را استخراج می کنیم، و سپس با استفاده از جرتقیل خانه اصلی چوبی را حرکت می دهیم، این دو را با هم ترکیب می کنیم و شکل اصلی آسمان خراش را تشکیل می دهیم، و سپس خانه های بیشتری به آسمان خراش، و آسمان خراش به تدریج از طول جانبی بلند می شود. در ادامه روایت تصویری از این پروژه گویای این طرح است.

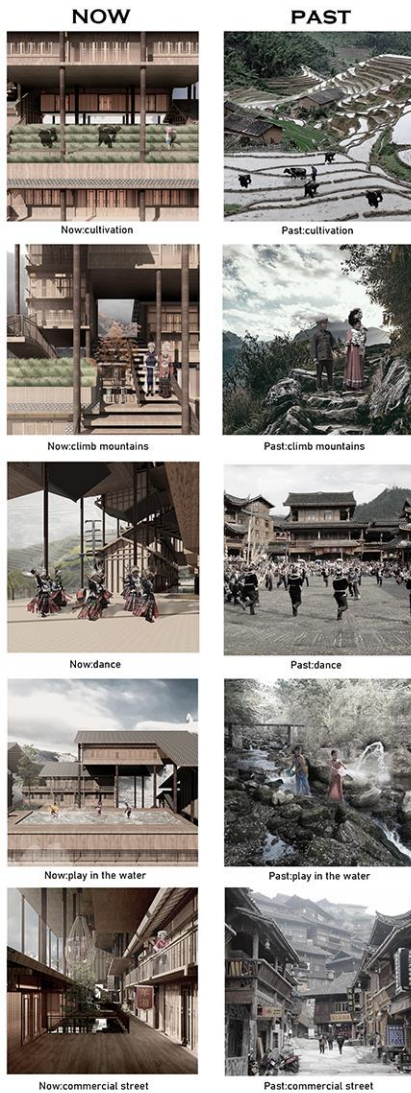
(www.evolo.ir)



شکل ۴- استفاده از نمادهای سنتی در طرح
(www.evolo.ir: مأخذ)



شکل ۵- مدارک طراحی (www.evolo.ir: مأخذ)



شکل ۶- تصویر پروژه (مأخذ: www.arel.ir)

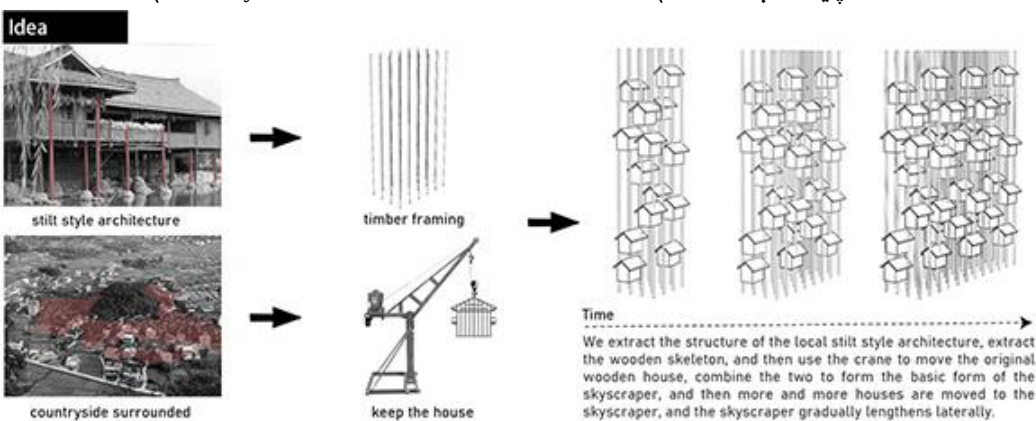


شکل ۷- استفاده از هویت افراد در طراحی (مأخذ: پایگاه شبک، ۱۳۹۹)



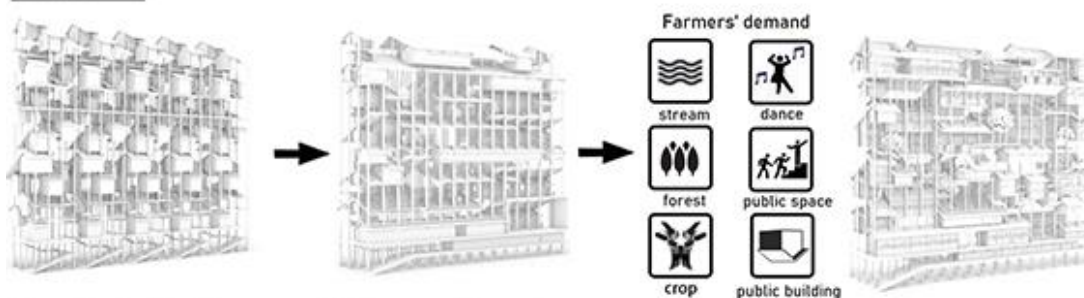
شکل ۸- عکس های مکان اولیه از محل و انتقال افراد (مأخذ: پایگاه شبک، ۱۳۹۹)

شکل ۹- ایده های قبل و بعد از طراحی (مأخذ: archdaily.ir)



شکل ۱۰- ایده هایی برای حفظ هویت افراد (www.archilovers)

Process



شکل ۱۱- طراحی بر اساس نیاز افراد (مأخذ: www.arel.ir)

نتیجه گیری

این مقاله حول محور جایگاه هویت در معماری معاصر کشوری بوده که دارای سابقه چندین هزارساله در زمینه ی فرهنگ و تمدن است. با توجه به اینکه مقوله هویت یک اصل مهم در تمامی کشورها و عصرهاست، لذا توجه و ارزش نهادن به جایگاه آن از اهمیت بسیاری برخوردار است. با انقلاب صنعتی و حرکت به سمت مدرنیته شدن در کل جهان تغییرات بسیاری رخ داده است و این تحولات فقط خاص یک بخش از زندگی بشر نبوده بلکه بر تمامی جوانب اعم از فرهنگ، هنر، آداب و رسوم، معماری و... تأثیر گذاشته است. همزمان با کل جهان؛ سرزمین ایران نیز تحت تأثیر این جریان قرار گرفت و کشوری که به تاریخ کهن، فرهنگ و معماری اصیل خود اهمیت و توجه خاص داشت، همانکون تحولات و اندیشه های نوظهور غربی برایش نتیجه های جز سردرگمی هویت نداشته است. از آن چه آمد می توان دریافت که هویت، امری صلب نمی باشد و در طول زمان با انسان و باورهایش متحول می شود. هویت و عامل تشخیص، اگر در حصار خود محبوس گردد می میرد. پس باید با انسان متحول شود. طبق تعریف، هویت دارای مختصاتی است که همچون نخ شاخه نبات ما را به اصل و ریشه های ذاتی و گذشته خود وصل می کند، ولی زمانه بر اساس نیازهای روز بلورهای متفاوتی به گرد آن رشته تشکیل می دهد، که مشترکات ما با معماری جهانی را شامل می شو تعریف هویت به عنوان وحدت تصور ذهنی با عینیت، خود منجر به حالات مختلفی از هویت شد که مفهوم مطلق هویت معماری تنها به یکی از آن ها (حالتی که معماری نماینده مفهومی دیگر مانند جامعه یا فرد در نظر گرفته نشود بلکه بماهو معماری مورد نظر باشد) قابل تعلق است که در اینجا وجوه مختلف آن مورد بررسی قرار گرفت. پس از پاسخ گفتن به سوالات تحقیق با بررسی نمونه موفق اسمانخراش هامونگ چین که تلاش برای حفظ هویت و معماری سنتی و تلفیق آن با تکنولوژی و توسعه شهرنشینی همراه است را به جهانیان معرفی کنیم.

منابع

۱. پرتوی، پروین، (۱۳۸۲)، مکان و بی مکان رویکردی پدیدارشناسانه مجله هنرهای زیبا شماره ۱۴ صفحه ۴۰ تا ۵۰
۲. تقوایی، ویدا، (۱۳۸۸)، از زمان تاسرمد در انسان و معماری مجله نامه معماری و شهرسازی شماره ۲ صص ۱۲۹-۱۱۷
۳. تقوایی، سید حسین، (۱۳۹۱)، مرزاز سبک تا هویت در معماری، نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، صفحات ۱۳۹۱ تابستان ۲ شماره ۱۷ تهران، ایران
۴. حبیبی، رعنا سادات، (۱۳۸۷)، تصویرهای ذهنی و مفهوم مکان مجله هنرهای زیبا شماره ۳۵ صفحه ۳۹ تا ۵۰
۵. حبیبی، سید محسن، (۱۳۸۳)، صور خیال شهر را پاک کرده این مجله رایانه معماری و ساختمان شماره سوم صفحه ۱۱۷ تا ۱۱۵
۶. حجت، عیسی، (۱۳۸۷)، هویت انسان ساز، انسان هویت پرداز، (تاملی در رابطه هویت و معماری)، هنرهای زیبا، شماره های ۲۴ و صص ۵۵-۶۲
۷. حجت، مهدی، (۱۳۸۴)، درس گفتارهای کلاس مبانی نظری معماری دوره لیسانس، دانشگاه تهران، پردیس هنرهای زیبا.
۸. خسرو خاور، فرهاد، (۱۳۸۳)، شهرها و خاطره جمعی مجله رایانه معماری و ساختمان شماره سوم صفحه ۱۱۴ تا ۱۱۲
۹. دامیار، سجاد، (۱۳۹۳)، رابه وجوه ادراکی انسان با عوامل هویت بخش در معماری، نشریه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۶، تابستان ۹۳
۱۰. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۴۳)، لغت نامه دهخدا، جلد دهم، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات، تهران.

۱۱. رحیم زاده، محمدرضا، (۱۳۷۹)، دومین کنگره معماری و مفهوم هویت، شهرسازی ایران، جلد دوم، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.
۱۲. رستم پور، کاوه، مسافرزاده، غزال، نظیف، حسن، (۱۳۹۳)، تحول هویت اجتماعی، پیامد معماری و شهرسازی نوگرا در شهرهای نفتی خوزستان، نشریه باغ نظر، سال یازدهم/ ۱۱-۲۲ تابستان ۱۳۹۳ شماره ۲۹
۱۳. سلیمانی، محمدرضا، فرح ایرج، فرح حبیب، فرح، (۱۳۹۵)، بازشناسی مفهوم و اصول هویت در اثر معماری، نشریه هویت شهر شماره بیست و پنجم / سال دهم / بهار ۱۳۹۵
۱۴. شولتز کریستیان نوربرگ، (۱۳۸۲)، گزینه ای از معماری: معنا و مکان. ترجمه ویدا نوروز برازجانی انتشارات جان جهان چاپ اول. تهران.
۱۵. فلاحت، محمدصادق، نوحی، سمیرا، (۱۳۹۱) در نشریه و نقش آن در ارتقای حس مکان فضای معماری، ۱۷ علمی-پژوهشی هنرهای زیبا -معماری و شهرسازی، دوره، دانشگاه تهران، تهران ۱ شماره
۱۶. گروت، لیندا، دیوید، وانگ، (۱۳۸۸)، روش های تحقیق در معماری، (ترجمه علیرضا عینی فر، دانشگاه تهران، تهران.
۱۷. لنگ، جان، (۱۳۸۱)، ترجمه دکتر علیرضا عینی فر آفرینش نظریه معماری، دانشگاه تهران، تهران.
۱۸. لهسایی زاده، عبدالعلی، (۱۳۸۵)، جامعه شناسی آبادان، چاپ دوم. تهران : انتشارات کیان مهر.
۱۹. لینچ، کوین، (۱۳۵۰)، سیمای شهر ترجمه مزینی، انتشارات دانشگاه ملی ایران، تهران.
۲۰. نصر، سید حسین، (۱۳۷۹)، نیاز به علم مقدس، ترجمه حسن میاننداری، ویراسته احمدرضا جلیلی موسسه فرهنگی طه تهران
۲۱. نقره کار، عبدالحمید، (۱۳۸۷)، درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی، وزارت مسکن و شهرسازی. تهران: نشر پیام سیما
۲۲. نوربرگ شولتز، کریستیان، (۱۳۸۱)، معماری: حضور، زبان و مکان، نشر، تهران. -ترجمه علیرضا سید احمدیان، موسسه معمار
23. Applegate, L.M. Austin, R.D., and McFarlan, W.F. (2003). Corporate Information Strategy & Management, International Edition, Sixth edition, McGraw- Hill.
24. Clarke, S. (2001). Information Systems Strategic Management, An integrated approach, Routledge, Taylor & Francis Group, London & New York.
25. Corbin, Henry (1986), The Science of the Balance and Correspondences Between Worlds in Islamic Gnosis in Temple and Contemplation , tran. Philip Sherrard, Islamic Publications, London
26. Dohertya, N.F., Marplea, C.G. and Suhaimib, A. (1999) Therelative success of alternative approaches to strategicinformation systems planning: an empirical analysis, Journal of Strategic Information Systems 8 .pp. 263–283.
27. Heidegger, Martin. (1971), “Building, Dwelling, Thinking”, in Rethinking Architecture (A Reader in Cultural Theory), (ed. N. Leach), Routledge, New York, pp.94-104
28. Oliver, Paul. (1997), Encyclopedia of Vernacular Architecture of the World, published by Oxford Institute for Sustainable Development and Oxford Brookes University.
30. Islami, S. Golamreza. (1998), Endogenous Development: A model for the Process of ManEnvironment Transaction, Thesis Submitted for the Degree of Doctor of Philosophy, Faculty of Environmental studies, Edinburgh College of Art, Department of Architecture, Heriot-Watt University.
31. Buttimmer Anne/ David Seamon (1980), the Human Ex perience of Space and Place , Oxford, London
32. Relph Edward. (1976), Place and Placelessness , Pion, London
33. Tuan, Yi- Fu(1977), Space and Place: the Perspec tive of Experience, University of Minnesota Press, Minneapolis.
34. Schuon. Frithjof(1965), Light on the Ancient World, Perennial Book, London
35. www.evolo.ir
36. www.arel.ir
37. www.archdaily.ir
38. www.archilovers.

**Journal of
Urban Design Studies
and Urban Research**

ISSN: 2645-4424

www. UDSJ .ir

مطالعات طراحی شهری
و پژوهش‌های شهری

نشانی: کرج، بلوار امام خمینی (باغستان)، بین
خیابان پنجم و ششم، روبروی مجموعه ورزشی
انقلاب، پلاک ۷۳۵، ساختمان پرند، واحد ۱



۰۲۱ ۳۳ ۲۰ ۲۴ ۸۷



۰۲۶ ۳۴ ۴۳ ۶۹ ۵۹



۰۲۱ ۴۳ ۸۵ ۷۱ ۲۴